



پردازش موضوعات جهت ساز
رهنز
مدیریت اسلامی تحولات

مشروح مصاحبه های مطبوعاتی و رسانه ای دبیر
شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

تدوین: مجید گودرزی-مرداد ۱۳۹۲

فهرست اجمالی مطالب

پیشگفتار: ۹

فصل اول: تبیین چرایی یا ضرورت مسئله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (اولین منظر معرفی

- نقشه راه) ۱۱
۱. طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به صورت رسمی برای اولین بار در دانشگاه سمنان توسط امام خامنه‌ای علیه السلام در سال ۸۵ و تداوم و تکمیل آن در سالهای بعد و سفرهای استانی ۱۲
 ۲. تعریف مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به فکر و روش جمع بندی و تئوریزه شده انقلاب برای تحقق اهداف خویش ۱۲
 ۳. توجه به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی ضمن نقد توسعه غربی به عنوان زاویه دید مطلوب ۱۵

فصل دوم: تبیین موانع فهم عمومی ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلام (منظر دوم

- معرفی نقشه راه) ۲۳
۱. بررسی رویکرد نقد الگوهای توسعه غربی در تبیین ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان رویکرد غالب ۲۴

فصل سوم: تبیین چیستی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (سومین منظر معرفی نقشه

- راه) ۲۸
۱. ضرورت بررسی و تبیین و پاسخ به تفاوت میان پیشرفت اسلامی و پیشرفت های متداول در دنیا به عنوان سؤال و پیش فرض ذهنی مخاطب ۲۹
 ۳. تفاوت در غایت «الگوهای توسعه غربی» با «الگوی پیشرفت اسلامی» علاوه بر تفاوت در شاخصهای آنها؛ به عنوان دومین تفاوت ۳۴

..... ۳۹

فصل چهارم: بررسی موانع فهم چیستی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (چهارمین

منظر معرفی نقشه راه) ۳۹

۱. عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان همایش‌ها، نشست‌ها و مصاحبه‌های خبرنگاران حوزوی و دانشگاهی اصلیتین مانع در فهم چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۴۰

فصل پنجم: تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم

اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (پنجمین منظر معرفی نقشه

راه) ۵۳

۱. «مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی» و «ورود به عرصه‌های نظری برای تئوریزه کردن پیشرفت و نقد توسعه‌های غربی» دو رویکرد در مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۵۴

۲. تبیین مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت بوسیله معادله «پردازش اجتماعی موضوعات جهت‌ساز» پیشنهاد شورای راهبردی..... ۵۹

فصل ششم: بررسی موانع چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی براساس

مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی..... ۶۸

۱. مواجهه انقلاب اسلامی با موانع متعدد در مسیر دستیابی به مهم‌ترین مسأله خویش یعنی تئوریزه کردن تفصیلی اداره جامعه بر مبنای دین..... ۶۹

فصل هفتم: تبیین مفهومی و مصداقی روش مختار در نقشه راه تولید الگوی

پیشرفت اسلامی..... ۸۰

۱. تبیین مفهومی تمثیلی پردازش موضوعات جهت‌ساز (هشتاد و یک موضوع جهت‌ساز) به عنوان معادله مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت..... ۸۱

فصل هشتم: تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره

اصلی فهم اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی (به عنوان منظر هشتم)

۱۰۱

۱. آشنایی با نقشه راه مستلزم تسلط بر نه محور بحثی با عنوان الگوی ساخت نظامات اسلامی..... ۱۰۲

فصل نهم: معرفی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مرکز الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت و جریانات فعال در این عرصه (نهمین منظر معرفی

نقشه راه) ۱۵۸

۱. تشکیل دهها حلقه و گروه مطالعاتی راجع به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی پس از

- ایجاد تشکیلات رسمی درباره مسئله الگوی پیشرفت در دفتر آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام و سفارش ایشان نسبت به این مسأله ۱۵۹
۲. تبیین صحیح چرایی (ضرورت های) الگوی پیشرفت، تبیین چیستی مسئله الگوی پیشرفت و تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ملاک طبقه بندی گرو های و حلقه های فعال به ده جریان بواسطه بررسی اسناد علمی ارائه شده در مقالات، کتابها، سایتها و همایشها توسط شخصیتها ۱۶۰

پیشگفتار:

تجربیات ۳۰ ساله انقلاب در استفاده از الگوهای توسعه غربی برای مدیریت امورات جامعه، مدیران ارشد و رهبران انقلاب را به این نتیجه رسانده است، که الگوهای توسعه غربی برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های ناکارآمد می‌باشد.

جمع بندی مدیران ارشد نظام جمهوری اسلامی از تعارض و ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی، اعتقاد به ضرورت طراحی و دستیابی به الگویی اسلامی متناسب با اهداف و آرمانهای اسلام و انقلاب می‌باشد.

با توجه به موانع و سختی های طراحی و تولید يك الگوی متناسب با شاخص های اسلامی انقلاب ایران، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در قالب اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، تبیینی اجمالی از چرایی، چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و چگونگی حرکت به سمت آن ارائه کرده است.

موضوع مصاحبه دبیر شورای راهبردی با رسانه‌ها و مطبوعات کشور در معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی از ۱۳۹۰ تشریح چیستی مسئله الگوی پیشرفت اسلامی و بررسی موانع حرکت جامعه به سمت تولید الگو بعلاوه راه حل پیشنهادی این شورا برای عبور از موانع پیش روی الگو می‌باشد. کتاب حاضر تدوین مشروح نشست‌های مطبوعاتی ایشان با این رسانه‌ها می‌باشد.

این کتاب به تبیین «چیستی مسئله الگوی پیشرفت اسلامی» و «شناسایی

موانع موجود در مسیر حرکت جامعه به سمت تولید این الگو» و «چگونگی عبور از موانع پیش روی تولید الگوی پیشرفت اسلامی» می پردازد.

فصل اول: تبیین چرائی یا ضرورت مسئله
الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم
اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت
اسلامی (اولین منظر معرفی نقشه راه)

۱. طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به صورت رسمی برای اولین بار در دانشگاه سمنان توسط امام خامنه‌ای علیه السلام در سال ۸۵ و تداوم و تکمیل آن در سالهای بعد و سفرهای استانی

بحث از تاریخچه طرح مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» قبل از ورود به بحث ضرورتی غیر قابل انکار است.

مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به صورت رسمی از سال «۱۳۸۵» در دانشگاه سمنان در سخنان آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام مطرح شد و برای اولین بار ایشان مقدماتی را مطرح نمودند که این مقدمات در سالهای بعد و در سفرهای استان ایشان تکمیل گردید.

۲. تعریف مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به فکر و روش جمع بندی و تئوریزه شده انقلاب برای تحقق اهداف خویش

تعریف مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به مسأله انقلاب اسلامی در واقع پاسخی به سؤال چرایی وقوع انقلاب اسلامی می‌باشد. به عبارت دیگر مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»، تئوریزه شده و جمع بندی شده فکر انقلاب برای تحقق اهداف و آرمانهایی خویش مانند عدالت، مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم، احیاء و تحکیم نهاد خانواده و در کل مجموعه شاخص‌های هویت اسلامی می‌باشد. بنابراین میان مسأله انقلاب اسلامی یعنی مجموعه شاخص - های هویت اسلامی و فکر محقق کننده این شاخص‌ها علی‌رغم شباهت بسیار، تفاوتی نیز وجود دارد و آن، تفاوت در اجمال و تفصیل است.

وقتی که تازه می‌خواستیم انقلاب کنیم، لازم نبوده که به تفصیل راجع به اهداف و آرمان‌های انقلاب بحث کنیم، بلکه صرف طرح آنها برای شروع انقلاب و پیروزی کافی بود؛ ولی امروز برای تحقق آن شعارها و آرمان‌های اجمالی طرح شده در صدر انقلاب باید به صورت تفصیلی راجع به اهداف انقلاب و روش تحقق آنها بحث کنیم. بحث تفصیلی در مورد انقلاب و اهدافش همان مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» می‌باشد.

۲/۱. درک ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، نتیجه بازخوانی چرائی انقلاب اسلامی

بنابراین برای درک ضرورت «الگوی پیشرفت اسلامی»، نیازمند بازخوانی انقلاب می‌باشیم تا بدانیم انقلاب به دنبال چیست؟ در پاسخ به این سؤال، باید گفت انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد تا لباس واقعیت به تن شاخصه‌های هویت اسلامی^۱ بپوشاند.

۲/۱/۱. پاسخ تفصیلی به چگونگی ایجاد عدالت، تقویت و احیاء نهاد خانواده و مبارزه با ظلم و ...، کارکرد اصلی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»

مردم ایران انقلاب کردند تا نهاد خانواده را تقویت و احیا کنند؛ زیرا جامعه اسلامی بدون نهاد خانواده فرض تحقق ندارد. مردم انقلاب کردند تا زیر بار ظلم نباشند. حالا سؤال بعدی مطرح می‌شود که «الگوی پیشرفت اسلامی» برای چیست؟ در پاسخ خواهیم گفت بحث تفصیلی از چگونگی احیاء نهاد

۱. عدالت یکی از شاخصه‌های هویت اسلامی است.

خانواده‌ای مستحکم و تقویت آن و چگونگی مبارزه با ظلم در واقعیت، در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» مورد بحث قرار می‌گیرد. به عنوان مثال اگر در پاسخ به سؤال اینکه چرا انقلاب کردیم، بگوییم می‌خواستیم عدالت را محقق کنیم، در پاسخ به سؤال چرا تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ضرورت دارد؟ خواهیم گفت که در این الگو از روش تحقق عدالت به صورت تفصیلی بحث می‌گردد.

۲/۱/۲. بحث از شاخصه‌های هویت اسلامی در انقلاب اسلامی و تبیین تشریحی چگونگی تحقق آن‌ها در همه بخش‌ها در «الگوی پیشرفت اسلامی»

به عبارت بهتر در انقلاب اسلامی از اهداف اسلامی به صورت اجمالی بحث کرده و می‌گفتیم که قصد تحقق عدالت، مبارزه با ظلم و ... را داریم، بدون اینکه از چگونگی تحقق عدالت صحبتی کنیم، ولی در مسئله «الگوی پیشرفت اسلامی»، به صورت تشریحی از لوازم تحقق عدالت، مبارزه با ظلم و ... در اقتصاد و سایر بخش‌ها بحث می‌شود.

۲/۱/۳. استخراج و طرح شعارهای اصلی و اساسی در انقلاب و بحث از شیوه تحقق این شعارها در «الگوی پیشرفت اسلامی»
در حقیقت استخراج شعارهای اصلی و اساسی انقلاب و سپس بحث از چگونگی تحقق این شعارها دو کارکرد اصلی «الگوی پیشرفت اسلامی» می‌باشد.

۱/۲/۳/۱. بحث از ضرورت تحقق اهداف اسلامی بواسطه الگوی پیشرفت اسلامی، نتیجه عدم امکان تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی با روش های غربی

تحقق آرمانهای انقلاب بواسطه الگوی پیشرفت اسلامی معلول این جمع بندی رهبران انقلاب است که نمی توان آرمانهای انقلاب را با روش های غربی محقق کرد. باطن این جمع بندی این است که چون آرمانهای انقلاب، همان آرمانهای اسلامی است، لذا برای رسیدن به آرمانهای انقلاب، نیازمند روشی اسلامی هستیم و در الگوی پیشرفت اسلامی، روش تحقق اهداف اسلامی مورد بحث قرار می گیرد.

۳. توجه به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی ضمن نقد توسعه غربی به عنوان زاویه دید مطلوب

برای اثبات عدم کارایی روش های غربی برای تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی ایران، باید این روش ها مورد نقد و بررسی قرار گیرد. بحث از معایب روش های غربی برای تحقق آرمانهای انقلاب و نقد این روش ها به شکل های مختلف ممکن است و اگر نخواهیم به صورت تفصیلی رویکردهای مختلف نقد توسعه تشریح کنیم؛ توجه نسبت به اصل مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» که در درون خود نقد توسعه غربی را هم داراست، می تواند بهترین روش موجود باشد.

۳/۱. تبیین ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بواسطه تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی

زاویه دید مختار در این نوشته توجه به ضرورت مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» با توجه به جهت حرکت جمهوری اسلامی و اخذ جهت برای تبیین چرایی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» است.

۳/۱/۱. عدم استفاده از الگوهای غربی نتیجه ایجاد درک از جهت جمهوری اسلامی

به عبارت ساده تر اینکه درکی که از جهت نظام مبارک جمهوری اسلامی در ذهن رهبران و نخبگان و مردم ایران حاصل شده است، می‌گوید که استفاده از الگوهای غربی برای تحقق آرمان‌های اسلامی انقلاب غیر ممکن است.

۳/۱/۲. تبیین ضرورت مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» از زاویه دید بازخوانی تاریخی اثرات نامطلوب استفاده از الگوهای غربی از دارالفنون تا به امروز در اداره امور کشور

علاوه بر تبیین جهت حرکت نظام مبارک جمهوری اسلامی به عنوان روش مختار در تبیین ضرورت مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»، یک بازخوانی تاریخی از دارالفنون تا به امروز، یعنی از دویست سال پیش تا به حالا به عنوان یک تجربه‌ی عملی استفاده از الگوهای غربی در اداره کشور مقابل دیدگان مردم و مسئولین نظام قرار دارد. بنابراین بازخوانی این تجربه عملی در استفاده از الگوهای غربی هم می‌تواند به جمع‌بندی درباره اثرات سوء استفاده از الگوهای توسعه غربی در تحقق آرمان‌های جامعه کمک نماید.

۳/۱/۲/۱. ضرورت طرح مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در ادبیات انقلاب بدلیل تجربه دویست ساله عملکرد تزه‌های غربی و کارنامه تاریک این تجربه

بازخوانی کارنامه تاریک این تجربه عملی دویست ساله موجب شناخت نقاط ضعف و اشکالات تزه‌های روشنفکری غربی گردیده و توجه به آن نقاط ضعف، علت جمع‌بندی ادبیات انقلاب بر ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» و طرح آن در جامعه گردیده است.

۳/۱/۳. تبیین ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» براساس فهم آفات اداره کشور براساس شاخصه‌های جهانی توسعه به صورت بازخوانی تجربه عملی «سیساله» انقلاب و نه مباحث نظری دانشگاهی، به عنوان پایه نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

یکی دیگر از عواملی که موجب تسریع در جمع‌بندی مسئولین نظام و نخبگان درباره آفات اداره کشور با «Development»^۲ و سایر الگوهای غربی شده است، بازخوانی تجربه «سیساله» انقلاب در استفاده از این الگوها در اداره کشور است.

یک وقت باید سر کلاس حاضر شده و دوران تحصیلی طولانی مدت را گذرانده و کتاب‌هایی را خواند تا به صورت نظری بر مباحث توسعه مسلط شده و بگوئیم توسعه برای ارزش‌های اسلامی مضر است، اما گاهی اوقات غیر از آن مباحث نظری که مورد بحث قرار داده می‌شود، ۳۰ سال تجربه

عملی انقلاب در استفاده از این الگوها پیش روی مان وجود دارد. بازخوانی تجربه «سی ساله» انقلاب، پایه‌ی نقشه راه پیشنهادی است.

۳/۱/۳/۱. عدم حوصله مخاطب و فقدان زمان کافی، برای استدلال نظری بر رد الگوی های توسعه غربی استفاده شده در سی سال گذشته؛ دلیل اصلی نرفتن به سمت مباحث نظری در رد توسعه

بخشی از این تجربه سی ساله اخیر مربوط به تجربه اداره کشور در دوران سازندگی می‌باشد. در این سال‌ها کشور به سمت استفاده از الگوهای توسعه غربی در بخش اقتصاد سوق پیدا کرد. اگر چه در حال حاضر قصد ارائه مباحث نظری خویش را نداریم.^۳

۳/۱/۳/۱/۱. ارزیابی دوران سازندگی براساس میزان تحقق یکی از شاخص های اسلامی به نام «عدالت»

اما با بررسی یکی از شاخص‌های اسلامی به نام مسأله عدالت و مستضعفین در دوران سازندگی و فعالیت‌هایی که در این دوران ذیل شعار سازندگی انجام شد، می‌توانیم به بررسی و ارزیابی موفقیت و عدم موفقیت الگوهای استفاده شده در این دوران براساس شاخص عدالت پردازیم. اگر چه شعار سازندگی، شعار درستی بود، ولی آیا نحوه برنامه‌ریزی^۴ که در این دوران

^۳. زیرا برای طرح استدلال‌های نظری بر مخالفت با توسعه، به لحاظ زمانی، فرصت لازم برای طرح بحث درباره این مسئله، یک ترم دانشگاهی می‌باشد و در قالب یک مصاحبه نمی‌گنجد.

^۴. برنامه‌ریزی که منجر به گسترش استفاده از توسعه غربی در کشور شد.

ملاک اداره کشور قرار گرفت به نفع مستضعفین و تحقق شعار عدالت بود،
یا خیر؟

۳/۱/۳/۱/۱/۱. تشدید فاصله طبقاتی و تضعیف بیشتر مستضعفین در دوران
سازندگی و رواج اصطلاح ساختگی «اقشار آسیب‌پذیر» یعنی عدم امکان
حرکت به سمت عدالت براساس شاخص‌های توسعه غربی و تئوریزه کردن
عدم تحقق شاخصه‌های انقلاب

به عبارت دیگر عدالت که به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب می‌باشد،
در دوران سازندگی بواسطه استفاده از الگوهای توسعه غربی در بخش
اقتصاد موجب کمرنگ شدن عدالت و تشدید فاصله طبقاتی و تضعیف
بیشتر مستضعفین گردید. حتی در این دوران اصطلاحی در جامعه تحت
عنوان «اقشار آسیب‌پذیر» به جای «مستضعفین»^۵ باب شد. یعنی نه تنها
نخواستند به سمت عدالت بروند^۶، بلکه به سمت تئوریزه کردن عدم تحقق
شاخص‌های انقلاب حرکت کردند! لذا از جمله عوامل جمع‌بندی نیروهای
انقلاب در طرح ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»، تجربه دوران

^۵. تفاوت ماهوی اصطلاح «اقشار آسیب‌پذیر» با اصطلاح «مستضعفین» علت استفاده آن به جای دیگری
گردید. عدم استفاده از اصطلاحات روز دنیا به دلیل بار ارزشی و مفهومی این اصطلاحات در انقلاب سابقه
ای به اندازه خود انقلاب دارد. عدم استفاده از کلمه «امپریالیسم» و استفاده از کلمه «استکبار جهانی»، عدم
استفاده از کلمه «اقشار آسیب‌پذیر» و استفاده از کلمه «مستضعفین» توسط امام خمینی رحمته‌الله‌علیه. استفاده از کلمه
«پیشرفت» به جای «توسعه» توسط آیت الله امام خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه.

^۶. زیرا براساس الگوی غربی نمی‌توان به سمت عدالت رفت.

سازندگی است. اگر تجربه دوران اصلاحات را به تجربه دوران سازندگی اضافه شود، بحث دقیق‌تر هم خواهد شد.

۳/۱/۳/۱/۲. تلاش برای تعمیم استفاده از الگوی اقتصادی توسعه غربی به الگوی سیاسی توسعه غربی در دولت اصلاحات تحت عنوان «توسعه سیاسی» توسط نظریه پردازان این دولت

پس از پایان دولت سازندگی و در دوران اصلاحات تلاش شد تا علاوه بر استفاده از الگوهای غربی در بخش اقتصادی، استفاده از این الگوها برای اداره کشور در بخش سیاسی نیز تئوریزه شود. طرح شعار توسعه سیاسی و تلاش برای دموکراتیزه کردن ساختار جمهوری اسلامی توسط نظریه پردازان اصلاحات در جامعه را، می توان تلاش این دولت برای تغییر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی براساس الگوهای توسعه غربی دانست. ایشان معتقدند، چنان که در دوران سازندگی حرف‌ها و تئوری‌های اقتصادی غرب حرف‌هایی نو در بخش اقتصاد است؛ حرف‌ها و تئوری‌های سیاسی غرب هم، حرف‌های نو و به‌روزی است. بر این اساس در عرصه‌ی سیاسی نیز تجربه‌ای دیگر برای نظام شکل گرفت.

۳/۱/۳/۱/۲/۱. بازخوانی تجربه‌های دوران اصلاحات و سازندگی عاملی موثر در فهم مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان یک نیاز ضروری توسط رهبران و نیروهای انقلاب

بازخوانی تجربه دوران اصلاحات و سازندگی توسط نیروهای انقلاب و مسئولین ارشد نظام عاملی موثر در فهم مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» و طرح آن به عنوان نیاز ضروری امروز انقلاب می‌باشد.

۳/۱/۳/۱/۳. اداره کشور براساس الگوهای اسلامی ایده مورد نظر نظام به دلیل آسیب‌های شدید در اثر استفاده از الگوهای غربی در اداره کشور مانند آموزش و پرورش و اقتصاد

از این رو ایده مورد نظر نظام، اداره کشور توسط الگوهای اسلامی است، زیرا از ناحیه استفاده از الگوهای غربی، کشور به شدت دچار آسیب گردیده است. از نمونه‌های روشن مورد قبول اغلب نخبگان، آسیب‌های ناشی از اداره آموزش و پرورش و اقتصاد جامعه توسط الگوهای غربی است.^۷

۳/۱/۳/۱/۳/۱. طراحی دستگاه اطلاعات کشور و اداره جنگ براساس الگویی غیر از الگوهای غربی به عنوان نمونه‌های موفق الگوهای اسلامی از طرف دیگر تجربه عملی موفق انقلاب در عدم استفاده از این الگوها در بخش‌های مختلف جامعه وجود دارد، نمونه‌های روشنی که به الگوهای غربی عمل نشده است و موفق بوده‌ایم، دستگاه اطلاعات کشور و اداره جنگ بوده است.

^۷. برعکس هر کجا که براساس الگوهای بومی خویش عمل کرده‌ایم موفقیت‌های چشمگیری حاصل شده است

۳/۱/۳/۱/۳/۲. اراده نظام برای تعمیم روش اداره اصل پیروزی انقلاب و اداره جنگ به سایر بخش‌ها به عنوان آینده مطلوب پیش روی نظام بر این اساس نظام مبارک جمهوری اسلامی قصد دارد، روش مدیریت تحولات در برخی از موارد مانند پیروزی اصل انقلاب و اداره جنگ را به دیگر بخش‌ها تعمیم دهد و این مسأله را به عنوان آینده مطلوب نظام جمهوری اسلامی تعریف می‌کند.

اینک وقت آن رسیده است که گفتگو راجع به ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان اولین قدم به گفتمان ملی و عمومی برای تولید این الگو تبدیل شود.

البته موانع متعددی در مسیر تبدیل گفتگوی خواص راجع به ضرورت مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به گفتمان ملی و عمومی جامعه درباره آن وجود دارد که در ادامه مباحث به موانع اصلی این گفتمان‌سازی ملی و عمومی خواهیم پرداخت.

فصل دوم: تبیین موانع فهم عمومی
ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی
بر اساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید
الگوی پیشرفت اسلام (منظر دوم معرفی
نقشه راه)

۱. بررسی رویکرد نقد الگوهای توسعه غربی در تبیین ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان رویکرد غالب

در مباحث گذشته ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» از رویکردهای مختلف مورد بحث قرار گرفت، که یکی از این رویکردها که می‌توان آن را رویکردی غالب نسبت به بقیه رویکردها دانست، نقد الگوهای توسعه غربی است. به عبارت دیگر اغلب کسانی که قصد دارند ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» را اثبات نمایند، بحث‌شان را از نقد الگوهای توسعه غربی شروع می‌کنند.

۱/۱. امکان نقد الگوهای توسعه غربی با دو رویکرد متفاوت

برای نقد الگوهای توسعه غربی، دو رویکرد متفاوت وجود دارد.

۱/۱/۱. رویکرد نخست؛ مطالعات کتابخانه‌ای مستلزم طبقه‌بندی و نقد تاریخی و مفهومی توسعه در قالب چند ترم دانشگاهی

یک رویکرد به سمت بحث‌های کتابخانه‌ای و نظری که فضای خاص خودش را می‌طلبد، حرکت می‌کند، چنین رویکردی نیازمند زمانی به اندازه دو، سه ترم دانشگاهی برای طبقه‌بندی، نقد تاریخ و مفاهیم توسعه و الگوهای متعدد آن می‌باشد.

۱/۱/۱/۱. نقد نظری الگوهای توسعه غربی اصلی‌ترین موانع فهم عمومی ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

شاید بتوان اصلی‌ترین موانع فهم عمومی ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» را حرکت به سمت نقد نظری الگوهای توسعه غربی به جای

بررسی تجربه عملی استفاده از این ترها در کشور به عنوان نقطه شروع دانست.

۱/۱/۲. بررسی تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی مستلزم تحقیقات و بررسی های کتابخانه ای صحیح و دقیق

نقد تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی نیازمند یک بررسی کتابخانه‌ای گسترده و دقیق است.

۱/۱/۳. طولانی بودن زمان مطالعات کتابخانه‌ای و عدم حوصله مخاطب برای شنیدن گزارش این مطالعات اولین اشکال استفاده از این رویکرد در نقد توسعه غربی

چنانچه بخواهیم براساس نقد نظری الگوهای توسعه غربی پیش برویم، زمان مورد نیاز برای مطالعات و بررسی‌های کتابخانه‌ای و نقد نظری این الگوها، بسیار طولانی مدت بوده و از حوصله چنین جلسات رسانه‌ای و مخاطبان آن خارج است.

۱/۱/۳/۱. عدم ورود به نقد نظری و کتابخانه‌ای الگوهای توسعه غربی در نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به معنای عدم انحصار نقد الگوهای توسعه غربی به نقد نظری و کتابخانه‌ای

بنابراین یکی از رویکردهای موجود برای نقد الگوهای توسعه غربی، نقد نظری می‌باشد که در معرفی نقشه راه براساس این رویکرد ورود پیدا ننموده‌ایم. این سخن به این معنا نیست که از نقد نظری و کتابخانه‌ای در

تبیین مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» استفاده نخواهیم کرد، بلکه می‌خواهیم بگوییم که این تنها راه برای نقد الگوهای توسعه غربی نیست.

۲/۲. بازخوانی عملکرد دولت‌های دویست ساله‌ی اخیر در استفاده و برنامه‌ریزی براساس توسعه غربی در کشور و مقایسه نتیجه آن با آرمانها و شرایط تاریخی خویش، دومین رویکرد در نقد الگوهای توسعه غربی رویکرد دوم برای نقد الگوهای توسعه غربی این است که شما تحولات دویست سال اخیر علی‌الخصوص سی سال گذشته و عملکرد دولت‌هایی که در این مدت سرکار آمده‌اند را بازخوانی کنید.

از سال‌ها قبل از انقلاب برنامه‌ریزی مدرن در کشور ایران آغاز شده است، بعد از انقلاب هم چند برنامه توسعه در کشور اجرا شده؛ بازخوانی این تجربه عملی در استفاده از الگوهای توسعه غربی و مقایسه آن با آرمانها و شرایط تاریخی مردم ایران رویکردی غیر از رویکرد اول است.

بازخوانی اهداف و آرمان‌های مردم ایران از انقلاب علیه رژیم شاهنشاهی قبل از ورود به نقد نظری توسعه غربی، ضرورت دارد. به نظر می‌رسد که خروجی بحث مشترک می‌باشد.

۲/۲/۱. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی به عنوان نقطه شروع نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی و قضاوت در مورد استفاده یا عدم استفاده از الگوهای توسعه غربی برای تحقق جهت انقلاب اسلامی در «نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت» از بازخوانی آرمانها و اهداف مردم در انقلاب سال «۱۳۵۷» شروع کردیم. به عبارت بهتر ابتدا جهت جمهوری

اسلامی را تبیین کردیم، پس از اینکه مطلب اثباتی را که به دنبالش بودیم و برای آن انقلاب کرده بودیم، تبیین شد در این هنگام زمینه‌ی قضاوت در مورد اینکه آیا با توسعه غربی به اهداف خود خواهیم رسید یا توسعه غربی برنامه‌ریزی ضدشاخص‌های اسلامی مردم می‌باشد، مهیا خواهد شد.

۲/۲/۱/۱. طراحی جدول گفتمان پیشرفت اسلامی از آغازین لحظات بحث در تبیین مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» و تکامل تدریجی آن در ادامه از آغاز بحث تبیین مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»، جدول گفتمان پیشرفت اسلامی طراحی و به مرور تکمیل شده است.

فصل سوم: تبیین چستی مسأله الگوی
پیشرفت اسلامی بر اساس مفاهیم اولین
نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی
(سومین منظر معرفی نقشه راه)

۱. ضرورت بررسی و تبیین و پاسخ به تفاوت میان پیشرفت اسلامی و پیشرفت های متداول در دنیا به عنوان سؤال و پیش فرض ذهنی مخاطب

پس از تبیین ضرورت حرکت به سمت تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلامی ملت و انقلاب ایران، تبیین چیستی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت این الگو با الگوهای موجود دنیا ضروری می‌باشد.

اگر بخواهیم این مسئله خوب تبیین شود، باید چند مطلب به عنوان مقدمه تشریح شود.

مطلب اول؛ اینکه ممکن است در ذهن نخبگان و مردم این سؤال وجود داشته باشد که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در حال حاضر گفتمان آن در حال حرکت به سمت غالب شدن است؛ چه تفاوتی با پیشرفت‌های موجود^۸ در دنیا دارد؟ زیرا همه دنیا توسعه غربی^۹ را آرمان خویش تعریف می‌کند. بنابراین مناسب آن است که ابتدا تفاوت توسعه غربی با پیشرفت اسلامی مورد بحث قرار گیرد.

^۸. شما بخوانید الگوهای توسعه غربی، زیرا در شرایط فعلی جهان همه الگوهای اداره جامعه اقسامی از توسعه غربی می‌باشند.

^۹. Development .

۱/۱. توجه به چیستی مولفه‌ها و شاخصه‌های پیشرفت اسلامی اولین نکته در معرفی اولین نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

نکته اول در فهم تفاوت میان توسعه غربی و پیشرفت اسلامی توجه به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های پیشرفت اسلامی می‌باشد. چرا که حدود ۴۰۰، ۵۰۰ سال از شروع تمدن مدرنیته گذشته و در حال حاضر سازمان ملل و سازمان‌های زیر مجموعه آن در حال اداره‌ی دنیا هستند، این تمدن و زیرمجموعه‌های آن برای زندگی آرمانی مدرن، شاخصه‌هایی را براساس توسعه معرفی می‌کند که با شاخص‌های تعریف شده از سوی اسلام برای زندگی آرمانی و الهی انسان در جمهوری اسلامی الزاماً برابر نیست.

نتیجه عدم توجه به تفاوت‌های شاخص‌های مطلوب اسلامی برای یک زندگی آرمانی و خوب با شاخص‌های توسعه تمدن مدرن، ترسیم آینده‌ای مانند یکی از کشورهای G۸^۱ را برای جمهوری اسلامی رقم خواهد زد.

۱/۱/۱. شاخصه‌ی عدالت نمونه‌ای از تفاوت شاخصه‌های هویت اسلامی با شاخصه‌های توسعه غربی

این کشورها دارای یک وضعیت فعلی می‌باشند که از نظر اسلام چنین وضعیتی حاصل عدم توجه به بعضی شاخصه‌ها می‌باشد. لذا در صورت عدم توجه به این شاخص‌ها در برنامه‌ریزی کشور، تحقق وضعیتی شبیه به یکی از کشورهای G۸، آینده محتمل جمهوری اسلامی است.

۱. افق کشورهای توسعه‌یافته جهان، هشت کشور توسعه یافته صنعتی یعنی روسیه، انگلیس، آلمان، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی هستند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که کشورهای GA چه عیبی دارند که نمی‌خواهیم شبیه آنها شویم؟ رهبران و نخبگان انقلاب واضح و صریح فرموده‌اند: آینده‌ی تعریف شده‌ی جمهوری اسلامی، شبیه آینده کشورهای توسعه یافته نیست.

از جمله موارد عدم برابری شاخص‌های مورد تأکید اسلام با شاخص‌های توسعه غربی، مسئله عدالت است. در توسعه‌ی غربی عدالت اجتماعی یا مفهوم اعم عدالت در حوزه‌های مختلف به هیچ عنوان وجود ندارد. بنابراین یکی از تفاوت‌های اصلی توسعه غربی با پیشرفت اسلامی، مسئله عدالت است. نمی‌توانیم ادعا کنیم در حال رشد و پیشرفت هستیم، اما شاخص‌های مربوط به عدالت رشد نکرده و فاصله‌ی طبقاتی در جامعه رشد روزافزون داشته باشد.

۱/۱/۲. مسائل خانواده یکی دیگر از تفاوت شاخص‌های اسلامی پیشرفت با شاخصه‌های توسعه غربی

یکی دیگر از تفاوت‌های توسعه غربی و پیشرفت اسلامی که به صورت اجمالی به آن اشاره خواهد شد، مسئله خانواده است.

۱/۱/۲/۱. غیرقابل انکار بودن ضعف اخلاق، معنویت و خانواده در هشت کشور صنعتی

امروز بحران اخلاق، معنویت، و خانواده در کشورهای GA یک مسئله غیر قابل انکار است.

۱/۱/۲/۲. تناقض ادعای حرکت به سمت پیشرفت اسلامی با مسئله رشد طلاق و فروپاشی خانواده

متأسفانه در کشورهای توسعه یافته به سمت قانونی کردن همجنس بازی و مواردی مانند آن رفته‌اند. در پیشرفت اسلامی نمی‌توان ادعای حرکت به سمت پیشرفت را داشته باشیم، اما خانواده در حال فروپاشی باشد. رشد چهار درصدی طلاق در مقایسه با آمار طلاق سال گذشته در ایران نتیجه عدم توجه به تفاوت شاخص‌های توسعه غربی با شاخص‌های الگوی پیشرفت اسلامی است.

۱/۱/۳. مفروض بودن رشد جایگاه خانواده، اخلاق و معنویت در پیشرفت اسلامی برخلاف توسعه غربی

بنابراین در پیشرفت اسلامی برخلاف توسعه غربی رشد خانواده، اخلاق، معنویت، عدالت و ... مفروض است.

۲. تعریف نقشه راه پیشنهادی فعلی به نقشه راه مرحله پیدایش و شروع تئوریزه کردن فعالیت‌های کشور به سمت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» اولین نقشه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» را می‌توان نقشه مرحله پیدایش معرفی کرد. به عبارت دیگر نقشه تولید این الگو در مرحله پیدایش به دنبال آغاز تئوریزه کردن فعالیت‌های کشور به سمت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» است.

۲/۱. ضرورت طراحی دو نقشه راه در تغییرات و تکامل تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» علی‌المنها «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» اگر بخواهیم براساس مبنای فلسفی «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» حرکت کنیم، باید دو نقشه دیگر در تغییرات و تکامل حرکت به سمت پیشرفت اسلامی ارائه دهیم.

۲/۱/۱. تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» دوران گذار نتیجه نقشه راه مرحله پیدایش و «الگوی پیشرفت اسلامی» مطلوب محصول نقشه راه مرحله تغییرات و تکامل

در واقع نقشه راه مرحله پیدایش، به سمت تولید یک الگوی اسلامی برای دوران گذار حرکت می‌کند. طبیعتاً مراحل دوم و سوم نقشه راه، به سمت تولید الگوی اسلامی پیشرفت مطلوب می‌باشد. البته بحث از «الگوی اسلامی پیشرفت» مطلوب، بدون تبیین و تولید الگوی دوران گذار مشکل است.

۲/۱/۱/۱. نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» دوران گذار یعنی؛ مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی در شرایط فعلی در واقع نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» دوران گذار به معنای مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی در وضعیت و شرایط فعلی می‌باشد.

۲/۱/۱۲. نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» مطلوب یعنی مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی پس از افزایش ظرفیت‌ها، مقدورات و ارتقاء ضریب اسلامیت

شرایط فعلی یعنی اینکه ضریب اسلامیت الگوی پیشرفت اسلامی دوران گذار متناسب با ظرفیت جامعه و مقدورات موجود آن خواهد بود. بنابراین به طور قطع هر وقت ظرفیت‌ها و مقدورات بیشتری در جامعه حاصل شود، خواهیم توانست سقف اسلامیت «الگو» را ارتقاء دهیم و این به معنای تولید «الگوی» مطلوب است.

۳. تفاوت در غایت «الگوهای توسعه غربی» با «الگوی پیشرفت اسلامی» علاوه بر تفاوت در شاخص‌های آنها؛ به عنوان دومین تفاوت

از دیگر تفاوت‌های «الگوی توسعه غربی» با «الگوی پیشرفت اسلامی» علاوه بر تفاوت در شاخص‌های آنها، تفاوت در غایت این الگوها می‌باشد. ممکن است کسانی در جامعه وجود داشته باشند که غایت و هدف اصلی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» را به عنوان ابزار ساخت یک تمدن جدید قبول نداشته باشند! اگر کسی الگو را در این سطح قبول نداشته باشد، در واقع معتقد به تقابل انقلاب و مدرنیته نبوده است. طبیعتاً با چنین افرادی سخن گفتن از «الگوی پیشرفت اسلامی» بی‌فایده می‌باشد. برعکس عده‌ای نیز ممکن است برای الگوهای توسعه چنین غایتی را معتقد نباشند.

۳/۱. ساخت تمدن غایت اصلی الگوهای توسعه غربی برخلاف تصور برخی در تعریف توسعه به افزایش GDP و ارزش افزوده

متأسفانه در جامعه کسانی وجود دارند که درکشان از توسعه به معنای افزایش GDP و ارزش افزوده می‌باشد! اما اساتید دانشگاه یا حوزه که مسلط بر بحث می‌باشند، تصدیق خواهند کرد که موضوع توسعه به افزایش تولید کشور یا تولید یک سری محصولات، منحصر و محدود نبوده و مسأله اصلی الگوهای توسعه، ساخت تمدن است.

۳/۱/۱. تعریف الگوی توسعه غربی به ابزار تحقق مدرنیزاسیون و عبور از عدم توسعه یافتگی به سمت توسعه یافتگی و تحقق تمدن مدرن در کشور در این صورت الگوهای توسعه ابزار ساخت تحقق مدرنیزاسیون می‌باشد. اگر کشوری براساس الگوی توسعه برنامه‌ریزی عمل کند، از عدم توسعه یافتگی، به توسعه یافتگی تغییر می‌کند.

۳/۲. تعریف «الگوی پیشرفت اسلامی» به ابزار ساخت تمدن اسلامی نتیجه اعتقاد به تقابل انقلاب اسلامی با مدرنیته

بنابراین اگر کسی مدعی تقابل انقلاب و مدرنیته باشد اذعان خواهد کرد که «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان ابزار مقابله انقلاب با مدرنیته به معنای ابزار ساخت تمدن نوین اسلامی می‌باشد. - به معنایی که گفتیم - و «جدول موضوعات انتقال نظام» مفید نیست.

۳/۲/۱. تعریف الگوی مالزی و ترکیه با پسوند اسلامی به عنوان «الگوی پیشرفت اسلامی» منظور اصلی غیرمعتقدین به تقابل انقلاب اسلامی و مدرنیته

افرادی که به تقابل مدرنیته با انقلاب اسلامی معتقد نیستند، وقتی که از «الگوی پیشرفت اسلامی» صحبت می کنند، منظور آنها الگوی مالزی و ترکیه و... هستند. یعنی نام اسلام را به الگوی مورد نظر خود می چسباند و می گویند که این همان «الگوی پیشرفت اسلامی» است.

۳/۲/۲. ساخت تمدن نوین اسلامی ایده محوری انقلاب برای قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام

چنانچه معلوم شد، ایده محوری انقلاب قبل از ظهور، ساختن تمدن نوین اسلامی است. البته ممکن است عده‌ای معنای تمدن نوین اسلامی را فعلاً درک نکنند.

۳/۲/۲/۱. تشبیه عدم درک معنای تمدن نوین اسلامی از سوی عده‌ای به عدم درک معنای روشنایی بدون فیتیله، اکسیژن و روغن در عصر ادیسون از سوی عده‌ای

همیشه ایده‌های نو با مشکل عدم درک از سوی اکثریتی از جامعه در ابتدای خویش مواجه بوده است؛ به عنوان مثال در زمان‌های گذشته الگوی مصرف در بحث روشنایی، چراغ‌های گرسوز بوده است. در تاریخ نقل است ادیسون وقتی که قصد ساخت لامپ داشت برای جذب بودجه تحقیقاتی مورد نیاز خویش، عده‌ای را برای پشتیبانی از پروژه خود به جلسه‌ای توجیهی دعوت کرد. پس از تشریح مسأله توسط او، سؤالاتی که در مورد

لامپ از او پرسیدند چنین بوده است؛ لامپ شما فتیله‌اش چه طوری است؟ چه فرقی با فتیله چراغ‌های گردسوز دارد؟ جنسش فرق می‌کند؟ ابریشم است؟ پس از پاسخ ادیسون به این سئوالات که این فتیله لامپ تو پر و فلزی است، بر ابهام‌شان افزوده شد که چگونه یک فلز تو پر، می‌تواند روغن را از مخزن سوخت به محل اشتعال انتقال دهد. اکثر ایشان قادر به درک مسأله نشدند و هر قدر ادیسون موضوع را تبیین و توضیح بیشتری داد که مثلاً سوختش هم نامرئی است، بر ابهام‌ها افزود و پس از طرح اینکه اشتعالش هم در محیط خلأ واقع می‌شود به کلی جلسه قفل شد و گفتند این حرفها را نمی‌فهمیم.

۳/۲/۲/۲. اشتراک مسأله ساخت تمدن با مسأله ساخت لامپ در عدم درک مسائل جدید توسط بخشی از جامعه و افتراق آن دو به درازمدت بودن زمان ساخت تمدن و ضرورت مشارکت عمومی در ساخت آن

بحث‌های نو و جدید انقلاب برای افراد مأنوس با چراغ گردسوز توسعه با مثال تولید لامپ ادیسون در عدم درک مسائل جدید و نو مشابه است. در واقع زمانی که شما برای کسانی که در محیط توسعه پرورش یافته‌اند و به دنبال همان الگوهای متداول روز دنیا هستند، از یک الگوی جدید صحبت می‌کنید ممکن است مسئله را درک نکنند.

اشتراک مسأله ساخت لامپ توسط ادیسون با ساخت یک تمدن در عدم درک هر دو مسأله نو توسط بخشی از جامعه بود، اما تفاوت این مسأله یعنی ساخت یک تمدن با ساخت یک چراغ در این است که ساخت تمدن

برخلاف ساخت لامپ، نیازمند زمان بیشتری و استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های موجود در جامعه می باشد در حالی که در ساخت لامپ همان افراد اندکی که ایده لامپ ادیسون را پذیرفته بودند برای ساخت این لامپ کفایت می کرد؛ لذا در مسئله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان ابزار ساخت تمدن نوین اسلامی، قطعاً باید جامعه علمی^{۱۱} درکی- ولو اجمالی- نسبت به این موضوع داشته باشد.

۳/۳/۱. تئوریزه کردن «الگوی پیشرفت اسلامی» راه حل ایجاد درک اجمالی برای جامعه علمی از مفهوم تمدن‌سازی و تفاهم با معتقدین به الگوهای توسعه در نگاه به این مسأله

فهم این مسأله^{۱۲} در تئوریزه کردن الگوی پیشرفت اسلامی خیلی مهم است. بنابراین انقلاب به دنبال ساخت یک تمدن است و باید با کسانی که «چراغ گردسوزی» فکر می‌کنند و براساس ادبیات توسعه به مسأله الگو می‌نگرند، از یک مجرای خاص تفاهم را آغاز کرد.

۱۱. آیت الله خامنه‌ای ۱۳۹۱/۷/۲۳: باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست.

۱۲. یعنی فهم ضرورت فراگیر شدن مشارکت عمومی مردم و نخبگان در تولید الگوی پیشرفت اسلامی در تولید این الگو بسیار اهمیت دارد.

فصل چهارم: بررسی موانع فهم چستی
مسأله الگوی پیشرفت اسلامی براساس
مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی
پیشرفت اسلامی (چهارمین منظر معرفی
نقشه راه)

۱. عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و شرکت کنندگان همایش‌ها، نشست‌ها و مصاحبه‌های نخبگان حوزوی و دانشگاهی اصلی‌ترین مانع در فهم چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در فصل قبل از ضرورت فهم تفاوت میان «الگوهای توسعه غربی» با «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان ضرورت فهم چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» بحث شد. در این فصل به موانع موجود در مسیر فهم چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» خواهیم پرداخت.

اصلی‌ترین علت عدم فهم چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»، عدم فهم تفاوت سؤالات و سفارشات نو انقلاب در همایش‌ها، نشست‌ها، مصاحبه‌ها و... از سوی نخبگان است که این مسأله علت انحلال این سؤالات و سفارشات نو در سؤالات رایج دیارتمان‌های روز دنیا می‌گردد. این آفتی است که همایش‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات انقلاب به آن مبتلا شده‌اند.

بنابراین می‌توان مانع اصلی فهم مسائل تأسیسی انقلاب را که اصلی‌ترین و محوری‌ترین سؤال تأسیسی انقلاب؛ سؤال از چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» است^{۱۳} در یک جمله به «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت‌کنندگان این‌گونه همایش‌ها» معرفی کرد.

۱۳. آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام ۱۳۸۵/۸/۱۸: این سؤال را باید از خودمان بکنیم: پیشرفت چیست؟

۱/۱. در نظر گرفتن شرایط بومی و فرهنگی ایران و رفتن به مسیر موجود در دنیا به عنوان تنها راه پیش روی بشریت نتیجه علاج نکردن این آفت به عنوان یک آسیب جدی در سی سال آینده

عدم چاره‌اندیشی برای رفع این آفت منجر به این خواهد شد که قبل از تبیین صحیح و کامل سؤال، نخبگان در مقام پاسخگویی به حرف نو انقلاب، این سؤال نو را در سؤالات متداول روز دنیا منحل کرده و ایده‌ی نویی انقلاب برای اداره جامعه بر مبنای دین، توسط نخبگان نادیده گرفته شود و جوابی که برای پاسخ به این سؤالات تولید می‌گردد، در واقع پاسخ به سؤالات رایج دنیا باشد.

در این صورت ظرف مدت بیست، سی سال آینده به این نتیجه خواهیم رسید که باید از مسیر راه‌های موجود دنیا حرکت کنیم خواهیم و نهایت چیزی را که به الگوهای موجود اضافه می‌کنیم ملاحظه‌ی شرایط بومی و فرهنگی ایران است، مانند بقیه کشورهای دنیا که شرایط بومی خود را در استفاده از الگوهای رایج دنیا ملاحظه می‌نمایند.

۱/۲. عدم پاسخگویی دپارتمان‌های علمی دنیا به سفارشات علمی ادبیات انقلاب به علت تأسیسی بودن این سفارشات اولین مقدمه در بررسی آسیب‌شناسی کارهای فکری انقلاب

بنابراین شناسایی اولین مانع فهم چپستی مسأله جمهوری اسلامی را از یک آسیب‌شناسی که در کارهای فکری انقلاب، به آن مبتلا هستیم شروع کردیم. اگر برای پاسخ به سفارشات علمی ادبیات انقلاب مانند «تبیین اقتصاد

مقاومتی، تبیین نسبت بین عدالت و پیشرفت، چگونگی اصلاح الگوی مصرف، بحث چپستی الگوی پیشرفت اسلامی یا تبیین تأثیرات برنامه‌ریزی کشور بر موضوع مهم خانواده و ...» که از سوی آیت الله امام خامنه‌ای^{۱۴} برای پاسخ به آن‌ها به نخبگان سفارش شده است، در دپارتمان‌های علم دنیا جستجو شود، هیچ پاسخی برای‌شان یافت نخواهد شد. زیرا این موضوعات، موضوعی نو و تأسیسی می‌باشد.

بنابراین یک طرف قضیه این است که یک سری موضوعات نو و تأسیسی در ادبیات انقلاب به نخبگان سفارش شده است که در دپارتمان‌های علم دنیا جوابی برای آن وجود ندارد.

۱/۲/۱. انحلال سفارشات علمی ادبیات انقلاب در سؤالات قبلی مطرح در دو نهاد علمی حوزوی و دانشگاهی به جای پاسخ‌گویی به این سفارشات در قالب همایش، نشست، مقاله و کتاب به عنوان دومین مقدمه در بررسی آسیب‌شناسی کارهای فکری انقلاب

مقدمه دوم آسیب‌شناسی کارهای فکری انقلاب این است که در عینیت جامعه ایران، حوزویان و دانشگاهیان به عنوان دو نهاد تخصصی جامعه‌ی اسلامی ایران برای پاسخ به سؤالات و سفارشات تأسیسی ادبیات انقلاب در قالب نشست، کارگاه، مقاله، کتاب و ... بدون تبیین صحیح و کامل این سؤالات و سفارشات، آنها را در سؤالات و سفارشات متداول قبلی منحل کرده و سپس اقدام به پاسخ‌گویی می‌نمایند.

^{۱۴}. دهه چهارم را هم ایشان به دهه پیشرفت و عدالت نام گذاری کرده‌اند

به عنوان مثال امام خمینی علیه السلام وقتی بحث زمان و مکان در اجتهاد را به عنوان یک بحث جدید در حوزه فقه یا بحث انقلاب فرهنگی مطرح کردند، در قم و دیگر نقاط کشور همایش‌هایش برگزار می‌شد. بررسی خروجی این نشست‌ها و همایش‌ها و پاسخ به این سوالات تأسیسی که در ادبیات انقلاب مطرح شده موجب تعجب خواهد شد، زمانی که مشاهده می‌شود صورت مسئله‌ی انقلاب در صورت مسئله‌ای، که قبلاً بوده منحل شده است و پاسخی که به سئوالات و سفارشات تأسیسی انقلاب داده می‌شود همان پاسخی ست که به سئوالات متداول داده شده است.

۱/۲/۲. انحلال چیستی مسئله پیشرفت و الگوی آن در مسئله چیستی الگوهای توسعه و پاسخ به مسئله چیستی الگوهای توسعه مثال عینی انحلال سفارشات انقلاب در سئوالات مشابه موجود

به عنوان مثال نشستی در جمهوری اسلامی، تحت عنوان نشست الگوی پیشرفت اسلامی برگزار شده است. زمانی که به مقاله یکی از شخصیت‌های شناخته شده و معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه‌ای که در این نشست شرکت کرده است دقت می‌کنیم متوجه خواهیم شد که ایشان مسئله چیستی پیشرفت و الگوی آن را در چیستی توسعه و الگوی آن منحل کرده است و سپس پاسخ‌هایی که در دپارتمان‌های دنیا به روش ایجاد توسعه در کشورهایی که توسعه نیافته‌اند، داده‌اند در مقاله‌اش داده شده است.

۱/۲/۳. انحلال سؤال از چیستی زمان و مکان در اجتهاد، در زمان و مکان در اجرای حکم (تزاحم) به عنوان مثال انحلال سفارشات علمی ادبیات انقلاب در ادبیات کارشناسی موجود و عدم فهم سؤال جدید انقلاب در مسئله زمان و مکان در اجتهاد نیز، زمانی که سخنرانی یکی از فقهای شرکت کننده در جلسه را بررسی کنید، متوجه خواهید شد مسئله زمان و مکان در اجتهاد را منحل در زمان و مکان در اجرای حکم^{۱۵} کرده و پاسخ فقها به مسئله تزاحم را به مسئله زمان و مکان در اجتهاد مربوط کرده است. به عبارت دیگر ایشان مسئله زمان و مکان در اجتهاد را در سؤال چیستی تزاحم منحل کرده و در مفهوم تزاحم، شرایط مکان و زمان توضیح داده است.

۱/۲/۳/۱. تکرار روند انحلال سفارشات ادبیات انقلاب در سئوالات مشابه موجود در دستگاه کارشناسی حوزه و دانشگاه طی ۳۰ سال گذشته در همایش‌های متداول

در صورت بررسی کارشناسانه از همایش‌های برگزار شده در سی سال گذشته، مثال‌های انحلال مسائل جدید انقلاب در سئوالات متداول بسیار مشاهده می‌گردد. اخیراً هم در بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح شده است، همین اتفاق در حال تکرار شدن است.

^{۱۵}. این همان مسئله تزاحم در فقه است. در برخی شرایط زمانی و مکانی خاص، ممکن است نشود دو حکم فقهی را با هم اجرا کرد. مثال معروفش این است که شما می‌خواهید نماز بخوانید و یک نفر هم در حال غرق شدن است. اجرای همزمان این دو حکم، نجات جان یک انسان واجب است و «اقم الصلوه» هم که واجب است. شما هم می‌خواهید آخر وقت بخوانید. اینها در این شرایط مکانی و در این شرایط زمانی اجرای‌شان تزاحم ایجاد کرده است. اگر مسئله تزاحم است، فقها زیاد درباره‌اش بحث کرده اند.

۱/۲/۳/۲. القاء عدم تأسیسی بودن و جدید بودن سفارشات رهبران انقلاب نتیجه تحمیل سئوالات متداول بر سئوالات و سفارشات نو ادبیات انقلاب نخبه‌ای که به عنوان سخنران دعوت شده است یا مقاله‌ای از او دریافت شده و یا مصاحبه‌ای از او منتشر شده است، سعی می‌کند سؤال قبلی شبیه به مسأله «اقتصاد مقاومتی» را به شکلی به سوال جدید تحمیل کند. به عبارت دیگر می‌خواهند به جامعه این مسأله را بقبولانند که سؤال جدید، مسأله نویی نیست، بلکه همان مسأله قبلی است که به آن پاسخ داده شده است و رهبران انقلاب تازه این را متوجه شده‌اند!

۲. تبیین مسأله جمهوری اسلامی مستلزم تبیین تطبیقی مفهوم توسعه و پیشرفت و تفاوت‌ها و نقاط اشتراک آن‌ها
 حال برای رفع این مشکل می‌بایست اقدام به تبیین مسأله جمهوری و تبیین تفاوت‌های آن با الگوهای توسعه غربی کرد. این تبیین باید یک تبیین تطبیقی باشد. به عنوان مثال اگر درباره «الگوی پیشرفت اسلامی» صحبت می‌کنید، یک طرف بحث می‌بایست راجع به مفهوم توسعه‌یافتگی در دنیا و تفاوت‌های پیشرفت با توسعه باشد.

در مقام تبیین تطبیقی این تفاوت‌هاست که مسأله جمهوری اسلامی متولد می‌شود. به عبارت بهتر باید راه رایج دنیا و به تبع آن راه کشور تبیین شود و سپس راجع به پیشرفت اسلامی مورد ادعای ادبیات انقلاب بحث شده و نقاط اشتراک و افتراق‌شان مورد دقت قرار گیرد، تا مسأله روشن شود.

۴۶ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۲/۱. یکی از ضرورت‌های تبیین تفاوت‌ها و اشتراکات توسعه غربی با الگوی پیشرفت اسلامی، یکسان‌انگاری مسأله الگوی پیشرفت اسلامی با توسعه غربی بومی شده

برخی از نخبگان می‌خواهند بگویند «الگوی پیشرفت اسلامی»، الگوهای بومی شده‌ی توسعه است. ایشان همین اعتقاد را در مسأله اقتصاد مقاومتی دارند.

۲/۱/۱. یکسان‌انگاری اصلاح الگوی مصرف با رعایت استانداردهای توسعه غربی توسط دستگاه کارشناسی یکی از شاهد مثال‌های یکسان‌انگاری «توسعه غربی» با «پیشرفت اسلامی»

در مسأله «اصلاح الگوی مصرف» این یکسان‌انگاری رخ داد و کارشناسان گفتند؛ اصلاح الگوی مصرف، به معنای رعایت استانداردهای موجود است و رعایت این استانداردها در هر بخش، «اصلاح الگوی مصرف» در آن بخش معرفی کردند.

۲/۱/۲. تعریف پیشرفت اسلامی به تغییرات روبنایی در مفهوم توسعه متناسب با شرایط تاریخی، جغرافیایی و ...؛ یا عدم یکسان‌انگاری پیشرفت اسلامی با توسعه غربی؛ دو جریان موجود در «تولید الگوی پیشرفت اسلامی»

اگر گفته شود پیشرفت اسلامی تغییرات روبنایی در مفهوم توسعه، تابع شرایط تاریخی، جغرافیایی و نیروی انسانی و ... هست. باید استدلال‌ها و ادله‌اش را محکم گفته و اثبات کنیم. اگر هم قرار است خلافش را بگوییم، باید محکم بایستیم و با ادله اثبات مسأله کنیم.

۲/۲. وجود سه نوع نگاه؛ تباین کلی توسعه و پیشرفت، اشتراکات فراوان توسعه و پیشرفت و یکی بودن توسعه و پیشرفت نتیجه تعریف اجمالی این مسأله به عنوان آفتی بعدی

بحث اجمالی از مسأله در واقع آفتی دیگر در برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها و کارگاه‌ها در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» است. مطالعه گزارش یکی از همایش‌های معروف برگزار شده، حاکی از وجود سه نوع نگاه به مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در این همایش‌ها به دلیل اجمالی بودن بحث از بحث از این مسأله است. عده‌ای توسعه را غیر از پیشرفت دانسته و این دو مفهوم را یکسان نمی‌پندارند. برخی دیگر هم نقاط اشتراک میان پیشرفت اسلامی با توسعه غربی را زیاد می‌دانند. جمعیتی نیز توسعه غربی با پیشرفت اسلامی را یکی دانسته و معتقد به یکسان بودن هر دو هستند.

بنابراین جریانات موجود در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی در کشور عبارتند از؛ جریان قائل به یکسان‌انگاری مدرنیزاسیون و پیشرفت اسلامی، جریان قائل به تلفیق مدرنیزاسیون و پیشرفت اسلامی و جریان معتقد به تأسیس الگوی پیشرفت اسلامی.

۲/۲/۲. ضرورت تعیین وابستگی همایش‌ها به یکی از سه جریان موجود در کشور برای حل مشکلات کشور و پاسخ صحیح به سؤالات انقلاب
حل شدن مشکل کشور و پاسخ صحیح به سؤالات انقلاب در صورت شفاف‌سازی سؤالات انقلاب امکان‌پذیر می‌باشد. به عبارت بهتر باید مسئولین

۴۸ تبیین موانع فهم چپستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

همایش‌ها مشخص کنند، که منظورشان از «الگوی پیشرفت اسلامی» الگوی تلفیقی، تأسیسی یا یکسان‌انگاشتن میان توسعه غربی و الگوی پیشرفت اسلامی است.

پس برگزاری همایش‌ها به صورت اجمالی و بدون تعریف مشخص برگزارکنندگان همایش از «الگوی پیشرفت اسلامی» یک آفت برای تولید این الگو است.

۲/۲/۲/۱. شروع از تبیین تفصیلی سؤالات و سفارشات انقلاب در جلسه با نخبگان حوزوی و دانشگاهی، یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی شورای راهبردی برای مقابله با انحلال سفارشات ادبیات انقلاب در سؤالات رایج دنیا

شورای راهبردی در جلساتی که با نخبگان حوزه و دانشگاه برگزار می‌کند، برای مقابله با خطر انحلال سفارشات ادبیات انقلاب در سؤالات و سفارشات رایج دنیا، از تبیین تفصیلی سؤالات و سفارشات انقلاب شروع می‌کند.

همه جلسات گذشته و حال و آینده‌ای که توسط شورای راهبردی با نخبگان در کشور برگزار شده است با اعتقاد به تأسیسی بودن مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» است. پیشرفت اسلامی را یکسان پنداشتن با توسعه‌ی غربی، خطری بسیار بزرگ است.

۲/۲/۲/۱/۱. تعارض شعار «اداره جامعه بر مبنای دین» و پاسخ‌گویی مجریان همایش‌های سی ساله به سؤالات متداول به جای پاسخ به سؤالات ادبیات انقلاب و ضرورت پاسخگو بودن آنها به این مسأله

دست‌اندرکاران همایش‌های سی ساله، باید بگویند به چه سوالی پاسخ داده‌اند؟ آیا به همان سؤالات رایج پاسخ داده شده است که دو نمونه از آنها، یکسان‌انگاری «زمان و مکان در اجتهاد» با «تزام» و «پیشرفت اسلامی» با «توسعه» بود. آیا جواب‌هایی را که به دو مسأله «تزام» و «توسعه» داده شد بود، به مسأله «زمان و مکان در اجتهاد» و «الگوی پیشرفت» دادید. اگر چنین است، پس بهتر است که تکلیف شعار اصلی انقلاب یعنی «اداره جامعه بر مبنای دین» را هم روشن کنیم. بگویند اداره‌ی جامعه بر مبنای دین، همان اداره‌ی جامعه توسط دینداران است، نه توسط دین.

۲/۲/۲/۱/۲. درست بودن روند گذشته و فعلی مجریان همایش‌ها و نشست‌ها و مصاحبه‌ها در صورت پذیرفتن مبنای اداره جامعه توسط دینداران
بالاخره یا باید روند برگزاری همایش‌ها اصلاح شود و یا شعار اصلی انقلاب. اگر «اداره جامعه براساس دین» که دیدگاه محوری انقلاب است، اصلاح شود و «اداره جامعه توسط دینداران» قرار بگیرد، آن وقت ممکن است، دیندار یکی از راه‌حل‌های مرسوم را بپذیرند و در این صورت الزاماً نباید بین راه‌حلی که دین‌دار ارائه می‌دهد با راه‌حلی که دین ارائه می‌دهد، ارتباط منطقی باشد.

۵۰ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۲/۲/۲/۱/۳. ضرورت پاسخگویی به عملکرد سی ساله مجریان برگزاری همایش ها در کشور در صورت پذیرفتن اداره جامعه اسلامی توسط دین اما در صورت درست بودن ایده‌ی محوری انقلاب «اداره‌ی جامعه براساس دین» علاوه بر اینکه حتماً باید دین‌داران در رأس کار باشند، باید جواب بدهند که در این سی سال، همایش، مقاله، کارگاه، دوره‌ی دکترا و .. هر کاری که انجام داده‌اند، به چه سؤالی پاسخ داده شده و این سؤال چه بوده است؟ طبق بررسی‌های انجام گرفته، عمدتاً سؤال جمهوری اسلامی منحل در سؤالات رایج می‌گردد.

۲/۲/۲/۱/۳/۱. تعریف عمیق‌ترین «جنگ نرم» به «انحلال نرم ارزشها و آرمانهای انقلاب» در سطح برنامه این اتفاق را به انحلال نرم انقلاب نام‌گذاری می‌کنیم که در ادبیات انقلاب از آن به جنگ نرم تعبیر می‌گردد. این سطح از جنگ نرم عمیق‌ترین لایه جنگ نرم، یعنی جنگ در سطح برنامه است، که ارزشها و آرمانها را به ضدارزش و ضدآرمان تبدیل می‌شود.

۲/۲/۲/۱/۳/۲. تسهیل سیر انحلال انقلاب در مدرنیته و جمع‌بندی نخبگان به عدم کارآمدی اسلام برای اداره جامعه و رفتن به سمت مدرنیزاسیون نتیجه عدم فهم سؤالات جدید انقلاب و انحلال آنها در سؤالات متداول دنیا

به عبارت دیگر در همایشها و جلسات کارشناسی نه تنها سؤال نظام فهم نمی‌شود، بلکه در سؤالی منحل می‌شود که اگر به آن سؤال پاسخ داده شود، سیر انحلال انقلاب در تمدن مدرنیته روان‌تر می‌گردد و پس از مدتی

نخبگان به این نتیجه می‌رسند که اسلام توانایی اداره جامعه را ندارد و راهی جز مدرنیزاسیون نیست.

۲/۲/۲/۱/۳/۲/۱. القای ناکارآمدی اسلام در اداره جامعه به نخبگان نتیجه پاسخ به سؤالات غلط(متداول) به جای پاسخ به سؤالات انقلاب القای ناتوانی اسلام در اداره جامعه از طریق پاسخ به سؤال غلط(متداول) به جای پاسخ به سؤالات انقلاب است و این یعنی اینکه اگر نتوانیم غلط بودن سؤال‌هایی که مطرح می‌کنند را اثبات کنیم؛ به طوری طبیعی سوال غلط پاسخ گرفته و ذهن نخبگان به آن سمت هدایت می‌گردد که نتیجه آن القای ناکارآمدی اسلام خواهد بود.

۲/۲/۲/۱/۳/۲/۲. تشبیه القای شبهه از طریق سؤال غلط در جنگ نرم، به آتش تهیه دشمن در جنگ سخت برای از بین بردن زیرساخت‌ها تشبیه پاسخ به سؤال غلط در جنگ نرم به آتش تهیه در جنگ سخت، اینگونه است که؛ همان‌طور که در جنگ سخت، قبل از فتح منطقه‌ای، آتش تهیه ریخته می‌شود، حمله هوایی صورت می‌گیرد تا زیر ساخت‌ها منهدم شوند. در جنگ نرم نیز فرآیند حمله به زیر ساخت‌های فکری توسط القای سؤالات متفاوت-که شبهه نام دارد- می‌باشد.

۵۲ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۲/۲/۲/۱/۳/۲/۳. مقابله با آتش تهیه دشمن در جنگ نرم، بوسیله تبیین سؤال صحیح از غلط و عدم کفایت پاسخ به شبهه

بنابراین در جنگ نرم برای مقابله با حملات دشمن علیه زیرساخت‌های فکری خویش^{۱۶}، پاسخ به شبهه عکس‌العمل مناسبی نیست، بلکه باید سؤال صحیح از غلط تبیین شود تا سؤالات اصیل و صحیح انقلاب، به صورت مهندسی شده در جامعه نخبگان طرح شود.

۲/۳. ایجاد قدرت طرح سؤالات جدید از طریق شناسایی موضوعات ذهنی

نخبگان جامعه بوسیله جدول موضوعات «الگوی پیشرفت اسلامی» «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» برای مقابله با آتش تهیه دشمن برای از بین بردن زیرساخت‌های فکری به یک جدول دست پیدا کرده است که این جدول برای شناسایی و معرفی موضوعاتی در ذهن نخبگان برای ایجاد قدرت طرح سؤالات جدید به کار می‌آید.

^{۱۶}. که القای سؤال غلط به جای سؤال صحیح می‌باشد.

فصل پنجم: تبیین چگونگی تولید الگوی
پیشرفت اسلامی بر اساس مفاهیم اولین
نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی
(پنجمین منظر معرفی نقشه راه)

۱. «مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی» و «ورود به عرصه های نظری برای تئوریزه کردن پیشرفت و نقد توسعه های غربی» دو رویکرد در مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

پس از تبیین دو مسأله چرایی و چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» و همچنین موانع عملی فهم این دو مسأله اینکه نوبت به بررسی چگونگی تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» فرا رسیده است.

در مسأله چگونگی تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» دو رویکرد کاملاً متفاوت وجود دارد؛ مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی و ورود به عرصه های نظری برای تئوریزه کردن پیشرفت و نقد توسعه های غربی دو رویکرد در مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی است.

۱/۱. شروع از نقد مبانی توسعه غربی به عنوان اولین روش در تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

ورود به عرصه های نظری برای تئوریزه کردن پیشرفت و نقد مبانی توسعه غربی اولین رویکرد موجود در تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» است، که به دلایلی متعدد که در ادامه خواهد آمد شورای راهبردی با این رویکرد مخالف

است. شروع از نقد عقلی^{۱۷} که در توسعه غربی به عنوان مبنای این الگو از ویژگی های این رویکرد است.

۱/۱/۱. مخالفت شورای راهبردی با رویکرد اول به دلیل طولانی مدت بودن زمان تفاهم بر نقد ادبیات توسعه^{۱۸}

در این رویکرد عقل خود بنیاد(عقل کانتی) را ناسازگار با اسلام تشخیص داده و شروع به نقد آن می نمایند. اگرچه نقدهای مبنایی، فلسفی و روشی؛ نقدهایی درستی است، اما نقد مبانی نظری توسعه، برنامه ای نیست که در مدت زمان یکی و دو سال نتیجه بدهد و شاید نیازمند پنجاه سال گفتگو باشد، تا بتوان با اندیشمندان داخل بر نقد مبنا و به چالش کشیدن saïense، جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد، به عنوان اجزاء اصلی توسعه غربی تفاهم کرد.

۱/۱/۱/۱. تناسب غالب جلسات و همایش های برگزار شده یا در حال برگزاری با رویکرد اول

بر همین اساس هر زمان که جلسات و همایش هایی برگزار می گردد، از نقد مبانی شروع می شود. البته از نظر شورای راهبردی برای نقد مبانی توسعه غربی، صحیح است، ولی نباید به عنوان راه حل اصلی در تولید الگو مطرح باشد.

^{۱۷} . منظور عقل کانتی است که در الگوی توسعه غربی مبنا قرار گرفته است.

^{۱۸} . ادبیات توسعه در واقع علمی میان رشته ای متشکل از جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد

۱/۱/۱/۲. رهاسازی مدیریت فعلی و هدایت تحولات کشور به سمت انحلال در توسعه، محصول انحصار تعریف تقابل انقلاب اسلامی با تمدن غرب به تقابل مبنایی

همواره این سؤال در ذهن وجود دارد که اگر سطح برخورد ما با تمدن غرب، مبنایی باشد؛ تکلیف مدیریت فعلی و هدایت تحولات کشور برای عدم انحلال در توسعه چه می‌شود؟ زیرا همانطور که گفته شد در اکثر همایش‌ها و جلسات، سخنرانی‌ها و مقالات علمی، مباحث به سمت مباحث مبنایی هدایت می‌شود. در صورت انحصار تعریف تقابل انقلاب اسلامی با تمدن غرب به تقابل مبنایی، مدیریت تحولات فعلی چه سرنوشتی خواهد یافت؟

۱/۱/۱/۳. ایجاد فضای درک نقشه راه پیشنهادی محصول توجه به سؤال؛ انحصار حرکت به سمت پیشرفت اسلامی به فعالیت های مبنایی یا مدیریت تحولات فعلی جامعه در کنار فعالیت های مبنایی؟

به عنوان مثال برنامه پنجم توسعه در حال اجراء می باشد. چهار سال دیگر برنامه‌ای برای کشور نوشته می‌شود که این برنامه تخصیص‌ها، بودجه‌ها و قانون‌گذاری کشور را برای پنج سال آینده مشخص می‌نماید.

با این وجود آیا حرکت به سمت پیشرفت اسلامی به فعالیت های مبنایی منحصر می‌شود؟ یا می‌شود تحولات فعلی جامعه را هم به سمت پیشرفت اسلامی مدیریت کرد؟

توجه نخبگان و دوستداران انقلاب به این سؤال، فضای درک نقشه راه پیشنهادی مهیا می‌کند.

۱/۱/۲. عدم امکان ایجاد عزم ملی برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی دومین اشکال شورای راهبردی به رویکرد اول

دومین اشکال مطرح در استفاده از رویکرد نخست در تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» عدم امکان ایجاد عزم ملی بوسیله این روش در جامعه می‌باشد. این رویکرد به دلیل طولانی بودن فضای تفاهم بین نخبگان، قدرت هماهنگ سازی نخبگان در فرصت زمانی کم را نخواهد داشت، از سوی دیگر به دلیل علمی بودن مباحث نظری الگوهای توسعه و فضای نقد این نظریه‌ها، مشارکت عموم مردم در این مسأله غیر ممکن می‌باشد.

۱/۲. مدیریت تحولات اجتماعی روش دوم برای ایجاد عزم ملی و حرکت به سمت تولید الگوی پیشرفت اسلامی، به عنوان پیشنهاد اصلی شورای راهبردی برای تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

رویکرد دوم که در واقع پیشنهاد اصلی شورای راهبردی نیز می‌باشد، مدیریت تحولات فعلی جامعه ایران به سمت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» در کنار نقد مبنایی توسعه غربی می‌باشد.

در این روش به جای انحصار تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به نقد مبنایی توسعه غربی، با یک روش خاص در مدیریت تحولات فعلی جامعه بخش -

های مختلف جامعه برای نقش آفرینی در تولید الگو به صورت خودجوش فعال شده و مشارکت خواهند نمود.

۱/۲/۱. تشبیه دو رویکرد در مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به لاین های سرعت اتوبان و عدم نفی و تعطیلی رویکرد نخست

همانطور که مکرر تأکید شد، معنای پیشنهاد و رویکرد دوم، الزاماً تعطیلی نقد مبنایی توسعه غربی نیست، بلکه آن هم یک سطح از کار می باشد. اما تفاوت این دو رویکرد در قالب یک مثال مانند اتوبانی است که چند لاین دارد. یک لاین برای سرعت ۸۰ کیلومتر، یک لاین برای سرعت ۱۲۰ کیلومتر.

اصل قرار دادن «نقد مبنایی توسعه غربی» برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی، حرکت در لاین سرعت با محدودیت ۸۰ کیلومتر و اصل قرار دادن «مدیریت تحولات اجتماعی» به سمت پیشرفت اسلامی حرکت در لاین سرعت با محدودیت ۱۲۰ کیلومتر می باشد.

پس براساس رویکرد دوم اشکالی ندارد که عده ای هم، همایش ها و کنفرانس هایی از زاویه نقد مبنایی توسعه غربی برگزار کنند، در حال حاضر هم که درباره نقشه راه در حال گفتگو هستیم، کسانی هستند که پیرامون نظام نامه الگوی پیشرفت اسلامی، مبانی روش شناسی آن در حال سخنرانی و نوشتن مقاله می باشند، مسیر نقد مبنایی توسعه غربی، مسیری است که آثار خاص خودش را داشته و لازم است و کسی منکر آن نیست.

۲. تبیین مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت بوسیله معادله «پردازش اجتماعی موضوعات جهت‌ساز» پیشنهاد شورای راهبردی
 هر زمان که از چگونگی الگوی پیشرفت اسلامی در نقشه راه سؤال شود، جواب فقط یک کلمه است: پردازش موضوعات جهت‌ساز! به عبارت بهتر مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت با استفاده از معادله «پردازش اجتماعی موضوعات جهت‌ساز» امکان‌پذیر است.

۲/۱. تعریف «موضوعات جهت‌ساز» به موضوعات مورد دقت و حساسیت همه یا بخشی از جامعه
 «موضوعات جهت‌ساز» یعنی موضوعاتی که «همه» یا «بخش قابل توجهی» از مردم همین الآن به آن فکر کرده و نسبت به آن حساسیت دارند.

۲/۱/۱. تبیین مصداقی «موضوعات جهت‌ساز» مورد حساسیت همه یا بخشی از جامعه به مسأله اقتصاد و پیشگیری از جرم
 به عنوان مثال موضوعی به نام «پیشگیری از جرم» در قوه قضاییه وجود دارد که این موضوع دغدغهی اصلی این قوه به عنوان یک بخش قابل توجه از جامعه می‌باشد. موضوع اقتصاد هم یکی از موضوعات جهت‌ساز است زیرا همه جامعه به این موضوع توجه کامل داشته و نسبت به اخبار و اطلاعات مربوط به آن حساس هستند.

۶۰ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۲/۲. تعریف فنی «موضوعات جهت‌ساز» به موضوعات غیر قابل انکار و مورد توجه و بحث عموم یا بخشی از جامعه

موضوعات جهت‌ساز به صورت فنی عبارتند از موضوعات غیرقابل انکار و مورد توجه و بحث عموم یا بخشی از یک جامعه؛ به عنوان مثال بحث اکثر خانواده‌های ایرانی حتی سر سفره شام نیز، مباحث اقتصاد است.

۲/۳. تمرکز بر «موضوعات جهت‌ساز» تنها راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

بنابراین براساس پیشنهاد شورای راهبردی راه اصلی تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»، تمرکز بر «موضوعات جهت‌ساز» و پردازش این موضوعات به روشی که در ادامه شرح داده خواهد شد است. البته ادله‌ی این ادعا یعنی انحصار تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» در بحث پردازش «موضوعات جهت‌ساز» طرح می‌گردد.

۲/۳/۱. شروع از مسائل مورد نیاز جامعه به دلیل عدم فهم ابتدایی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» توسط مردم به عنوان استدلالی ساده بر ضرورت تمرکز بر «موضوعات جهت‌ساز»

استدلال ساده و مختصر نسبت به ادعای انحصار تولید الگوی پیشرفت اسلامی در تمرکز بر «موضوعات جهت‌ساز» بدین گونه است که اگر در مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» از مردم یا نخبگان بخواهیم که راجع به مسأله الگو فکر کنند، نه تنها به درخواست شما توجهی نمی‌شود، بلکه به احتمال زیاد کسی معنای «الگوی پیشرفت اسلامی» را هم متوجه نمی‌گردد. زیرا جامعه همواره به دغدغه‌های اصلی خویش توجه داشته و حاضر به

فداکاری برای حل آنها است و تا زمانی که یک مسأله را به عنوان نیاز اصلی خویش تلقی نکند، حاضر نخواهد بود درباره آن حتی فکر کند.

بنابراین مجبور هستیم برای ایجاد عزم ملی و ایجاد مشارکت اجتماعی برای تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» از جایی شروع کنیم که جامعه نسبت به آن مسأله نیاز دارد. تمرکز بر «موضوعات جهت‌ساز» و پردازش این موضوعات در جامعه، منجر به ایجاد توجه عموم مردم به مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» خواهد شد، حتی اگر هیچ حرفی از این مسأله هم نزده باشید.

۲/۳/۱/۱. عدم نیاز به «فرهنگ‌سازی» برای توجه به مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در صورت تمرکز بر «موضوعات جهت‌ساز»
 برخلاف روش شروع از «عرصه‌های نظری الگوی پیشرفت و نقد مبانی توسعه غربی» که نیازمند «فرهنگ‌سازی» هستیم، اگر از پردازش «موضوعات جهت‌ساز» شروع کنیم، دیگر نیازی به «فرهنگ‌سازی» برای توجه به مسأله الگوی پیشرفت نداریم.

یکی از بزرگترین ضعف‌های فرهنگی کشور عدم شروع بحث از «موضوعات جهت‌ساز» است. متولیان فرهنگی کشور قصد دارند با جایزه و مسابقه و اردو، توجه اولیه به موضوع ایجاد کنند. در حالی که اگر فعالیت فرهنگ را به وسیله معادله «پردازش موضوعات جهت‌ساز» شروع نمایند، بدون نیاز به تشویق و تخصیص امتیازات برای شرکت در موضوعات

فرهنگی و اجتماعی، قادر به ایجاد بسیج عمومی و مشارکت اجتماعی مردم ایران خواهند شد.

۲/۳/۲. اصلی‌ترین شاخص انتخاب یک موضوع غیرقابل انکار به عنوان «موضوعات جهت‌ساز»، «قابلیت ترجمه» آن موضوع به بحث «الگوی پیشرفت اسلامی»

البته در انتخاب یک موضوع غیر قابل انکار به عنوان «موضوع جهت‌ساز» همه یا بخشی از جامعه نمی‌توان به هر مسأله غیرقابل انکاری توجه کرده و آن را پردازش نمود. به عنوان مثال نمی‌توان مسأله متری تهران و بحث حمل و نقل عمومی که همه مردم به آن توجه دارند را به عنوان یک «موضوع جهت‌ساز» مطرح کرد؛ بلکه مسائل غیرقابل انکاری مورد پردازش اجتماعی قرار می‌گیرد، که قابل ترجمه به بحث الگو باشد.

به عبارت بهتر موضوع غیر قابل انکاری به عنوان «موضوع جهت‌ساز» مورد پردازش قرار خواهد گرفت که با بحث الگوی اداره‌ی کشور یعنی الگوی پیشرفت اسلامی ارتباط داشته و قابلیت ترجمه به این مسأله را داشته باشد. بدین ترتیب خواهیم توانست با پردازش هر «موضوع جهت‌ساز»، توجه بخشی از جامعه را به مسأله الگو جلب کرده و از زاویه آن «موضوع جهت‌ساز»، مسأله را در ذهن مخاطب متبلور کرد.

۲/۳/۲/۱. شناسایی هشتاد و یک «موضوع جهت ساز» در اولین نقشه راه پیشنهادی برای تولید الگو در مرحله پیدایش توسط شورای راهبردی «الگوی پیشرفت اسلامی»

بر همین اساس شورای راهبردی در نقشه راه پیشنهادی خویش برای تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» در مرحله پیدایش «هشتاد و یک موضوع جهت-ساز» را شناسائی کرده است.

۲/۳/۳. ایجاد موج احساس نیاز به مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» بوسیله طرح و پردازش هشتاد و یک «موضوع جهت ساز» به عنوان روش مختار در نقشه راه پیشنهادی

با طرح «هشتاد و یک موضوع جهت ساز» در نقشه راه پیشنهادی موجی در جامعه ایجاد خواهد شد؛ که مهم ترین مسأله کشور، مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» است. این روش، روشی در مقابل روش های نظری است.

۲/۳/۳/۱. تشخیص هشتاد و یک مسأله به عنوان مسائل و مشکلات بخش-های مختلف جامعه

در واقع هشتاد و یک موضوع مطرح در نقشه راه پیشنهادی، هشتاد و یک نقطه را که جزء مسائل و مشکلات بخش های مختلف جامعه است، مشخص می نماید.

۲/۳/۳/۲. تعریف الگوی پیشرفت مناسب و منتخب مردم ایران به الگوی پاسخ دهنده به مسائل و مشکلات مشخص در نزد خویش

شناسایی مشکلات و مسائل کشور مقدم بر انتخاب الگوی مناسب برای حل این مسائل و مشکلات است، در صورتی که مردم مسائل و مشکلات

خویش را به درستی بشناسند و الگوی توسعه غربی به عنوان الگوی مدعی اداره جامعه پاسخی برای این مسائل و مشکلات داشته باشد، می‌توان این الگو را به عنوان الگوی مناسب انتخاب کرد و الا باید به دنبال الگوی متناسب برای پاسخ به این مسائل و مشکلات مشخص بود.

از جمله مسائل و مشکلات مردم ایران و حتی همه مردم جهان عدالت است، اداره کشور بدون عدالت از نظر مردم ایران امکان‌پذیر نمی‌باشد. مردم ایران را، کشوری در مسیر عدالت می‌خواهند. اگر الگوی توسعه غربی توانسته است جواب عدالت را بدهد، الگوی خوبی است و از آن استفاده خواهیم کرد، و الا دلیلی برای استفاده این الگو وجود ندارد.

۲/۳/۳/۳. ایجاد قیام ضد وال استریت و نابودی نهاد خانواده در کشورهای مهد تولید الگوی توسعه غربی، یعنی عدم توانایی پاسخ‌گویی این الگو به مسائل و مشکلات مشخص نظام اسلامی

اما زمانی که در مهد تولید این الگو قیام ضد وال استریت اتفاق می‌افتد، نهاد خانواده متلاشی و حرمت‌ها از بین رفته است، استفاده از این الگوها به معنای بی‌پاسخ ماندن مسائل و مشکلات کشور است، زیرا مسائل جامعه اسلامی ایران مشخص و واضح است.

۲/۳/۳/۴. شناسایی مسائل و مشکلات بخش‌های مختلف کشور و جستجوی الگویی برای پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات، به عنوان حرف اصلی

بنابراین نکته اصلی در این بحث این است که ضرورت دارد قبل از بحث از غلط و نادرست بودن «توسعه غربی» یا مشکل‌گشا بودن «الگوی پیشرفت اسلامی»، مسائل و مشکلات جامعه و نظام اسلامی خود را بشناسیم.

۲/۳/۳/۵. سؤال از توانایی الگوی توسعه غربی در کاهش فاصله طبقاتی و تحکیم نهاد خانواده، به عنوان اصلی‌ترین سؤال

فشار اقتصادی وارد بر اقشار مختلف مردم و تمایل آنها برای بهتر شدن وضعیت معیشت، یکی از واقعیات و مسائل امروز جامعه است. فاصله طبقاتی موجود در کشور، از ابتدای انقلاب به خاطر اجرای برنامه‌های انقلابی دائماً کم شده است، اما مردم انتظار دارند که کمتر از اینها باشد. با توجه به این مسأله آیا «الگوی توسعه غربی» می‌تواند از فاصله طبقاتی موجود در کشور بکاهد یا موجب تحکیم خانواده شود؟

۲/۳/۳/۵/۱. ایجاد تردید درباره الگوی توسعه غربی در صورت عدم توانایی در حل مسائل و مشکلات مشخص ما

یقیناً هر کجا «الگوی توسعه» غربی نتواند مسائل و مشکلات را حل کند با تردید روبرو شده و مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، زیرا در صورت استفاده از چنین الگویی مشکلات و مسائل مردم به طور قطع حل نخواهد شد.

۶۶ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۲/۳/۳/۵/۲. افزایش ضریب حضور اقشار و گروه های مختلف جامعه در مسأله تولید «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با پردازش هشتاد و یک مسئله مرتبط با این اقشار

بنابراین هشتاد و یک مسأله مربوط به جامعه ایران را روی میز گذاشته‌ایم که اگر ارتباط هر کدام از این مسائل که در واقع نیاز یک قشر خاص از جامعه می‌باشد، با مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» مشخص شود، ضریب حضور آن قشر و گروه در بحث تولید الگو بسیار پررنگ‌تر از وضعیت فعلی خواهد شد.

۲/۳/۳/۶. اثر گذاری بلندمدت در روش نظری بر بخشی از نخبگان در مقابل اثرگذاری کوتاه مدت بر همه اقشار جامعه در روش پردازش «موضوعات جهت‌ساز»

روش نظری برای تولید الگو در بلندمدت ممکن است بر روی برخی از نخبگان جامعه تأثیراتی داشته باشد، اما استفاده از روش پردازش «موضوعات جهت‌ساز» منجر به توجه همه اقشار جامعه به ضرورت مسأله الگو می‌گردد.

۲/۳/۳/۷. امکان تفاهم درباره نقشه راه پیشنهادی در صورت پذیرش ضرورت مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی در کنار نقد مبنایی توسعه غربی

بنابراین در کنار کار مبنایی برای تولید الگو، مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی لازم است. پذیرش این الزام، امکان بحث در مورد نقشه راه را فراهم می‌نماید. بنابراین نقشه راه در رویکرد دوم معنا می‌شود.

۲/۳/۳/۸. **تئوریزه کردن «الگوی پیشرفت اسلامی» و نقشه راه تولید آن مستلزم گفتگو با نخبگان جامعه و تفاهم با آنها**

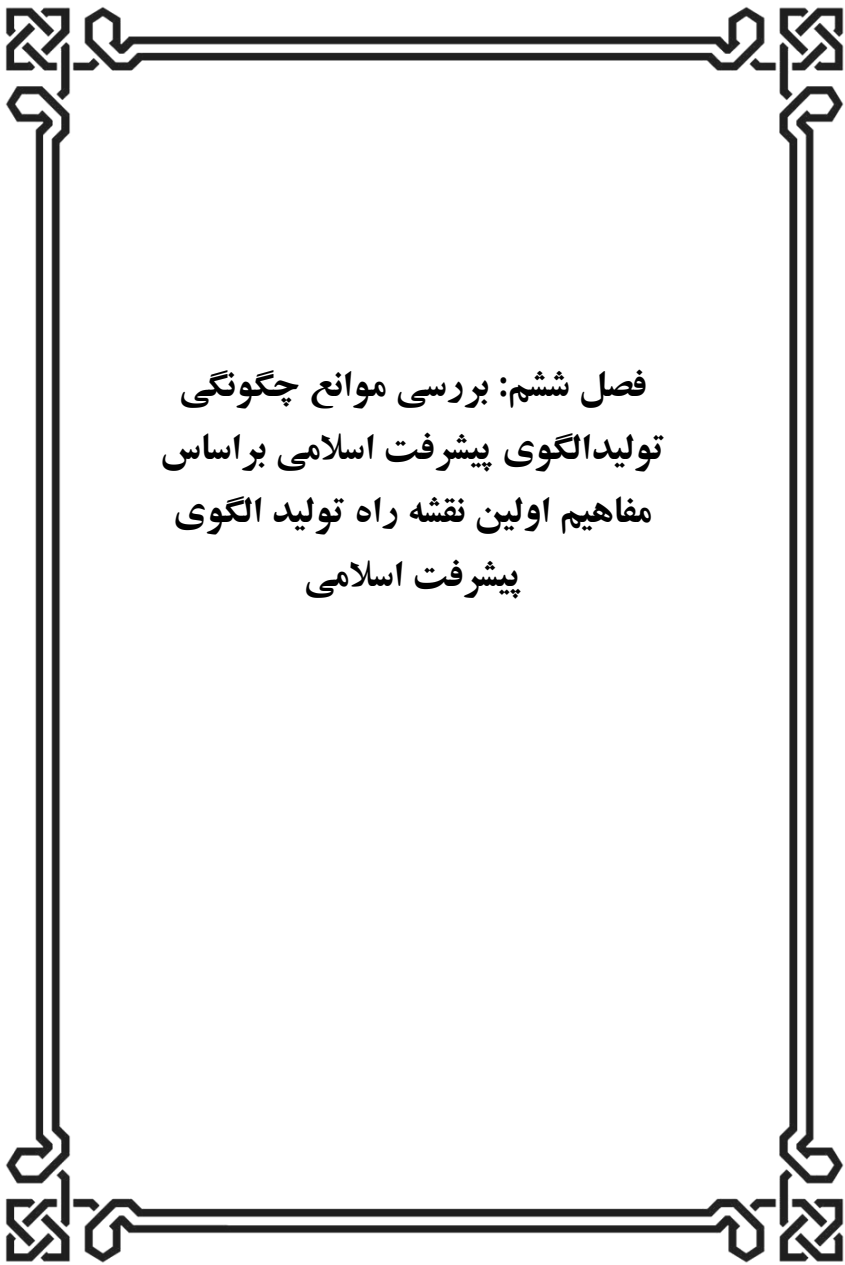
بنابراین همان‌طور که گفته شد مباحث نظری در تئوریزه کردن «الگوی پیشرفت اسلامی» از فعالیت‌ها حذف نمی‌شود، بلکه نقشه یا ایده‌ای که برای تئوریزه کردن مسأله الگو یا نقشه راه تولید الگو توسط افراد یا نهادها فراهم شده و به لحاظ نظری، مبانی آن به اتمام رسیده است، باید به بحث و گفتگو و تفاهم با نهادها و نخبگان جامعه گذاشته شود.

۲/۳/۳/۹. **«مدیریت تحولات اجتماعی» مدخل و ورودی تفاهم یک ایده و نظریه با جامعه**

در واقع بنابر دیدگاه مختار مدخل تفاهم با جامعه، «مدیریت تحولات اجتماعی» است و این‌گونه نیست که ابتدا تفاهم با جامعه‌ی علمی و نخبگانی حاصل شود، سپس امکان «مدیریت تحولات اجتماعی» فراهم گردد.

۲/۳/۳/۱۰. **تفاهم مباحث نظری با جامعه مستلزم کارآمدی عملی دیدگاه-های نظری در «مدیریت تحولات اجتماعی»**

پس جریان‌هایی می‌توانند مباحث نظری خود را به تفاهم جامعه برسانند که بتوانند براساس دیدگاه‌های نظری خویش، تحولات اجتماعی جامعه خویش را مدیریت کنند.



فصل ششم: بررسی موانع چگونگی
تولید الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس
مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی
پیشرفت اسلامی

۱. مواجهه انقلاب اسلامی با موانع متعدد در مسیر دستیابی به مهمترین مسأله خویش یعنی تئوریزه کردن تفصیلی اداره جامعه بر مبنای دین انقلاب اسلامی برای دستیابی به مهمترین مسأله خود که تئوریزه کردن تفصیلی اداره جامعه بر مبنای دین است با موانع متعددی روبروست. به عبارت ساده‌تر باید گفت که تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان ایده انقلاب اسلامی برای اداره جامعه بر مبنای دین با موانع متعددی روبروست.

۱/۱. «یکسان‌انگاری» توسعه غربی با پیشرفت اسلامی با تغییرات جزئی در توسعه غربی به جای پیشرفت، بزرگترین مانع تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

بزرگترین مانع تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»، یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی است. یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی یعنی اینکه تغییرات جزئی را در توسعه غربی فرض کرده و سپس عمده‌ی مسائل «الگوی پیشرفت اسلامی» را با توسعه غربی مشترک و مشابه بدانیم. بنابراین محور موانع انقلاب برای تولید الگوی مطلوب خویش، یکسان-انگاری پیشرفت اسلامی با توسعه غربی توسط نخبگان است.

۱/۱/۱. امکان انحراف الگوی پیشرفت اسلامی به سمت توسعه، در پژوهشی ملی برای تولید الگو ثمره یکسان‌انگاری

این مانع زمانی به صورت شفاف‌تر خود را نشان می‌دهد که برای تولید الگو قصد انجام فعالیتی پژوهشی در سطح ملی را داشته باشیم. در این صورت

۷۰ تبیین موانع فهم چپستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

ممکن است تلاشها برای تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به دلیل نو بودن ایده‌ی انقلاب اسلامی^{۱۹}، به سمت توسعه انحراف پیدا کند.

**۱/۱/۲. تفاوت ماهیتی الگوی پیشرفت اسلامی با الگوی توسعه غربی
علیرغم تصور غلط جامعه علمی ایران از یکی بودن این دو با فرض
تغییرات جزئی**

به عبارت ساده‌تر جامعه علمی ایران پیشرفت اسلامی را، توسعه-البته با فرض تغییراتی- می‌داند؛ این در حالی است که ماهیت الگوی پیشرفت اسلامی به کلی با توسعه غرب^{۲۰} متفاوت است.

**۱/۱/۳. جا زدن توسعه غربی به جای پیشرفت اسلامی نتیجه اقدام به تولید
این الگو قبل از شکستن طلسم یکسان‌انگاری**

بنابراین در این شرایط که جامعه علمی کشور، توسعه و پیشرفت اسلامی را یکسان می‌پندارد، در صورت مشارکت این چنین دانشمندانی در تولید الگوی پیشرفت اسلامی؛ ممکن است ایده اجمالی جمهوری اسلامی- الگوی پیشرفت اسلامی- در درک تفصیلی ایشان از توسعه منحل شود و به نام پیشرفت اسلامی، الگوی توسعه غربی به تحویل دهند.

^{۱۹} . ایده انقلاب اسلام برای تحقق اهداف و آرمان‌های اسلامی مردم نظام‌سازی اسلامی می‌باشد.

^{۲۰} Development.

۱/۱/۴. «ضرورت به کارگیری همه بضاعت علمی کشور» در تولید الگو با توجه به ماهیت تمدن‌سازی و فراگیری «یکسان‌انگاری» توسعه غربی با پیشرفت اسلامی در میان اکثر نخبگان علمی کشور، دو مقوله مورد توجه در اولین نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»

در نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی روی دو موضوع تمرکز شده است؛ از یک طرف تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» کار یک نفر نیست و باید همه بضاعت علمی کشور در حوزه و دانشگاه و همه نهادها به کار گرفته شوند، تا در یک آینده میان‌مدت، یا بلندمدت این الگو به تدریج تولید و عملیاتی شود. اما از طرف دیگر وقتی قصد دارید که همه را برای تولید الگو به کار بگیرید، توسعه را پیشرفت اسلامی انگاشتن خطر اصلی پیش روی است.

۱/۱/۵. مبتلا شدن به سرنوشت کشورهای G۸ دومین اثر یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی

از دیگر اثرات یکسان‌انگاشتن توسعه غربی و پیشرفت اسلامی، مبتلا شدن به سرنوشت کشورهای G۸ می‌باشد. ممکن است در ذهن خواننده محترم این سؤال مطرح شود که تبدیل شدن به کشورهای توسعه یافته چه اشکالی ممکن است داشته باشد؟

۱/۱/۵/۱. وجود بحران خانواده و فروپاشی آن و حرکت به سمت جایگزین های دیگر برای خانواده در کشورهای توسعه یافته علی الخصوص کشورهای G۸ یکی از معایب اصلی توسعه یافتگی

در پاسخ به چنین سئوالی باید گفت؛ کشورهای توسعه یافته ای^{۲۱} که در دنیای امروز درباره ی آنها به عنوان الگویی برای سایر کشورها زیاد بحث و گفتگو می شود، با بحران خانواده روبرو هستند و نهاد خانواده در این کشورها دچار فروپاشی شده و به ناچار به سمت یافتن جایگزین های دیگر برای آن رفته اند.

۱/۱/۵/۲. دریافت پنجاه میلیون کوپن غذا برای امرار معاش در توسعه یافته ترین کشور دنیا یعنی ایالات متحده آمریکا و فقدان عدالت یکی دیگر از معایب توسعه یافتگی

به عنوان مثال توزیع پنجاه میلیون کوپن غذا برای امرار معاش مردم براساس آمار رسمی بین المللی در توسعه یافته ترین کشور دنیا یعنی ایالات متحده آمریکا، دلیلی دیگر بر عدم موفقیت الگوهای توسعه غربی در ایجاد عدالت اجتماعی و حاکی از حجم بی عدالتی در این کشور و ثمره عملکرد این کشور براساس توسعه غربی است.

۱/۱/۵/۲/۱. لزوم تقویت نهاد خانواده و گسترش عدالت اجتماعی، به عنوان اجزاء قطعی «الگوی پیشرفت اسلامی»

و این در حالی ست که با توجه به مباحث مطرح شده تحکیم و تقویت نهاد خانواده و عدالت اجتماعی به صورت حتمی از اجزاء اصلی الگوی پیشرفت

^{۲۱}. که اصلی ترین این کشورها کشورهای G۸ می باشند

اسلامی ست و در صورت تولید الگوی توسعه غربی مطابق با شرایط بومی مردم ایران به جای الگوی پیشرفت اسلامی، این اجزاء و اهداف اصلی محقق نخواهد شد.

۱/۱/۵/۳. توجه به خطر یکسان انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی در صورت مطالعه اسناد بین المللی توسعه

اگر اسناد بین المللی در زمینه توسعه مطالعه شود متوجه این سخن خواهید شد که کارشناسان و نخبگان غربی خود به این مسائل معترف هستند. در اینجا به یکی از آن اسناد مهم اشاره می شود.

۱/۱/۵/۳/۱. بررسی یکی از اسناد بین المللی توسعه به نام گزارش های سالانه بانک جهانی تحت عنوان **wdi** برای تبیین خطر توسعه غربی یکی از این اسناد، گزارش های سالانه بانک جهانی است که تحت عنوان شاخص های جهانی توسعه^{۲۲} توسط سازمان ملل منتشر می شود.

۱/۱/۵/۳/۱/۱. تبیین و طبقه بندی شاخصه های جهانی توسعه (**wdi**) در شش بخش جهان نما، جمعیت، محیط زیست، اقتصاد، ملت ها و بازارها این مرکز بین المللی، شاخص های جهانی توسعه را در شش بخش جهان نما، جمعیت، محیط زیست، اقتصاد، ملت ها و بازارها طبقه بندی و منتشر می کند.

^{۲۲} WDI مخفف word development indicators

۷۴ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۱/۱/۵/۳/۱/۲. معرفی هشت صد شاخص در بخش‌های شش‌گانه مختلف در گزارش‌های سالانه بانک جهانی تحت عنوان **wdi**

که به صورت کلی در این شش بخش، هشت صد شاخص معرفی می‌شود. که در ذیل به معرفی برخی از این شاخص‌ها خواهیم پرداخت.

۱/۱/۵/۳/۱/۳. زایمان زیر نظر پزشک، میزان ابتلای به ایدز، میزان استفاده از تلفن همراه، تعداد کاربران خانگی از اینترنت و صدها شاخص دیگر نمونه‌ای از شاخص‌های توسعه معرفی شده در **wdi**

به عنوان مثال در این گزارش میزان زایمان زیر نظر پزشک، ابتلای به ایدز، استفاده از تلفن همراه و استفاده کاربران خانگی از اینترنت جزء شاخص‌های توسعه معرفی شده است. شاخص‌های توسعه در این گزارش به صورت تفصیلی تبیین شده است.

۱/۱/۶. جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت پاسخ متناسب برای مقابله با یکسان‌انگاری توسعه با پیشرفت اسلامی

با توفیق خدای متعال با به کارگیری جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت جلوی این انحراف تا حدود زیادی گرفته می‌شود، این جدول مبنای طرح ماست. پس یکسان‌انگاری توسعه و پیشرفت اسلامی خطر است و جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت راه جلوگیری از این خطر می‌باشد.

۱/۲. حرکت به سمت ابزارهای آموزشی و تبلیغی توسط بخش قابل توجهی از معتقدین به «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان ابزار ساخت تمدن اسلامی دومین مانع تولید این الگو

تا الان بحث روی این بود که کسانی متوجه معنای الگو به عنوان ابزار ساختاری تمدن نیستند که ما عرض کردیم با آنها دچار مشکل می‌شویم، ولی از این جا روی بحث ما با کسانی است که می‌دانند الگوی پیشرفت اسلامی ابزار ساخت تمدن نوین اسلامی است. در بین معتقدین به «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان ابزار ساخت تمدن اسلامی سه گروه با سه روش متفاوت می‌خواهند ضرورت تولید این الگو را به جامعه خویش انتقال دهند.

۱/۲/۱. استفاده از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی به جامعه، به عنوان روش گروه اول گروه اول از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی استفاده می‌کنند.

۱/۲/۱/۱. فقدان منابع پژوهشی و آموزشی مکفی، اولین دلیل مخالفت ما با این روش گروه اول برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی به جامعه

به سه دلیل با این روش مخالف هستیم؛ دلیل اول این است که در این موضوع، منابع پژوهشی و آموزشی مکفی وجود ندارد یعنی قبلاً کسی در مورد چرایی، چیستی و چگونگی تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» کار پژوهشی انجام نداده اند و به همین دلیل منابع آموزش مانند کتاب تولید

نشده است. بنابراین بدون منابع معتبر پژوهشی و آموزشی نمی توان به سمت آموزش رفت.

۱/۲/۱/۲. فقدان منابع انسانی متبحر و مسلط به این موضوع، دومین دلیل و مانع عدم استفاده فراگیر از این روش

علاوه بر فقدان منابع علمی، فقدان منابع انسانی متبحر در این موضوع، مانعی برای استفاده فراگیر از این روش ها ست. به عبارت دیگر علاوه بر فقدان منابع آموزشی مانند کتاب و محتوای متناسب با چرایی، چیستی و چگونگی تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»، منابع انسانی مسلط به این محتوا که قادر به آموزش چنین مبحث نویی در جامعه باشند یکی دیگر از دلایل عدم استفاده از این روش برای انتقال ایده انقلاب اسلامی به جامعه خویش است.

۱/۲/۱/۳. عدم احساس نیاز به الگوی پیشرفت اسلامی در اثر استفاده از این روش و عدم ایجاد عزم ملی از این روش، سومین علت مخالفت با این روش

البته اصلی ترین دلیل عدم امکان انتقال ایده انقلاب اسلامی از روش آموزشی به جامعه، ناتوانی این روش در ایجاد عزم ملی برای فهم این الگو و ایجاد مشارکت برای تولید آن است.

به عبارت دیگر از آنجا که تولید الگوی پیشرفت اسلامی در سه سطح فهم چرایی، چیستی و چگونگی تولید این الگو از لوازم اصلی تولید آن است و تا همه جامعه درکی از این سه سطح بحث نداشته باشند تولید الگو غیر ممکن می باشد، به همین دلیل ایجاد درک از سه سطح چرایی، چستی و

چگونگی تولید این الگو با روش آموزشی غیرممکن است. زیرا جامعه به مباحث آموزشی راجع به الگو احساس نیاز نمی کنند تا به عنوان شاگرد در کلاس های آموزشی شرکت نمایند.

بنابر فرض محال که این احساس نیاز وجود داشته باشد، باز مسئله عدم امکان ایجاد فضای آموزشی برای همه جامعه و فقدان منابع انسانی متبحر و مسلط به بحث و منابع آموزشی از دیگر موانع آموزش همه جامعه است.

۱/۲/۲. رجوع به روش های ترویجی و تبلیغی در انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه غربی با پیشرفت اسلامی، به عنوان روش دومین گروه از معتقدین به انقلاب برای انتقال این ایده به جامعه

گروه دوم از شیوه های ترویجی و تبلیغی استفاده می کنند. یعنی به مباحث آموزشی معتقد نبوده و قائل به این مطلب هستند که به جای آموزش جامعه، باید برای ایجاد درک از چرایی، چیستی و چگونگی تولید الگو اقدام به کارهای ترویجی و تبلیغی نمود.

۱/۲/۲/۱. عدم امکان تفاهم و تبیین مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در جامعه به روش تبلیغی و ترویجی به طریق اولی به دلیل ضرورت تولید منابع آموزشی قبل از ترویج آنها

اگر به ماهیت کارهای تبلیغی و ترویجی دقت کنید، می بینید به طریق اولی با این روش هم نمی توان مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» را جا انداخت. زمانی که یک فکر را به بخشی از افراد آموزش داده باشیم، خواهیم توانست با استفاده از این افراد آن فکر را در جامعه ترویج و معرفی کنیم.

۱/۲/۲/۲. برگزاری همایش‌ها و مصاحبه‌های ترویجی در کشور برای موضوعات تحولی به عنوان تنها اقدام به معنای عدم انتقال آن موضوع به جامعه

این‌که برخی افراد در موضوعات تحولی- یعنی موضوعاتی که منشأ تحول هستند- سریع همایش برگزار کرده و مصاحبه می‌کنند، معنایش این است که نخواهند توانست ایده انقلاب اسلامی^{۲۳} را به جامعه خویش منتقل نمایند.

با مصاحبه، همایش و کارهای ترویجی تبلیغی مانند اینها ممکن است بتوان ضرورت یک مسأله را جا انداخت، ولی نمی‌توان ساخت الگو را شروع کرد. پس دلیل دیگر مخالفت‌مان این است که نمی‌توان با همایش و مصاحبه موضوع را به شکل عمیق مطرح کرد. همایش‌های یک روزه و مصاحبه‌های چند ساعته ابزار این کار نیست. البته عده‌ای متوجه شده‌اند که استفاده از همایش برای تبیین ماهیت موضوعات تحولی کار غلطی است. هندسه همایش‌ها ممکن است به درد طرح ضرورت موضوع بخورد ولی قطعاً به درد عمیق کردن و تولید یک موضوع نمی‌خورد. پس ما با روش این دو دسته به دلایلی که آمد مخالفیم و با ایشان در استفاده از این ابزارها مخالفت صریح می‌کنیم.

۲۳. همانطور که گفته شد، «اداره جامعه بر مبنای دین» ایده انقلاب اسلامی و رهبران و نخبگان می‌باشد.

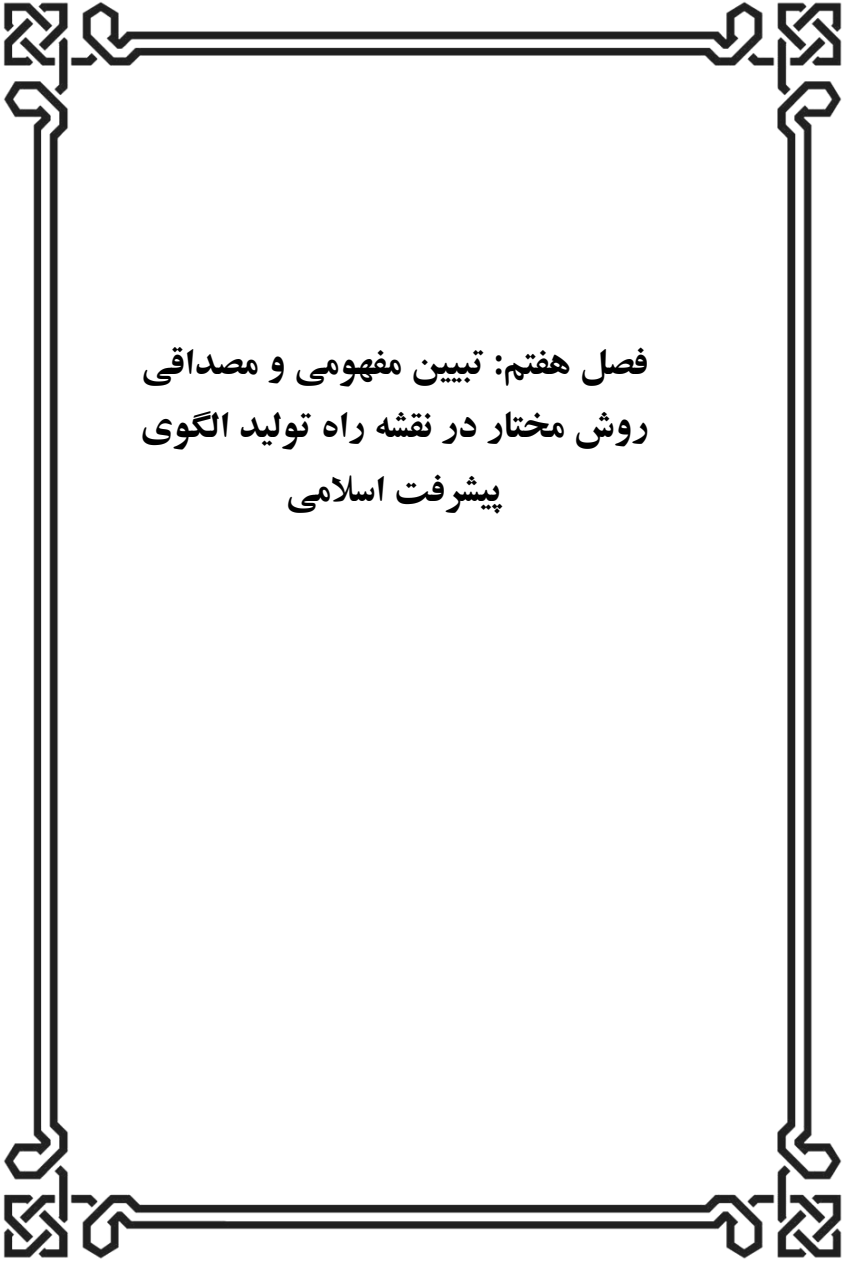
۱/۲/۲/۳. جمع‌بندی جمعیت‌های معتقد به انقلاب در عدم امکان تحقق آرمانهای انقلاب بوسیله توسعه، یک موفقیت بزرگ

البته پس از گذشت چند سال دغدغه‌ها نسبت به این موضوع رشد کرده است؛ این پیروزی خیلی بزرگی است که جمعیت‌هایی در درون انقلاب متوجه شده‌اند با توسعه نمی‌توان به سمت آرمان‌های انقلاب حرکت کرد.

۱/۲/۲/۴. عدم تعمیق مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به دلیل استفاده از روش‌ها و ساختارهای نامناسب توسط جمعیت‌های دغدغه‌مند برای تولید الگو، یکی دیگر از خطرات پیش روی الگو

ولی همین جریان‌های دغدغه‌مند اگر از روش‌ها و ساختارهای نامناسب استفاده کنند خطری به نام «عدم تعمیق» این موضوع اتفاق خواهد افتاد و بعدها مخالفان «الگوی پیشرفت اسلامی» و طرفداران توسعه خواهند گفت شکست در تولید الگو دلیل بر غلط بودن آن است.

در طی سالیان گذشته از زمان طرح این مسأله توسط آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام هر جا حضور پیدا کردیم با پیشنهاد برگزاری همایش، نوشتن مقاله و یادداشت در نشریات مختلف روبرو بوده‌ایم که تا کنون به مثابه داستان ماه-پرستی حضرت ابراهیم علیه السلام و قوم ماه‌پرست با ایشان همراهی و مماشات شده است زیرا مکلف به «رحماء بینهم» هستیم. اما همواره حرف صحیح را با صراحت مطرح کرده و می‌کنیم؛ از اول به ایشان گفته‌ایم که با این روش‌ها نمی‌شود به نتیجه رسید.



فصل هفتم: تبیین مفهومی و مصداقی
روش مختار در نقشه راه تولید الگوی
پیشرفت اسلامی

۱. تبیین مفهومی تمثیلی پردازش موضوعات جهت ساز(هشتاد و یک موضوع جهت ساز) به عنوان معادله مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت پردازش «موضوعات جهت ساز» معادله مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت، روش مختار شورای راهبردی برای تولید نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. در این مجال قصد تشریح مبانی نظری منجر به تولید این معادله را نداریم. در یک جمله می توان گفت که اگر شما بخواهید راجع به یک موضوع، تحول ایجاد کنید؛ این معادله چگونگی ایجاد تحول در یک جامعه را تئوریزه می نماید.

۱/۱. ضرورت رعایت سه اصل برای ایجاد تحول در جامعه در موضوعات تحولی برای مدیر تحولات آشنا با جامعه شناسی اسلامی برای درک این معادله و مدیریت یک تحول به سمت پیشرفت، رعایت سه اصل الزامی است:

۱/۱/۱. شروع از موضوعات غیرقابل انکار گروه هدف، به عنوان اولین اصل شروع بحث با گروه هدف از موضوعات غیرقابل انکار اولین اصل در مدیریت تحولات به سمت پیشرفت است. به عبارت بهتر باید موضوعی را ورودی و مدخل بحث قرار داد، که ضرورت و اولویتش مورد انکار مخاطب نباشد.

۸۲ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۱/۱/۱/۱. رعایت اصل اول در انتخاب «پیشگیری از جرم» به عنوان یک «موضوع جهت‌ساز» مطرح در نقشه برای تفاهم با قوه قضائیه

به عنوان مثال اگر با استفاده از این روش خواسته باشید با قوه قضائیه در مورد مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» تفاهم کنید، باید بحث را از موضوع پیشگیری از جرم به عنوان موضوع غیرقابل انکار شروع کرد، که موضوع «پیشگیری از جرم» یکی از «موضوعات جهت‌ساز» مطرح در نقشه راه تولید الگو است.

۱/۱/۱/۲. غیر قابل انکار بودن موضوع «پیشگیری از جرم» برای قوه قضائیه به معنای قبول ضرورت و اولویت این موضوع برای این نهاد

پس «پیشگیری از جرم» مورد انکار قوه قضائیه نیست، یعنی هم ضرورت و هم اولویت این کار را قبول دارد. اگر به قوه قضائیه گفته شود طرحی برای پیشگیری از جرم وجود دارد، نه تنها مخالفت نمی‌کند، بلکه استقبال هم می‌کند، زیرا اولویت این کار به دلیل افزایش ورودی پرونده‌ها برای قوه قضائیه بالاست.

۱/۱/۲. «قابلیت ترجمه هر موضوع» به مسأله الگو دومین اصل ضروری در استفاده از روش مختار

اصل دوم روش مختار «قابلیت ترجمه موضوعات» به مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» است. زیرا بسیاری از موضوعات غیر قابل انکار وجود دارد که قابلیت ترجمه به مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» را ندارند.

بنابراین پردازش چنین موضوعاتی منجر به مدیریت تحولات اجتماعی یک جامعه به سمت پیشرفت نخواهد شد.

۱/۱/۲/۱. تحلیل مسأله پیشگیری از جرم براساس تحلیل‌های انقلاب و اسلام با عنوان پیشگیری بنیادین به عنوان تطبیق مصداقی اصل دوم با یکی از موضوعات جهت‌ساز

اصل دوم با مثال پیشگیری از جرم تبیین بیشتری خواهد شد. عنوان موضوع قوه قضائیه «پیشگیری از جرم» است و مسأله الگو با استفاده از این موضوع برای قوه قضائیه تبیین خواهد شد. تحلیل‌های مختلفی برای پیشگیری از جرم مطرح است. به عنوان مثال تقسیم‌بندی‌هایی درباره «پیشگیری از جرم» گفته‌اند که آن را به پیشگیری وضعی، کیفری، غیرکیفری، پیشگیری اجتماعی و... تقسیم کرده‌اند. ضمن نقد این تعاریف در «تئوری پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم»، براساس تحلیل انقلاب و اسلام پیدایش جرم را ریشه‌یابی کرده و پاسخ اسلام در قالب این تئوری تئوریزه می‌گردد.

۱/۱/۲/۲. تعریف منشأ پیدایش جرم به خدشه‌های بنیادین به شخصیت و جایگاه شکل‌گیری صحیح شخصیت در خانواده غیراسلامی

براساس این تئوری اگر در سال‌های شکل‌گیری شخصیت؛ عواطف فرد، آموزش‌ها و رفتارهای اولیه‌ای براساس آموزه‌های اسلام شکل گیرد، این شکل‌گیری شخصیت اساس «پیشگیری از جرم» است.

به عبارت بهتر منشأ اصلی پیدایش جرم خدشه به عواطف و آموزش‌های اولیه و رفتارهاست. براساس اسلام جایگاه شکل‌گیری صحیح شخصیت

۸۴ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

افراد نهاد «خانواده» است. اگر دقت شود در بحث تحلیل علل «افزایش جرم» از پیش‌گیری شروع و به نهاد خانواده ختم شد. پس منشأ ایجاد جرم، خانواده غیراسلامی است. اگر جایگاه «خانواده» در یک جامعه تضعیف شود خروجی آن ایجاد استعداد اجتماعی برای انجام جرم است.

۱/۱/۲/۳. تعریف الگوی آموزش جامعه به عنوان یک الگوی ضد خانواده و یکی از عوامل تضعیف نهاد خانواده از طریق اشغال سن تربیت و ازدواج
یکی از عوامل تضعیف خانواده، الگوی آموزش جامعه است. الگوی آموزش کنونی، ضد خانواده می‌باشد. به گونه‌ای که افراد جامعه از سن هفت سالگی وارد نظام آموزشی می‌شوند و تا پایان تحصیل، از یک سو بخشی از دوران آموزش آن‌ها با سن ازدواج‌شان تلاقی می‌کند و سن ازدواج بالا می‌رود. یعنی دوران آموزشی که تمام شد ده سال از سن ازدواج فرد گذشته است. پس نظام آموزشی خانواده را تضعیف می‌کند.

۱/۱/۲/۴. ضدیت توسعه با نهاد خانواده در نتیجه تعریف نظام آموزشی فعلی به عنوان بخشی از الگوی توسعه غربی
از سوی دیگر به علت اینکه نظام آموزشی کشور بخشی از الگوی توسعه غربی بوده و لذا شاخص‌های آموزشی در آن متناسب با شاخص‌های توسعه است و از آنجا که شاخص‌های توسعه در تضاد با جایگاه رفیع خانواده می‌باشد، می‌توان گفت که نظام آموزشی موجود ضد خانواده است.

۱/۱/۲/۵. عدم آموزش های لازم برای پذیرش زندگی مشترک و تشکیل خانواده در دوران تحصیل یکی دیگر از جنبه های ضد خانواده نظام آموزشی فعلی

البته الگوی آموزش از این حیث هم که افراد را آماده پذیرش زندگی مشترک نمی کند، عامل تضعیف خانواده می باشد. همان طور که گفته شد به دلیل لزوم تبعیت و تناسب شاخص های نظام آموزشی کشور از شاخص های الگوی توسعه غربی به عنوان بخشی از آن الگو و تعریف نظام آموزشی به عنوان خدمه بخش تولید و خدمات جامعه در الگوی توسعه غربی، محتوای آموزشی در چنین نظام آموزشی محقق کننده نیازهای بخش خدمات و تولید جامعه بوده و فرصتی برای آموزش های لازم برای پذیرش زندگی مشترک و تشکیل خانواده به افراد باقی نخواهد ماند.

۱/۱/۲/۶. تعریف الگوی مصرف جامعه به عنوان یکی دیگر از عوامل تأخیر در شروع زندگی مشترک و تضعیف کننده ی خانواده

«الگوی مصرف» جامعه نیز به عنوان بخشی دیگر از الگوی توسعه غربی تضعیف کننده جایگاه و نقش نهاد «خانواده» است. افراد جامعه پس از پایان تحصیلات برای تأمین لوازم شروع یک زندگی مطابق با الگوی مصرف روز جامعه نیازمند زمان زیادی هستند که این خود که علت تأخیر در تشکیل خانواده و بالا رفتن سن ازدواج است.

۱/۱/۲/۶/۱. تنزل نقش پدر و مادر به نان آور مذکر و نان آور مؤنث برای تأمین الگوی مصرف خانواده و واگذاری تربیت کودکان به مهد کودک ها یکی دیگر از اثرات منفی الگوی مصرف بر تضعیف نهاد خانواده

البته الگوی مصرف فقط نقش تأخیری در شروع زندگی ندارد. بلکه پس از شروع زندگی هم زن و شوهر باید همتشان این باشد که الگوی مصرف خانواده را تأمین نمایند. تلاش برای تأمین هزینه‌های این الگوی مصرف، نقش زن و شوهر را از منزلت پدر و مادری، به نقش نان‌آور مذکر و نان‌آور مؤنث خانه تنزل می‌دهد. پس الگوی مصرف هم در تشکیل یک خانواده اسلامی و هم در کیفیت آن مانع ایجاد می‌کند. کمترین عارضه الگوی مصرف انتقال کودکان و تربیت آن‌ها به مهدکودک است.

۱/۱/۲/۷. تعریف الگوی تولید مدرن با نگاه حقیرانه به زن به عنوان نیروی کار سومین عامل تضعیف نهاد خانواده

سومین عامل تضعیف کننده خانواده الگوی تولید مدرن به عنوان اصلی‌ترین بخش الگوی توسعه غربی می‌باشد. الگوی تولید جامعه نگاهش به زن به عنوان نیروی کار ارزان و مقرون به صرفه است. الگوی تولید با سفارش به بخش فرهنگ و سیاست جامعه به عنوان خدمه خویش با تقلیل و تحقیر جایگاه خانه‌داری همسر و نقش مادری در صدد بیرون کشیدن زنان از خانه-ها و فرستادن آنها به عنوان نیروی کار ارزان به کارخانه‌جات و کارگاه‌ها و مشاغل بیرون از منزل است.

۱/۱/۲/۷/۱. ایجاد امنیت برای مرد و شوهرداری وظیفه اختصاصی زن و نقش مادر در تربیت فرزندان به عنوان متغییر اصلی در تربیت اسلامی علی‌رغم نگاه ابزاری الگوی تولید به زن

نگاه به زن بر اساس اولویت‌های الگوی تولید به عنوان نیروی کار ارزان می‌باشد. با این وصف انتظار شوهرداری و همچنین مادری انتظاری فرعی است؛ البته متغیر اصلی تربیت، مادر است ولی پدر هم موثر می‌باشد. به هر حال «تربیت» کار پدر و مادر است ولی کار اختصاصی زن، شوهرداری است که بتواند برای مردش ایجاد امنیت کرده و او را پایبند به خانه نماید.

۱/۱/۲/۷/۲. تعریف خانه به عنوان محل سکینه و پناه بردن مرد از سختی‌های کار روزانه به آن به عنوان ریشه سعادت انسان و جامعه در صورت نگاه درست به جایگاه پدر و مادر

خانه باید محل سکینه و آرامش باشد تا زمانی که مرد از محل کار با شوق به خانه باز می‌گردد، تا سختی‌های روزانه با ورود به این محل امن تسکین یابد. این مسأله ریشه سعادت خانواده است. اگر خانه محلی امن برای بچه‌ها و پدر و مادر باشد، جامعه به سعادت دست خواهد یافت.

۱/۱/۲/۷/۳. فرعی شدن نقش شوهرداری و مادری به دلیل تعریف زن به عنوان نیروی کار ارزان در الگوی تولید و تضعیف جایگاه خانواده
اما زمانی که الگوی تولید زن را نیروی کار تعریف می‌کند، شوهرداری و مادری و دیگر وظایف و نقش‌ها، فرعی خواهد شد.

۸۸ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

بنابراین هر سه عامل الگوی آموزش، الگوی مصرف و الگوی تولید» جامعه موجب تضعیف نهاد خانواده می‌گردد.

۱/۱/۲/۷/۳/۱. افزایش استعداد اجتماعی برای ارتکاب جرم به دلیل تضعیف نهاد خانواده توسط سه عامل ذکر شده

در اثر تضعیف نهاد خانواده در یک جامعه، استعداد اجتماعی برای ارتکاب جرم رشد کرده و در نتیجه شاهد افزایش تصاعدی جرائم و ورودی پرونده-های قوه قضائیه خواهیم بود.

۱/۱/۲/۷/۴. شروع بحث و تفاهم با قوه قضائیه از پیشگیری از جرم و تحلیل مبنایی آن به ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان لازمه پیشگیری مبنایی از وقوع جرم علی‌رغم ضرورت اقدام به کار کوتاه مدت در این مسأله

بنابراین تحلیل مسأله افزایش جرم در جامعه، از پیشگیری شروع شد، ولی به مسأله ضرورت بازنگری در ساختارهای کلان اداره جامعه رسید. به عبارت دیگر ورودی و مدخل بحث، «پیشگیری» بود. یعنی مسأله‌ای که نه تنها مورد انکار قوه قضائیه نبود بلکه احساس نیاز به رفع آن نیز داشت. ولی در گام دوم مسأله پیشگیری به صورت مبنایی تحلیل و ربط آن با مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان لازمه پیشگیری مبنایی از جرم طرح گردید.

البته کار کوتاه‌مدت در مسأله پیشگیری از جرم به طور حتم ضروری است. اما برای حل قطعی مسأله پیشگیری از جرم باید به صورت مبنایی از الگو شروع کرد.

۲/۲/۳/۳/۳/۵. تغییر تعریف و مفهوم جرم و تحدید آن به جرائم راهنمایی و رانندگی و جرائم فضای مجازی در کشورهای توسعه یافته دلیل کاهش ورودی پرونده های برخی کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشور ما شاید کسانی که به توسعه خوش بین هستند در پاسخ به جرم‌ساز بودن الگوهای توسعه غربی بگویند؛ برخی از کشورهای توسعه یافته وجود دارند که آمار جرم‌شان از آمار جرم در ایران پایین تر است، به عبارت بهتر با اینکه توسعه یافته تر بوده و به صورت گسترده تر و بیشتر از الگوهای توسعه استفاده کرده اند، اما آمار جرم‌شان از ایران پایین تر است. در پاسخ به این اشکال باید گفت؛ بله، اگر تعریف از جرم را عوض کرده و آن را به جرائم راهنمایی و رانندگی و جرائم فضای مجازی محدود نمایید و ماهیت و تعریف جرم را تغییر دهید، در این صورت آمار جرائم پایین تری در این کشورها ثبت خواهد شد، اما در ایران و خیلی از کشورهای اسلامی یک سری اعمال از نظر همه افراد جامعه جرم است و باید با آن برخورد کرد.

۲/۲/۳/۳/۳/۶. تفاوت ماهیت جرم در کشورهای اسلامی با ماهیت جرم در کشورهای غیر اسلامی به معنای لفظ مشترک بودن جرم در این دو دسته کشور و تفاوت در معنای جرم در این کشورها

بنابراین اگر بخواهیم به صورت دقیق این مسأله را مطالعه کنیم، باید ماهیت جرم در یک کشور غیراسلامی با ماهیت جرم در یک کشور اسلامی مورد دقت قرار گیرد تا معلوم شود که «جرم» اسم مشترک در این کشورهاست. در کشورهای غیراسلامی یک سری اعمال که در عالم واقع، انسانی و معنوی، جرم محسوب می‌شود را جرم ندانسته و لذا برای چنین اعمالی پرونده تشکیل نمی‌شود و لذا آمار تشکیل پرونده در این کشورها کم‌تر از ایران است، اما در کشورهای اسلامی بخصوص ایران یک سری افعال و اعمال از نظر مردم عادی هم جرم محسوب می‌گردد.

۱/۱/۳. «قابلیت ایجاد مشارکت اجتماعی» نخبگان و مسئولان و مردم سومین وصف برای انتخاب یک موضوع به عنوان «موضوع جهت‌ساز» اصل سوم برای انتخاب موضوعی به عنوان یک «موضوع جهت‌ساز» در روش مختار، «قدرت ایجاد مشارکت اجتماعی» نخبگان، مسئولین و مردم نسبت به موضوع انتخاب شده است. یعنی با فرض بضاعت علمی بالفعل حوزه، دانشگاه، مسئولین و بقیه توانایی ایجاد مشارکت همه بخش‌های جامعه در یک مسأله که ربط آن با مسأله الگو تمام است را داشته باشیم. پس وصف سومش این است که آن موضوع قابلیت ایجاد مشارکت داشته باشد.

۴/۲. ایجاد عزم ملی نسبت به موضوع الگوی پیشرفت اسلامی بدون استفاده از شیوه های ترویجی و آموزشی در صورت پردازش اجتماعی موضوعات انتقال (جهت ساز)

در صورت پردازش «موضوعات جهت ساز» مطرح شده در اولین نقشه راه پیشنهادی، بدون استفاده از شیوه های ترویجی و آموزشی توانایی ایجاد عزم ملی نسبت به موضوع الگوی پیشرفت اسلامی وجود دارد و لازم نیست افراد با سیاست های تشویقی و تنبیهی در کارگاه های آموزشی شرکت کنند.

۲/۳/۱. تعریف نقشه راه به هشتاد و یک مدخل و مکان برای مدیریت و هماهنگی ساختارها با مبنا و مراحل تحقق مبنای حرکت انقلاب اسلامی در واقع نقشه راه تولید الگو «هشتاد و یک» موضوع عملیاتی دارد که این هشتاد و یک «موضوع جهت ساز» یا در واقع مدخل هایی برای مدیریت ساختارهای فعلی جامعه و هماهنگ سازی این ساختارها با مبنا و مراحل انقلاب اسلامی هستند.

۲/۳/۲. عملیات حول «هشتاد و یک» محور نقشه راه یعنی برهم زدن تعادل برنامه های توسعه به محوریت اقتصاد و تعریف تعادل پیشرفت جامعه به محوریت فرهنگ

در حقیقت با عملیات حول «هشتاد و یک» محور نقشه راه به دنبال برهم زدن تعادل کل برنامه توسعه کشور هستیم. زیرا در حال حاضر برنامه های توسعه کشور براساس الگوی توسعه غربی به محوریت اقتصاد نوشته می شود و این در حالی است که باید تعادل برنامه های پیشرفت کشور را به

۹۲ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

محوریت فرهنگ تنظیم نمود. اگر اولین نسخه برنامه پیشرفت کشور تولید شود، خواهیم توانست افق روشن‌تری از آینده این برنامه‌ها ارائه دهیم.

۲/۳/۲/۱. پیشگیری از جرم، مدل تقنین اسلامی، نمونه‌ای از هشتاد و یک مدخل مدیریت ساختارها به سمت مبنا و مراحل انقلاب اسلامی و تغییر تعریف تعادل حول اقتصاد به تعادل حول فرهنگ

بنابراین «پیشگیری از جرم، مدل تقنین اسلامی^{۲۴}، تغییر تعریف تعادل از تعادل حول اقتصاد؛ به تعادل حول فرهنگ»، نمونه‌ای از هشتاد و یک مدخل

۲۴. به عنوان مثال به نحوه‌ی قانون‌گذاری اشکالاتی وارد است، که در نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به آن پاسخ داده و راه‌حلی ارائه گردیده است. برای تبیین تفصیلی مدل تقنین کشور ابتدا باید نحوه‌ی قانون‌گذاری موجود را تعریف کرده و سپس اشکالات این نحوه قانون‌گذاری طرح گردد. پس از تبیین اشکالات مدل قانون‌گذاری موجود نوبت به طرح مدل جایگزین خواهد رسید.

مدل تقنین مطلوب سه پایه دارد، پایه اول مدل تنقیح^{۲۴} قوانین بر اساس تحلیل پایه جمهوری اسلامی^{۲۴} می‌باشد. اولین کار برای تدوین مدل تقنین مطلوب، تنقیح قوانین براساس شاخصه‌های اسلامی است. البته نه در مورد همه قوانین کشور، بلکه تنقیح ده، پانزده قانون از قوانین اصلی کشور مانند نحوه بودجه‌ریزی می‌باشد. اثر اصلی تنقیح قوانین اصلی کشور، ایجاد توجه نخبگان به اشکالات وارد بر نحوه تقنین کشور است.

پس از تبیین تعارض قوانین فعلی با آنچه مدنظر مردم و انقلاب بوده است، به تدریج نمایندگان دلسوز مجلس و نخبگان جامعه متوجه این مسأله می‌شوند که ممکن است نحوه قانون‌گذاری دچار اشکال باشد. مدل تقنین اسلامی پیشنهادی، از مدل تنقیح قوانین شروع و سپس به مدل تصویب قوانین و نهایتاً به مدل نظارت بر قوانین ختم می‌گردد.

شرح مدل تصویب قوانین و مدل نظارت بر قوانین منوط و مشروط به تبیین نحوه‌ی قانون‌گذاری موجود و همچنین مشروط به تنقیح قوانین می‌باشد که امکان شرح نحوه‌ی فعلی قانون‌گذاری در کشور و طرح اشکالات آن در این مجال به دلیل گستردگی مسئله وجود ندارد.

برای مدیریت ساختارهای جامعه متناسب با مبنا و مراحل انقلاب اسلامی هستند.

۲/۳/۲/۱/۲/۲/۳. تعریف «جهت حرکت انقلاب اسلامی» به عنوان نقطه ثقل استدلال بر مدخل های ۲۷ گانه ی پیشنهادی در نقشه راه اگر از مبانی نظری و استدلالی هشتاد و یک مدخل و موضوع موجود در نقشه راه سؤال شود، باید گفت که این مبانی نظری و استدلالی برگرفته از جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان نقطه ثقل نقشه راه^{۲۵} است. در واقع «جهت حرکت انقلاب اسلامی» به «مدل قانون گذاری» و هشتاد موضوع دیگر مانند آن ترجمه شده است.

۴/۲/۲. تعریف «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» به عنوان موضوع جهت-ساز جریان های دانشگاهی و مقدمه اساسی راه اندازی کرسی های آزاداندیشی
بانک سؤالات عدالت و پیشرفت موضوع انتقال جریان های دانشجویی است. البته این بانک مقدمه اساسی راه اندازی کرسی های آزاداندیشی است.

^{۲۵} . براساس موضوعات هشتاد و یک گانه ی نقشه راه می توان یک سری کارها را در قوه قضاییه، مجلس، دولت، حوزه، دانشگاه و... شروع کرد. فعلاً در قدم های اولیه کار می باشیم، یعنی بعد از آن مطالعات ده ساله ای که قبل از نوشتن این جدول بوده و نوشتن این جدول که چهار سال طول کشیده است در آغاز تفاهم روی این موضوع هستیم.

۴/۲/۲/۲. تشابه «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» در راه اندازی کرسی- های آزاداندیشی به موضوع «پیشگیری از جرم» در قوه قضائیه راه افتادن کرسی‌های آزاداندیشی راه به معنای شرکت دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها بدون تشویق در این کرسی‌ها است و همان‌طور که گذشت موضوع «جهت‌ساز» کرسی‌های آزاداندیشی، «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» می‌باشد. وضعیت این موضوع در دانشگاه مثل وضعیت پیشگیری از جرم در قوه قضائیه است.

۴/۲/۲/۳. غیرقابل انکار بودن ضرورت و اولویت فضای آزاداندیشی در دانشگاه علی‌رغم فقدان اقدام جدی برای ایجاد این فضا با توجه به ضرورت و اولویت راه‌اندازی کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاه یعنی غیرقابل انکار بودن آن، نیاز به آن جدی گرفته نمی‌شود. با وجود نیروهای انقلابی فراوان در فضای دانشگاه، آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام می‌فرمایند؛ من صد بار گفتم ولی راه انجام نشده است. چرا؟

۴/۲/۲/۳/۲. عدم تسلط نیروهای انقلابی به ادبیات و ایده‌های انقلاب علت اصلی عدم تحقق کرسی‌های آزاداندیشی در پاسخ می‌توان گفت در فضای مدیریت دانشگاه جمعیت‌هایی هستند که جرأت ایجاد چنین فضای در دانشگاه‌ها را ندارند، زیرا ایشان به ادبیات و ایده‌های انقلاب مسلط نبوده و به همین دلیل شجاعت کافی برای قبول ریسک، طرح تفکرات جدید را ندارند.

۴/۲/۲/۳/۳. بانک «سؤالات عدالت و پیشرفت»، پیشنهادی برای ایجاد تسلط نیروهای انقلاب به ادبیات و ایده‌های انقلاب در کمترین زمان ممکن در بانک «سؤالات عدالت و پیشرفت» راه حل عدم تسلط برخی از نیروهای انقلاب به ایده‌ها و ادبیات انقلاب تولید شده است. در صورت عدم علاج این عیب، اگر جایی هم اختیار در دست نیروهای انقلابی باشد، هیچ وقت فضا برای راه اندازی کرسی‌های آزاداندیشی باز نخواهد شد.

۴/۲/۲/۳/۴. دستور شجاعانه امام خامنه‌ای علیه السلام برای راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی به دلیل تسلط ایشان به ایده و ادبیات انقلاب و اعتقاد به غلبه فکر اسلامی بر فکر مدرنیته

از سوی دیگر مشاهده می‌شود که آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام که به ایده و ادبیات انقلاب مسلط هستند و به غلبه فکر اسلامی بر فکر مدرنیته اعتقاد داشته و آن را واقعی می‌دانند با شجاعت دستور باز کردن این فضاها را صادر نموده‌اند.

۴/۲/۲/۳/۴/۱. پاسخ شجاعانه امام خمینی علیه السلام در دستور به شلیک به ناوهای آمریکایی در جنگ تحمیلی در خلیج فارس به دلیل اتکال علی الله و شجاعت ایشان

البته این ویژگی در امام خمینی علیه السلام سر قضیه ناوهای که در ایام جنگ تحمیلی به خلیج فارس آمده بودند نیز وجود دارد، حضرت امام خمینی علیه السلام در پاسخ به یکی از کسانی که گفته بود با این ناوها چه کنیم؟ فرموده بودند

که؛ اگر من به جای شما بودم، آنها را می‌زدم. چنین آرامش و شجاعتی به خاطر اتکال علی‌الله است.^{۲۶}

۴/۲/۳/۴/۳. تشبیه تمثیلی «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» به «پادگان دوکوهه» برای توانمندسازی سریع نفرات و حفظ خط مقدم نبرد «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» در واقع متولدکننده و مادر فضای لازم برای راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی است، یعنی همان‌طور که در ایام جنگ تحمیلی با سه ماه آموزش فشرده نیروها، در پادگان دوکوهه توازن در جبهه‌های جنگ حفظ شده و در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی منتهی گردید. در فضای جنگ نرم هم، «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» دو کوهه جنگ نرم بوده و با سه روز آموزش در این بانک، فرد را توانمند شده و می‌تواند در یک موضوع خاص با سؤال انقلاب از غرب آشنا شود. وقتی چنین

۲۶. اما نیرویی که می‌خواهد برود این کار را اجرا کند می‌گوید: آقا! آمریکا هست ها! ممکن است ابهت کفر بگیردش. در مسئله کرسی‌های آزاداندیشی و جنگ نرم همین داستان وجود دارد. به نظر من بخش موثری از قضیه این است. وقتی مسئله جنگ نرم و کرسی‌های آزاداندیشی مطرح می‌شود امام خامنه‌ای همین حالت اتکال علی‌الله را دارند. اتکالشان به معارف اسلامی و ذات لایتناهی پروردگار است، برای همین ولی‌خدا(ع) احساس ترس ندارد، اما وقتی مسئولیت را به زیرمجموعه می‌دهند - که دارای ایمان کمتری است - مثلاً می‌گویند: با توسعه که نمی‌توان درافتاد! بنابراین در زمینه علوم انسانی فضا را باز نمی‌کنند.

توانمندی کسب شد، جرأت و شجاعت راهاندازی کرسی‌های آزاداندیشی پیدا خواهد شد.^{۲۷}

۴/۲/۲/۳/۴/۴. آمادگی راهاندازی فاز صفر بانک سؤالات انقلاب از مدرنیته و توسعه

در فاز صفر بانک، سؤالات انقلاب از مدرنیته و از توسعه را آماده کرده‌ایم که هشتاد و یک تقسیم دارد.

۴/۲/۲/۳/۴/۴/۲. تبدیل جنگ چریکی در عرصه جنگ نرم به جنگ منظم با قابلیت طراحی عملیات، بوسیله بانک «سؤالات عدالت و پیشرفت»
البته جمعیت‌هایی هستند که کاری با ساختارها نداشته و به این عرصه وارد شده‌اند. همان‌طور که ابتدای جنگ هشت ساله که جنگ منظم نداشته و به صورت چریکی مقابل دشمن ایستادیم، در جنگ نرم دشمن علیه انقلاب نیز در حال جنگ چریکی هستیم، که با راهاندازی «بانک سؤالات» به دنبال طراحی جنگ منظم و قاعده‌مند با قابلیت طراحی عملیات می‌باشیم.

۴/۲/۲/۳/۵. آمادگی راهاندازی قرارگاه موضوعات انتقال نظام در صورت وجود امکانات و مقدورات و اختیارات لازم

در صورت فراهم بودن امکانات، مقدورات و اختیارات لازم، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی آمادگی راهاندازی قرارگاه موضوعات انتقال نظام را دارد.

^{۲۷}. یکی از خاصیت‌هایش راهاندازی «بانک سؤالات» این خواهد بود که نیروهای انقلاب جرأت راهاندازی کرسی‌های آزاداندیشی خواهند یافت.

۹۸ تبیین موانع فهم چیستی الگوی پیشرفت اسلامی و تفاوت آن با الگوهای توسعه غربی

۷/۲/۱. تعریف موضوعات جهت ساز در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به هشتاد و یک مسئله‌ی مذکور در مباحث بنابراین موضوعات جهت ساز که در سطور گذشته به برخی از آنها اشاره شد، در واقع هشتاد و یک مسأله مطرح در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت است که به آنها موضوعات «جهت‌ساز» گفته می‌شود.

۷/۲/۲. ایجاد عزم ملی از هشتاد و یک بخش جامعه برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل تبیین نسبت الگو با نیاز فعلی جامعه اولین اثر به کارگیری روش دوم

زمانی که موضوعات «جهت ساز» در جامعه پردازش شوند، دو اتفاق خواهد افتاد. اولین اتفاق این است که به دلیل ارتباط هشتاد و یک موضوع مطرح در نقشه با نیاز فعلی جامعه، عزم ملی از هشتاد و یک جا برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی تقویت می‌گردد. زیرا موضوعات جهت از یک سو به مسأله «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و از سوی دیگر به نیازهای اصلی بخش های مختلف جامعه مرتبط است.

۷/۲/۲/۱. عدم نفی توسعه غربی به عنوان نقطه شروع و سؤال از کارشناسان جهانی توسعه غربی برای پاسخ به نیازها و مسائل مشخص جامعه ایران

دومین اتفاق عدم شروع گفتمان‌سازی از رد توسعه غربی است، زیرا با «پردازش موضوعات جهت‌ساز» الگوی توسعه غربی را مفروض گرفته و از توسعه غربی پاسخ سؤالات مشکلات را خواهیم خواست تا توانایی این الگو در حل و فصل مسائل مشخص جامعه ایران مشخص شود.

۷/۲/۲/۲. ایجاد قضاوت به صورت منطقی درباره کارآمدی توسعه غربی و درگیری نیاز جامعه با مسئله تولید الگو دو اثر به کارگیری گفتمان‌سازی به شیوه پردازش موضوعات جهت‌ساز برای حرکت به سمت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بنابراین گفتمان‌سازی به شیوه «پردازش موضوعات جهت‌ساز» هم نیاز جامعه را درگیر با مسأله تولید الگو می‌کند و هم به صورت منطقی کارآمدی‌های توسعه غربی را به قضاوت عمومی خواهد گذاشت.

فصل هشتم: تبیین اجمالی جهت
حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه
مهره اصلی فهم اولین نقشه راه الگوی
پیشرفت اسلامی (به عنوان منظر هشتم)

۱. آشنایی با نقشه راه مستلزم تسلط بر نه محور بحثی با عنوان الگوی ساخت نظامات اسلامی

آشنایی با نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مستلزم تسلط بر ۹ محور بحثی که از آنها به «محورهای الگوی ساخت نظامات اسلامی» یاد می‌گردد، می‌باشد.

۱/۱. تعریف مهمترین محور از الگوی ساخت نظامات اسلامی به تسلط بر «جهت حرکت انقلاب اسلامی» به عنوان شاه مهره این الگو
مهم‌ترین و اصلی‌ترین نه محور یاد شده، «الگوی حفظ جهت حرکت انقلاب اسلامی» می‌باشد و اصلی‌ترین محور «الگوی حفظ جهت»، تبیین مفهوم «جهت حرکت انقلاب اسلامی» است.

۱/۱/۱. کفایت تئوریزه کردن جهت حرکت جریان اجتماعی انقلاب اسلامی برای مدیریت تحولات اجتماعی، به عنوان پایه‌ی اصلی نقشه راه پیشنهادی

در واقع «ساخت نظامات اسلامی» مستلزم مدیریت تحولات اجتماعی جامعه ایران است و مدیریت تحولات اجتماعی، وابستگی تام به تئوریزه کردن جهت حرکت آن جامعه دارد و اگر جریان‌های اجتماعی ایران بتوانند جهت حرکت صحیح را تبیین و روشن کنند، خواهند توانست در عرصه‌های مختلف تحولات جامعه را به سمت «ساخت نظامات اسلامی» مدیریت نمایند.

۱/۱/۲. ارائه تبیین روشنی از جهت حرکت انقلاب اسلامی، مسأله اصلی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

بنابراین حرف اصلی در نقشه راه، ارائه تبیین روشنی از جهت^{۲۸} حرکت انقلاب برای مدیریت تحولات اجتماعی و در نهایت دستیابی و ساخت «نظامات اسلامی» است.

۱/۲. تبیین جهت حرکت انقلاب مستلزم تبیین مبنای حرکت انقلاب، شناسایی مراحل و اولویت های اصلی هر مرحله

اولین و اصلی ترین بحث در تبیین «جهت حرکت انقلاب اسلامی» بحث از مبنای حرکت انقلاب، و تبیین این مبنا است. دومین بحث برای تبیین «جهت حرکت انقلاب اسلامی»، تبیین مراحل حرکت انقلاب مبتنی بر مبنای مختار و سومی بخش تبیین «جهت» شناسایی و تبیین اولویت های موضوعی هر مرحله برای عبور از آن مرحله می باشد.

۲۸. در فصل دوم و چهارم یکی از موانع فهم ضرورت و چستی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، انحلال سؤالات ادبیات انقلاب در سؤالات متداول ادبیات کارشناسی موجود معرفی شد. جواب روشن نقشه راه برای رفع این آفت یا تبیین «جهت حرکت جمهوری اسلامی» قبل از هر کاری است. به عبارت ساده تر از جمله الزامات همهی همایش ها، نشست ها و کارگاه های علمی تبیین «جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی» می باشد. به عبارت دیگر سؤالات تأسیسی جمهوری اسلامی بدون تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی امکان شفاف سازی و فهم نخواهد داشت. پس از تبیین جهت قادر خواهیم بود هر سوالی را تبیین نماییم.

بنابراین تبیین «جهت حرکت انقلاب اسلامی» در گروه تبیین «مبنا، مراحل حرکت و شناسایی اولویت‌های موضوعی هر مرحله است.

۱/۲/۱. تبیین تفاوت میان دو اصطلاح اهداف انقلاب اسلامی و مبنای انقلاب قبل از تعریف مبنا

قبل از شروع بحث از مبنای انقلاب و برای جلوگیری از یکسان‌انگاری «مبنای انقلاب» با «اهداف انقلاب» لازم است که به صورت اختصاری تفاوت میان آن دو مشخص شود. هدف انقلاب تحقق اسلام است و اسلام یعنی عدالت، یعنی عزت، یعنی احیای نهاد خانواده و ... اما مبنا عبارت از فکری است که محقق‌کننده اهداف است، یعنی آن فکری که انقلاب می‌خواهد به وسیله آن فکر، اهدافش را محقق نماید. بنابراین مبنای هر حرکت اجتماعی، ایده و فکر محقق‌کننده اهداف آن حرکت می‌باشد.

۱/۲/۲. تعریف مبنای حرکت به «ایده‌محوری» محرک و انگیزه بخش غیر قابل تغییر، تقیه و تحریف در شرایط زمانی و مکانی متغیر

مبنای حرکت عبارت از "ایده محوری" است که حرکت و انگیزه از او و به خاطر تحقق او بوجود آمده است و شرایط زمانی و مکانی قادر نخواهد بود که مبنای یک حرکت را به هیچ عنوان تغییر دهد. البته امکان کند شدن حرکت به سبب شرایط زمانی و مکانی وجود دارد، ولی تغییر و تحول در مبنا قابل پذیرش نیست.

۱/۲/۳. «نظام‌سازی اسلامی» برای «تحقق شاخصه‌های اسلام»^{۲۹} در جامعه مبنای حرکت جمهوری اسلامی

اگر به دنبال تبیین جهت حرکت جریان انقلاب اسلامی یا جریان اسلام ناب^{۳۰} هستیم، پس تبیین مبنای حرکت و حیطه محوری حرکتی که در

^{۲۹}. «اقامه اسلام»

^{۳۰}. می‌توان جریان هویت انقلاب اسلامی را از دویست سال پیش که موجهای به اصطلاح مدرنیته به جامعه ایمانی و اسلامی ایران حمله کردند رصد کرد. جریاناتی بودند که در مقابل این موجهای مدرنیته قد علم کردند که حالا نمونه‌های تاریخی اش معروف است؛ از میرزای کبیر هست یا مرحوم شیخ فضل الله هست؛ مرحوم مدرس هست و سایر علمای بزرگ که حالا چند ده هزار نفرند که ما در حال جمع‌آوری اسامی اینها در یک دائرة المعارفی هستیم، فعلا تخمین اولیه حدود ۷ جلد کتاب قطور است یک جلد از آن هم به نام "چل چراغ‌های طاغوت شکن" منتشر شده است.

به هر حال می‌خواهیم بگوییم آن جریانی که در ۲۰۰ سال گذشته به این نتیجه رسید که باید مقابل موج‌های به اصطلاح مدرن برنامه ریزی بکند و بعد در انتهای این جریان ۲۰۰ ساله تشکیل حکومت داد؛ این را ما اسمش را "جریان انقلاب اسلامی" گذاشتیم. جریان انقلاب اسلامی در واقع از دل خود حوزه‌های علمیه برخاسته ولی کماکان یک رگه‌هایی از همان اول تا الان در حوزه‌های علمیه وجود دارد که هیچ وقت به ضرورت برنامه ریزی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی نرسیده و این رگه‌ها هست حالا شناسایی شخصیت‌هایشان هم خیلی کار سختی نیست. به هر حال می‌خواهم بگویم حوزه‌های علمیه در جریان غالب به این سمت گرایش پیدا کرده که ضرورت دارد برنامه ریزی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی صورت بگیرد.

ریشه‌های انقلاب را از ۲۰۰ سال پیش به این طرف می‌دانیم، به این مفهوم که در مقابله با تمدن مدرنیته جمعی از فقها به این جمع بندی رسیدند. تحریم تنباکو نقطه عطفی در این جریان است ولی قبل از آن هم حرکت‌های میرزا مسیح و جمعیت‌های دیگری هم قابل رصد هست و اگر با این دوستان ما که مشغول تألیف همین دائرة المعارف هستند یک مصاحبه ای صورت بگیرد آنها نقطه آغاز را غیر از حرکت میرزای

انقلاب شکل گرفته الزامیست. استنباطی که از «ادبیات انقلاب»، در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای تبیین مبنای حرکت انقلاب به کار رفته است، «نظام‌سازی اسلامی» برای «تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی» می‌باشد.

شیرازی دیدند. یعنی مراجع که اتفاقاً در مقابله با امواج مدرنیته و غرب‌گرایی خیلی هم فعال هستند ولی به هر حال نقطه علنی درگیری با حرکت میرزای شیرازی هست و نقطه شروع قطعاً قبل از آن بوده است.

خوب! باید مقایسه‌ای دائم صورت بگیرد و بررسی‌ای صورت بگیرد که مزیت جریان انقلاب اسلامی این است که در واقع فقهای تئوری پرداز آن هستند که زمان و مکان را بیشتر از هم دوره‌ای‌های خودشان شناختند. ۲۰۰ سال هم هست که اینجوری بوده است؛ شما حادثه مشروطه را واکاوی کنید بزرگان حوزه علمیه نجف و عراق با حوزه تهران اختلاف داشته‌اند؛ مرحوم صاحب‌عروه ایشان حاضر نمی‌شود قانون اساسی را تأیید کند ولی مرحوم آخوند خراسانی امضا می‌کند. امروز هم مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی صاحب‌عروه از بزرگان حوزه هست که کتاب عروه الوثقی ایشان مینا است و هم کفایه مرحوم آخوند. خوب! این اختلاف در نوع برخورد و مواجهه با مدرنیته به چه بر می‌گردد؟

اصل اختلاف از آن اول بوده است. به مرورکه جلو آمدیم تحولات تاریخی جامعه شیعه را به این نتیجه رسانده است که آن دسته از فقهایی که برنامه ریزی در مقابل تمدن مدرن و مبنای حرکتشان تحول شاخص‌های هویت اسلامی است کارآمدتر هستند برای حفظ اسلام. به هر حال یک دعوی ۲۰۰ ساله‌ای است که به نظرم امروز در حوزه‌های علمیه غلبه با جمعیتی است که مبنای انقلاب را پذیرفته‌اند. اگرچه جریان‌هایی هم در گوشه و کنار هم در حد ابلاغ خودشان را محدود دانستند، هیچ وقت در عرصه برنامه ریزی هم ورود پیدا نکردند.

۱/۲/۳/۱. تبیین بیشتر مبنای حرکت جمهوری اسلامی مستلزم تبیین دو مبنای رقیب و موثر در حرکت های اجتماعی ایران

برای تبیین «نظام سازی» به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی لازم است تا مبنای رقیب مبنای حرکت جمهوری اسلامی مورد مطالعه دقیق قرار گیرد، تا از ره گذر تبیین مبنای رقیب، تبیینی تفصیلی از «نظام سازی» ارایه گردد.

۱/۲/۳/۱/۱. تعریف دقیق مبنای حرکت جمهوری اسلامی نیازمند دویست جلسه بحث مفصل برای مقایسه دو مبنای رقیب و هم عرض مبنای حرکت جمهوری اسلامی

برای مقایسه دقیق و عمیق مبنای رقیب، مبنای حرکت جمهوری اسلامی، نیازمند حداقل دویست جلسه بحث هستیم. که به دلیل فقدان چنین فرصت وسیع در این مجال به صورت اجمالی به تبیین این مبنای رقیب خواهیم پرداخت.

۱/۲/۳/۱/۱/۱. مبنای «جریان روشن فکری» اولین مبنای تأثیرگذار بر حرکت انقلاب اسلامی برای ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون در ایران

با استقراء در فضای اجتماعی ایران از سالهای دور تا به امروز یکی از مبنای رقیب، «نظام سازی اسلامی» به جریان روشن فکری تعلق دارد. این مبنا که قدمتی به اندازه ورود مدرنیته به جامعه ایران را دارا می باشد از همان ابتدا به دنبال تسریع و تسهیل فرایند مدرنیزاسیون را در کشور بوده و هست.

۱/۲/۳/۱/۱/۱/۱ جریان روشنفکری

هدف اصلی جریان روشن‌فکری جامعه ایران بومی‌سازی مدرنیته در ایران است. این جریان ضمن معرفی مدرنیته به عنوان جامعه آرمانی و سعادت-بخش به انسان، همواره به دنبال ایجاد مدرنیته و بومی‌سازی آن در ایران بوده و تا به حال همه تلاش خویش برای رسیدن به این هدف را به کار گرفته است.

۱/۲/۳/۱/۱/۱/۲ عرض مبنای انقلاب

جریان روشن‌فکری در واقع در عرض انقلاب اسلامی عمل کرده و با به کارگیری مبنای خویش سعی می‌کند، فرمان‌بری پتانسیل‌های اجتماعی از محوریت ارزش‌های اسلامی را به محوریت ارزش‌های مدرن تغییر دهد.

این جریان با مبنا‌شناسایی هویت اسلامی مردم ایران به عنوان مانع اصلی مدرن‌سازی جامعه ایران، مبنای خویش برای تحقق مدرنیته در این جامعه را «اصلاح هویت اسلامی» قرار داده است.

این جریان با نفوذ در دانشگاه‌ها و برخی دستگاه‌ها به عنوان مشاور و کارشناس با ترسیم وضعیت کشورهای توسعه یافته، آینده‌ای مانند کشورهای توسعه یافته G8 یا در حال توسعه مانند گروه بیست را به عنوان آینده مطلوب خویش برای جامعه ایران معرفی کرده و با معرفی شاخصه‌های wdi

۳۱ زمینه حرکت کشور را به سمت توسعه یافتگی و مدرنیته فراهم نموده است.

۱/۲/۳/۱/۱/۲. انتخاب روش «تبلیغ شاخص‌های هویت اسلامی» برای تحقق «شاخص‌های هویت اسلامی»، روش جریان فهم سنتی از اسلام دومین مبنای هم عرض مبنای انقلاب اسلامی مبنای جریان فهم سنتی از اسلام است. وقتی از هدف این جریان سؤال می‌گردد، چیزی جز تحقق شاخص-های هویت اسلامی گفته نخواهد شد. بنابراین، جریان فهم سنتی از آغاز به دنبال تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بوده و همه تلاش خویش را برای تحقق این هدف به کار گرفته است.

اما اگر از آنها پرسیده شود روش آنها برای تحقق «شاخص‌های هویت اسلامی» چیست؟ «تبلیغ شاخص‌های هویت اسلامی» را به عنوان فکر و ایده محوری خویش برای تحقق آنها معرفی خواهند کرد. یعنی روش و راهکارشان برای محقق کردن اهداف انقلاب، تبلیغ است.

این جریان با که در جامعه ایران منشأ آثار می‌باشد، حیطة فعالیت خویش را به استنباط «شاخص‌های هویتی اسلامی» و ابلاغ این شاخصه‌ها محدود کرده است.

۳۱. شاخص‌های wdi در ۵ یا ۶ دسته خلاصه شده است به طور مثال: میزان استفاده مردم از اینترنت، میزان زایمان زیر نظر پزشک، میزان ابتلا به ایدز که در هر کشوری کمتر باشد، توسعه یافته تر است، از شاخصه‌های wdi است.

۱۱۰ تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

۱/۲/۳/۱/۱/۲/۱. ابلاغ شاخص‌های هویت اسلامی تنها فعالیت جریان اسلام سنتی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی؛ اصلی‌ترین این جریان جریان اسلام سنتی قبول دارد که «شاخص‌های هویت اسلامی» باید مبنای حرکت‌های اجتماعی باشد، ولی نهایت کاری که برای این کار انجام می‌دهد، ابلاغ این شاخص‌ها به صورت اجمالی به مردم و مسئولین می‌باشد.

بنابراین نقطه اشتراک جریان فهم سنتی از اسلام و جریان انقلاب اسلامی یا اسلام ناب در اهداف یعنی «تحقق شاخص‌های هویت اسلامی» واضح شد. تفاوت این دو جریان در روش تحقق این شاخص‌هاست.

۱/۲/۳/۱/۱/۳. «نظام‌سازی اسلامی» مبنای جریان انقلاب اسلامی برای تحقق «شاخص‌های هویت اسلامی»

امام خمینی^{علیه السلام} در بیانات مختلف خویش درباره مبنای پیشنهادی خویش مطالبی را فرموده‌اند که مضمون این فرمایشات این است که بدون حکومت و نظام‌سازی، اهداف انقلاب^{۳۲} محقق نخواهد شد.

۱/۲/۳/۱/۱/۳/۱. استفاده از کلمه شاخصه‌های هویت اسلامی برای مرزبندی با جریان روشنفکری

جریان انقلاب اسلامی و جریان فهم سنتی از اسلام با استفاده از اصطلاح «شاخص‌های هویت اسلامی» با جریان روشنفکری که معتقد به تحقق «شاخص‌های هویت مدرن» می‌باشد، مرزبندی می‌گردد. ولی جریان

۳۲. «تحقق شاخص‌های هویت اسلامی»

روشنفکر در تحقیقی دیدن شاخص‌های مطلوب خویش با جریان انقلاب اسلامی مشترک و با جریان فهم سنتی از اسلام اختلاف دارند.

جریان روشن‌فکری هیچ‌گاه تحقق آرمان‌های خویش^{۳۳} را به مردم واگذار نخواهد کرد، بلکه به‌دنبال تغییر در ساختارهای اجتماعی برای تحقق این اهداف است.

۱/۲/۳/۱/۱/۳/۲. استنباط شاخصه‌های هویت اسلامی و برنامه ریزی برای تحقق آن علت تمایز و تفاوت مبنای انقلاب با دو مبنای رقیب خود یعنی جریان روشن‌فکری و جریان اسلام سنتی

پس «نظام‌سازی اسلامی» مبنای جمهوری اسلامی، برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. یعنی باید شاخص‌های هویت اسلامی را استنباط کرده و برای تحقق آنها برنامه‌ریزی کرد.^{۳۴}

۳۳. «تحقق تمدن مدرن» و غلبه ارزشهای مدرن بر جامعه.

۳۴. وقتی ما ملاک را امکان اجرا می‌گذاریم، آیا این امکان وجود ندارد که بعد از مدتی احکام اسلام قلب شود؟ مثلاًش را هم بزنم. در بحث‌های فمینیستی گفت‌وگویی بود که یکی از فمینیست‌های دو آتشه داشت صحبت می‌کرد و گفت ما مجبور شدیم برای اینکه حرف‌مان را به جامعه ایران غالب کنیم سراغ این می‌رویم که مصلحت‌های امروز جامعه حکم می‌کند که مثلاً این حکم این‌گونه باشد. شاید چیزی شبیه به همان بحث زمان و مکان که شاید اگر تبیین درستی ازش نشود، اجازه می‌دهد که احکام به نسبت زمان‌ها و مکان‌ها و جامعه و نیازها عوض شود. یعنی آنجا که امکان تحقق ندارد، قلب شود. برای این شما چه راه کار و طرحی داشتید؟ حرف این است مصلحت‌های اجتماعی چقدر در اصل حکم تأثیر دارند؟ مثلاً شاید نشود در این شرایطی حکم سنگسار را اجرا کرد. شما حکم سنگسار را بر می‌دارید؟ و یا اینکه می‌گویید به خاطر تراحم، از این مسئله دست می‌کشیم. اما حکم همان است، فقط قابل اجرا نیست!

بحث تدرج در اجرای احکام که بحث سنگسار یکی از این مصادیق می‌شود، یکی از مسائل مطرح در مباحث فقهی است که به تحقق فکر می‌کند. یعنی اتفاقاً محل بحث جدی است. که اگر مبنای حرکت تان تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بود و تحقق احکام بود. حالا اینکه تدرج در احکام اصل هست یا نه، یک بحثی است. مثلاً تنزیل قرآن، یا مثلاً بحث شراب، تنزیلش تدریجی بوده است. یعنی به تدریج حکم حرمت آمده است. ابتدا آمده، «و لا تقربوا الصلوه و انتم سکرى». یعنی موقع نماز شراب نخورید. این در مراحل گفته شده که حالا شراب حرام است حتی خوردن یک قطره‌اش. من می‌خواهم به شفاف شدن سوال شما کمک کنم. حالا این جمعیت‌ها این سوال را مطرح می‌کنند، که اگر مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است، آیا مثلاً همان تدرج در تنزیل را می‌توانیم به تحقق هم تعمیم بدهیم؟ بگوییم که یک حکمی است که نمی‌شود محققش کرد. مادامی که نمی‌شود محققش کرد به معنای تعطیلی احکام نیست. معنایش این است که بعضی از احکام، زمینه‌ساز اجرای بعضی از احکام دیگر هستند.

مثلاً اگر شما حکم جهاد را اجرا نکنید، حکم نفی سبیل را که جزء احکام مسلم اسلام است را اجرا نکنید، بعداً نماز هم به خطر می‌افتد. یعنی اگر این را خوب پردازش کنید، ممکن است دریچه‌ای در فقه رو به روی شما باز شود که بعداً شما تقدم اجرای احکام را بر حکمی دیگر دارید. حالا این تقدم را نمی‌خواهیم انواع‌ش را بحث کنیم. تدرج در اجرای احکام در عینت مسلم است. یعنی گاهی اگر بخواهید حکمی را اجرا کنید، گاهی اثر معکوس می‌دهد. اصلاً نمی‌شود اجرائش کرد. مردم مخالفت می‌کنند و ممکن است به برخی از احکام پذیرفته شده ما هم سرایت کند. ولی اینکه «در استنباط این چه وضعیتی پیدا می‌کند؟» سوال خوبی است. که مثلاً آن سوالی که ما در حوزه تحول در فقه و تحول در حوزه داریم، یکی از مواردش همین است. ما از فقهای عظام شیعه سوال می‌کنیم که اگر شما پذیرفتید که اجرای احکام، تحقق از شاخص‌های هویت اسلامی، وظیفه فقها هست، تدرج را چه وضعیتی دارد؟ اجرا کنیم یا نه؟ بپذیریم یا نه؟ اگر هم قرار شد بپذیریم باید یک تبیین دقیق آکادمیک دانشگاهی از مسئله بشود. حالا اگر سوال این است که ما گفتیم، جزء مسائل است و نمی‌توانیم یک شبه اجرائش کنیم. و اینکه اجرائش نمی‌کنیم، معنایش این نیست که می‌خواهیم حکم را قلب کنیم. بگوییم این حکم در شرایط زمانی و مکانی امروز دیگر نسخ شده است. به قول آن آقایانی که در مقاله‌اش گفت باید یک سری احکام جدید نسخ شود. ما مرادمان این نیست. می‌گوییم باید برای اجرائش زمینه‌سازی کنیم. همین یک کلمه نیست که بگوییم تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. به نظر ما پردازش صحیح یک کلمه منجر می‌شود که در تفقه تحول ایجاد شود. یعنی حتماً یک سری قواعد فقهی و اصولی جدیدی نیاز است اگر شما بخواهید مسئله تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را مبنای حرکت جامعه اسلامی قرار دهید. بگوییم جامعه اسلامی با همه اهدافش یک هدف مرکزی دارد، می‌خواهد شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کند. حالا الزامات تحقق در استنباط تأثیر دارد یا ندارد، به قول و نظر صحیح تأثیر دارد و به نظر ما این جور است. ولی ما نمی‌خواهیم وارد این إن‌قلت‌های آقایان شویم. این محل بحث جدی است. یعنی به نظرم دعوای جدی در حوزه پیدا می‌کند و مخالفینی پیدا می‌کند. گرچه موافقین استخوان‌داری هم این بحث پیدا خواهد کرد.

۱/۲/۳/۱/۱/۳/۳. وجود جریان‌ات مختلف در چگونگی برنامه ریزی تحقق مبتنی بر اسلام در درون جریان معتقد به مبنای انقلاب اسلامی بحث‌های زیادی درباره نحوه برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی و مدل این برنامه‌ریزی مطرح است. برخی معتقدند که باید برنامه‌های «تحقق شاخص‌های هویت اسلامی» هم مبتنی بر اسلام باشد. جمعیتی دیگر معتقد به برنامه‌ریزی بر اساس عقلانیت هستند و نحله‌ها و گروه فکری دیگری که در این میان وجود دارند.

۱/۲/۳/۱/۱/۳/۴. تعریف حرکت امام خمینی علیه السلام به نو آوری به معنای نوآوری در روش تحقق اهداف اسلامی و نه تغییر در اهداف انقلاب بنابراین امام خمینی علیه السلام اهداف جدیدی برای مردم تعریف نکرد، بلکه خواص را متوجه این نکته نمودند که اهداف اسلامی، بدون نظام‌سازی اسلامی محقق نمی‌شود. پس مبنای جریان انقلاب، غیر از مبنای جریان فهم سنتی از اسلام است، اما هر دو اهداف مشترک هستند.

۱/۲/۳/۱/۱/۳/۴/۱. عدم امکان حفظ عزت و دفاع از مظلوم بوسیله تبلیغ به عنوان نمونه‌ای از اهداف اسلامی به عنوان مثال یکی از اهداف اسلامی، دفاع از مظلوم است. آیا در دنیای امروز با تبلیغ می‌توان از مظلوم دفاع تام کرد؟ یا باید ساختارهای اجتماعی، نظامی، سیاسی و اقتصادی لازم برای دفاع از مظلوم را هم داشته باشیم؟ اگر ساختارهای تشکیلاتی، امنیتی، نظامی و تبلیغی نداشته باشیم، حتی نمی‌توانیم

۱۱۴ تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

از خودمان دفاع کنیم و یا به طور مثال حفظ عزت، یک هدف اسلامی است، که با «تبلیغ» محقق نمی‌شود.

۱/۲/۳/۱/۱/۳/۵. تبیین بیشتر مبنای جریان انقلاب اسلامی به نظام‌سازی اسلامی در عرصه نظامات آموزشی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و ...
جریان انقلاب اسلامی با مبنای «نظام‌سازی اسلامی» به اداره جامعه ورود پیدا کرده است و فکر اصلی‌اش نظام‌سازی یعنی ساخت نظامات آموزشی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و غیره براساس اسلام است.

۱/۳. ضرورت بحث از مراحل «ساخت نظامات اسلامی» اداره جامعه؛ به علت تدریجی بودن تحقق هر مبنایی

پس از تبیین مبنای جریان اسلام ناب به عنوان اولین گام تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، ضروریست که گام‌ها یا مراحل تحقق این نظامات اسلامی را برای اداره جامعه طراحی و تبیین کنیم، زیرا زمانی قصد داشته باشید یک امری مانند «نظام‌سازی» را محقق کنید، لحاظ درجه‌بندی و مرحله‌بندی در آن اجتناب‌ناپذیر است؛ یعنی تحقق امری تدریجی است و حتما باید مقدمات و کارهای فکری لازم برای تحقق یک امر زمینه‌سازی گردد. اینک سؤال اصلی این است که «شاخص‌های هویت اسلامی» در چند مرحله محقق می‌شود؟

۱/۳/۱. تقسیم بندی مراحل تحقق مبنای جمهوری اسلامی به پنج مرحله و تبیین آن توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام

برای پاسخ به سؤال محوری این بخش ناچار به رجوع به فرمایشات آیت الله خامنه‌ای هستیم^{۳۵}. ایشان می‌فرمایند مبنای جمهوری اسلامی، یعنی اداره

^{۳۵}. ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکانپذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهیج عام و توده ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسؤولان کشور، رهبری و همه. مرحله ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی

جامعه بر مبنای دین^{۳۶} در پنج مرحله قابل تحقق بوده و این پنج مرحله را

شد، آن گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه کن می شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می آید؛ جایگاهش در روابط بین الملل ارتقاء پیدا می کند؛ این می شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می آید.

نمی توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم ما در کدام مرحله ایم؟ ما در مرحله ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده ایم. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه ریزی کردیم - «ما»، یعنی همانهایی که کردند - و الان یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آن جا معلوم است. مشخص است که مسؤولان چگونه باید باشند. قوای سه گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولتها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام باشد که قولش، فعلش و منمش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسانتر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در همه چیزش هدایت هست. وقتی آدمی مثل من در رأس کار باشد، البته کار کارگزاران مشکلتر است؛ ولی ثوابشان هم بیشتر است. اگر توانستند در این راه حرکت کنند، اجر الهی شان بیشتر خواهد شد. هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسؤولیتها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتان نسبت به حال مردم، رعایتان نسبت به شرع، رعایتان نسبت به بیت المال، اجتنابتان از خودخواهیها و خودپرستیها و رفیق بازیها و قوم و خویش پرستیها و اجتنابتان از تنبلی و بیکاری و بی عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام این کار را می کرد، یقیناً بیشتر است؛ چون او به امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نگاه می کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه مان وظیفه داریم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۲۰۴۲>

۳۶. «نظام سازی اسلامی.»

تبيين هم فرموده‌اند. ایشان تحقق «نظام‌سازی اسلامی» را در پنج مرحله؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی یا تمدن اسلامی تعريف فرموده‌اند.

۱/۳/۱/۱. انقلاب اسلامی یعنی اخذ اختیارات اجتماعی از غیر معتقدین به مرجعیت ارزش‌های اسلامی در اداره جامعه

مرحله اول نظام‌سازی اسلامی تشکیل حکومت است، چرا که تحقق یک امر بدون اختیارات اجتماعی ممکن نیست. بنابراین اولین مرحله تحقق «نظام-سازی اسلامی» اخذ اختیارات اجتماعی از کسانی است که به محوریت اسلام برای ارزش‌گذاری‌های اجتماعی در اداره جامعه اعتقاد ندارند.

از اخذ اختیارات اجتماعی به انقلاب سیاسی سال ۵۷ تعبیر می‌گردد، یعنی در انقلاب سیاسی سال ۵۷ در واقع از کسانی که معتقد به مبنای انقلاب نبودند سلب اختیار شد و کار به دست کسانی که معتقد به «نظام‌سازی اسلامی» هستند، سپرده شد.

۱/۳/۱/۲. نظام اسلامی یعنی تعريف هويت اجتماعی و اصول حرکت انقلاب در قانون اساسی برای ورود به ساختارها و برنامه‌ریزی اجتماعی

مرحله دوم تحقق مبنای حرکت انقلاب اسلامی، تعريف هويت اجتماعی-ست که قدرت لازم برای ورود به ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی به شما می‌بخشد. در واقع در این مرحله می‌بایست اصول حرکت‌تان برای تحقق مبنا را تعريف کنید. باز به نظر آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام ما این مرحله را

گذراندیم. ما اصول اساسی مان را، خصوصاً در اصول مقدمی قانون اساسی^{۳۷} و در تعیین نوع نظام تثبیت کردیم. بنابراین در گام دوم که در ادبیات انقلاب

^{۳۷}. یعنی گفتیم شاخص‌های هویت اسلامی بدون حضور مردم محقق نمی‌شود. چون وقتی می‌خواهیم محققش کنیم یعنی می‌خواهیم مردم محققش کنند. پس جمهوری را در نوع نظام آوردیم و این جمهوری یا حضور و مشارکت مردم یک قید «برای» دارد و آن «برای اسلام» است. پس چه در مقدمه‌ی قانون اساسی و چه در تعیین نوع نظام، ما اصول نظام‌مان را تعریف کردیم. الان مصری‌ها و بعضی کشورها که انقلاب کردند، هنوز در این مرحله هستند و هنوز از حرکت‌شان و از اصول حرکت‌شان تعریف ارائه ندادند. ولی ما از این مرحله عبور کردیم که آیت‌الله خامنه‌ای از این مرحله با نام مرحله نظام اسلامی یاد می‌کنند. جمهوریت برای اسلام، جمهوری برای اسلام، مشارکت برای اسلام. اینجا در بخشی از اصول قانون اساسی این تبیین می‌شود که یعنی چه؟ حتی آن قدر مسئله برای‌مان روشن و تبیین شده است که مثلاً آنجا که گفتیم تظاهرات و تجمع آزاد است، گفتیم به شرط ادب و عفت و اسلام. این مسلم و پذیرفته شده بوده است. یعنی شما از زمان صفوی که آمدید این طرف، در این سیصد- چهارصد سال مردم به پذیرش رسیدند که هویت اسلامی باید برای‌شان اصل باشد. یعنی اسلام را پذیرفتند. خوب این مرحله را هم ما عبور کردیم. پس مرحله نظام اسلامی یعنی مرحله اصول اصلی حرکت و بعد تحقق آن مبنای اهمیت این مسئله الان که حادثه بیداری اسلامی قابل رویت است مشخص می‌شود؛ در انقلاب ما بلافاصله، پتانسیل‌های بسیج‌کننده مردم برای حرکت ریشه‌هایش با هویت اسلام تعریف شد. امام(ره) تاکید داشتند که جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. در حقیقت هویت انقلاب اسلامی با اسامی چون جمهوری دموکراتیک، مصادره نشد. امروز یکی از مسائل و معضل‌های بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه، این است که عده‌ای می‌خواهند حرکت را یک‌طور دیگری تعریف کنند و به دنبال این هستند که قانون اساسی‌هایی که از این انقلاب‌ها بوجود می‌آید یک تعاریف دیگری بر آن حاکم باشد. پس بنابراین مرحله دیگری که پشت سر گذاشتیم این بود که هویت اجمالی حرکت خودمان یعنی حرکتی که مبتنی بر آن مبنای بود را تعریف کردیم که از آن به مرحله نظام اسلامی نام برده می‌شود.

وقتی گفته میشود، جمهوری اسلامی، یعنی برای تحقق مبنای حرکت جمهوری اسلامی _ همان تحقق شاخصه‌های اجتماعی اسلام- هم جمهور و هم اسلام باید در صحنه باشد. جمهوری اسلامی یعنی جمهور برای اسلام. ما این بحث را هم تبیین کردیم که اگر مردم نباشند نمی‌توانیم اسلام را محقق کنیم.

موسوم به مرحله «نظام اسلامی» است، قواعد اصلی در قانون اساسی تئوریزه و به تصویب رسیده و تعریف اجمالی شد که از آن به «نظام اسلامی» تعبیر می‌گردد. در واقع استقرار نظام جمهوری اسلامی مستقر می‌باشد و معنایش این است که با تعریف اجمالی هویت خویش اجازه ندادید که دیگران هویتی دیگر - که واقعیت نداشت - برای شما تعریف کنند.

۱/۳/۱/۳. دولت اسلامی، یعنی تغییر محوریت برنامه‌ریزی در ساختارها از محوریت شاخص‌های توسعه به محوریت شاخص‌های اسلام

مرحله سوم این است که پس از آن که اختیارات و رئوس اصلی حرکت تثبیت گردید نیازمند تغییر برنامه‌ریزی در ساختارهای اداره جامعه از برنامه‌ریزی به محوریت شاخص‌های توسعه غربی، به محوریت شاخص‌های اسلامی هستیم، که از آن به دولت اسلامی تعبیر می‌گردد.

در این مرحله توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی براساس شاخص‌های محقق‌کننده اهداف اسلامی انقلاب موضوع فعالیت‌های نظام می‌باشد. به تعبیر آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام امروز در این مرحله هستیم که از آن به مرحله دولت اسلامی تعبیر کرده‌اند.

۱/۳/۱/۳/۱. تبیین تمثیلی دولت اسلامی به لزوم تغییر برنامه‌ریزی از محوریت شاخص‌های توسعه به محوریت شاخص‌های اسلام

برای واضح شدن معنای دولت اسلامی به توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی براساس شاخص‌های هویت اسلامی به این مسأله توجه

بفرمایید؛ در جلساتی که در سال ۱۳۸۴ که در بعضی از ساختارهای نظام از جمله مرکز آمار ایران با کارشناسان این مرکز بود سؤالی از سوی ایشان مطرح شد؛ ایشان گفتند وظیفه‌ی دولت اداره است و ما هم یکی از سازمان‌های همین دولت هستیم و معتقد به بحث عدالت و ارتقای عدالت در جامعه می‌باشیم اما چگونگی محاسبه ارتقای عدالت را نمی‌دانیم، اگر محاسبه ارزش افزوده را بخواهید به راحتی قابل محاسبه است؛ ولی روش و معادله محاسبه عدالت مشخص نیست. پس توانمندسازی ساختارهای - دولت اسلامی - به معنای تولید تئوری‌ها و سازوکارهایی برای تعریف «شاخص‌های هویت اسلامی» با قابلیت محاسبه و برنامه‌ریزی برای تحقق و ارتقاء آنهاست.^{۳۸}

مسئله توانمندی ساختارها، مسأله مهمی است. برنامه‌ریزان نظام، اصل شاخص‌های هویت اسلامی پذیرفته‌اند اما به دلیل عدم تعریف تفصیلی شاخص‌های هویت اسلامی و روش محاسبه آنها به عنوان مثال از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت استفاده می‌کنند. این در حالی است که

^{۳۸} . نقشه راه پیشنهادی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، در واقع روش توانمندسازی ساختارها برای تحقق مبنای انقلاب اسلامی ست.

ضریب جینی یک معادله برای توزیع درآمدست و «توزیع درآمد» همه مفهوم عدالت نبوده و فقط با آن نسبت دارد.^{۳۹}

زمانی که عدالت به صورت تفصیلی تعریف نشده و روش محاسبه آن در اختیار نیست، به دلیل فشار مردم بر ضرورت تحقق عدالت؛ ضریب جینی^{۴۰} که معیار فاصله بین دهک ها می باشد، ملاک محاسبه عدالت قرار می گیرد.

۱/۳/۱/۳/۱/۲. توانمند سازی ساختارهای به معنای پشت سر گذاشتن مرحله دولت اسلامی

اگر ما بتوانیم این مرحله را با موفقیت به سرانجام برسانیم، به این معناست که ساختارهای ما قدرت برنامه ریزی بر این مبنا را برای شاخص های هویت اسلامی داریم. این یعنی مبنای ما دارد محقق می شود و به هر میزانی که محقق شد جامعه شما اسلامی شده است و از این مرحله که می گوئید شما دیگر از این دغدغه عبور کردید.

^{۳۹}. عدالت یک مفهوم حاکم و وسیع تر از توزیع درآمدهاست.

^{۴۰}. با این کار، شما پذیرفته اید جامعه ۱۰ دهک اقتصادی ست، وقتی این را پذیرفتید در واقع فاصله طبقاتی را پذیرفته اید؛ خوب یعنی اصل جوامعی که فاصله طبقاتی دارند را پذیرفته و معتقدید که فاصله طبقاتی نباید خیلی شدید شود. برای این کار با ضریب جینی فاصله بین طبقات جامعه محاسبه می گردد، یعنی در واقع از معادله ای ضد عدالت برای محاسبه عدالت استفاده می شود.

۱۲۲ تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

۱/۳/۱/۳/۱/۳. یکی دانستن پیشرفت اسلامی و توسعه غربی توسط
نخبگان کشور دغدغه اصلی امام خامنه ای علیه السلام

آیت الله خامنه ای علیه السلام یک فرمایشی دارند که می فرمایند متأسفانه ذهن نخبگان ما پیشرفت اسلامی و توسعه غربی را یکی حساب می کند، که باید برای این یک فکری کرد.^{۴۱} بنا بر فرمایش آیت الله امام خامنه ای علیه السلام در حدود ۲۰ سال است که در این مرحله هستیم.

پس ایران کشوری در حال اسلامی شدن است یعنی بخشی از شاخصه‌ها، مانند عزت، استقلال، آزادی و ... محقق شده و برخی دیگر محقق نشده است. دلیل اصلی عدم تحقق برخی از «شاخص‌های هویت اسلامی» این است که کارشناسان حاضر در بدنه وزارت‌خانه‌ها، شاخص‌های اداره جامعه اسلامی ایران را با شاخصه‌های توسعه غربی مقایسه کرده و به آنجا رفرنس می‌دهند.

۴۱. ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را میگویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند....
بخشی از بیانات معظم له در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ -

اگر نهادهای اداره‌کننده جامعه توانمند شوند، قادر خواهند بود که از سیطره ادبیات توسعه خارج شده و متوجه به برنامه‌ریزی براساس «شاخصه‌های اجتماعی اسلام» خواهند شد.^{۴۲}

۱/۳/۱/۴. جامعه اسلامی، یعنی تحقق شاخص‌های اجتماعی اسلام در جامعه

اگر شاخصه‌های اجتماعی اسلام موضوع برنامه‌ریزی ساختارهای توانمند شده نظام قرار گیرند، این شاخص‌های در جامعه محقق خواهند شد که در این صورت چنین جامعه‌ای «جامعه اسلامی» نامیده می‌شود. به عبارت ساده-تر جامعه‌ای را جامعه اسلامی گویند که ساختارهای آن جامعه برای برنامه-ریزی براساس شاخص‌های اسلام توانمند شده و موفق به تحقق آن‌ها و عینیت بخشی به آن شاخص‌ها شده باشد.

۱/۳/۱/۴/۱. تعریف جامعه اسلامی به برنامه‌ریزی در ساختارهای جامعه و تحقق آنها علاوه بر فهم تفاوت میان پیشرفت و توسعه

جامعه اسلامی یعنی اینکه نه تنها ساختارها تفاوت میان پیشرفت و توسعه متوجه شده باشند، بلکه توان برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های اسلام را

^{۴۲} . تعریف نقشه راه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به ترسیم چگونگی توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی بر مبنای جمهوری اسلامی.

۱۲۴تیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

هم پیدا کرد و موفق به اجرای احکام اجتماعی اسلامی شده و معارف اسلامی به نسبتی فهم غیر معصوم از اسلام محقق شده باشد.

۱/۳/۱/۵. تمدن اسلامی یعنی فراگیری و انتشار الگوی پیشرفت اسلامی محقق شده در ایران و گسترش آن به دیگر نقاط جهان

مرحله آخر تکمیل مبنای انقلاب اسلامی برای تحقق شاخص‌های اسلامی که همانا چکیده و نتیجه آن زمینه سازی ظهور و حاضر شدن در محضر امام معصوم علیه السلام است، انتشار این الگوی مبتنی بر اسلام به دیگر نقاط جهان است. از این مرحله به مرحله «امت اسلامی» هم یاد شده است.

به عبارت ساده‌تر پس از تکمیل موفقیت مبنای حرکت جمهوری اسلامی حالا و تحقق آن، درخشندگی این نوع از برنامه‌ریزی چشم دیگر ملت‌ها را جذب کرد و متقاضی ترجمه این الگو به شرایط اقلیمی و فرهنگی خویش خواهند شد.

بنابراین همه مراحل پنج‌گانه متناسب با مبنای جمهوری اسلامی است که از گرفتن اختیارات شروع و به ترجمه و انتشار الگوی منتج از مبنای خویش به بقیه ملت‌ها و مستضعفین عالم ختم می‌گردد.

۱/۴. تبیین موضوعات انتقال میان مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی به عنوان سومین مهره تبیین مفهوم جهت حرکت انقلاب اسلامی پس از تبیین مهره دوم تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، نوبت به تبیین آخرین مهره آن یعنی تبیین موضوعات انتقال میان مراحل تحقق مبنای انقلاب رسید.

۱/۴/۱. موضوع انتقال یعنی برنامه‌ریزی برای تحقق بخش قابل تحقق از مبنا با توجه به ظرفیت‌ها، اقتضائات و موانع تحقق مبنا در هر مرحله موضوع انتقال عبارت از اولویت‌های عبور از مراحل پنج‌گانه است. نکته مهم در این مسأله این است که اگر در شناسایی موضوع انتقال اشتباه رخ دهد و با توجه به ظرفیت‌های موجود در هر مرحله برنامه‌ریزی برای عبور از آن مرحله صورت نپذیرد، مردم و نظام متضرر خواهند شد.

مرحله بندی تحقق مبنای انقلاب اسلامی در پنج مرحله، به این معناست که پذیرفته‌ایم به صورت منطقی و عقلانی ظرفیت تحقق همه مبنا در یک مرحله وجود ندارد. پس به طور طبیعی بحث موضوع انتقال و اولویت‌های موضوعی هر مرحله مطرح می‌شود. به عبارت دیگر ابتدا باید یک مرحله کامل شود تا بتوان گام بعدی را برداشت.

به عبارت سوم موضوع انتقال در هر مرحله یعنی اینکه به عنوان مثال در مرحله انقلاب اسلامی یا نظام اسلامی هر چقدر از مبنا با توجه به ظرفیت-

های جامعه قابلیت تحقق دارد را شناسایی کرده و به عنوان موضوع اصلی تان در آن مرحله مورد برنامه‌ریزی قرار داده شود.

در یکی از فرازهای فرمایشات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام نقل به مضمون ایشان می‌فرمایند؛ مردم ایران مومن هستند ولی مومن به اسلامی که می‌شناسند. یعنی جامعه شیعه هنوز موفق نشده در مرحله استنباط و ابلاغ دین، اسلام را چنانچه هست، به مردم بشناساند. اما همان قدری را که به مردم شناسانده شده است، مردم به آن مومن و پایبند هستند.

حرفی که در بحث از موضوع انتقال گفته می‌شود، چیزی شبیه فرمایش ایشان است. گفته می‌شود که اگر در مرحله انقلاب اسلامی قرار داریم، فقط می‌توان حکومت اسلامی را مستقر کرد، در این مرحله ظرفیت و توان برداشتن ربا از اقتصاد کشور وجود ندارد، اما تشکیل حکومت اسلامی بخشی از شاخص‌های هویت اسلامی است.

۱/۴/۲. شناسایی موضوع انتقال هر مرحله به واسطه شناسایی موانع موجود در آن مرحله و موضوع مرتفع کننده‌ی آن مانع

شناسایی موضوع انتقال هر مرحله از مراحل پنج‌گانه تحقق مبنای انقلاب اسلامی بواسطه شناسایی موانع موجود در هر مرحله و همچنین شناسایی موضوع مرتفع کننده آن مانع امکانپذیر است. به عنوان مثال در کشوری مانند مصر، که به تازگی انقلاب کرده و طاغوت زمان خویش را کنار زدند اصلی-ترین دغدغه مردم عدم مصادره انقلاب بود که پس از گذشته مدتی متوجه

شدیم که این دغدغه، دغدغه درستی بوده و انقلاب مصر توسط آمریکا و ارتش خودفروخته آن مصادر شد.

چنین دغدغه‌ای در اوایل انقلاب مردم ایران وجود داشت. عده‌ای خواهان جمهوری دموکراتیک و یا هر عنوان دیگری را به عنوان نظام جایگزین حکومت سلطنتی بودند.

در بسیاری از انقلاب‌ها مانند انقلاب اخیر مردم مصر، اختیار به دست انقلابی‌ها افتاد، اما به دلیل نداشتن الگوی جایگزین یا تمایل به الگوهای مرسوم دنیا انقلاب آنها به سمت و سویی دیگر رفت و نهایتاً توسط استکبار جهانی، انقلاب آنها مصادره شد.

۱/۴/۲/۱. تبیین تئوری ولایت فقیه^{۴۳} توسط امام خمینی^{ره}، موضوع انتقال ما از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی

شاید فهم عقلانیت حضرت امام خمینی^{ره} مشکل باشد ولی شناسایی اولویت‌هایی که ایشان برای پیشبرد انقلاب لازم می‌دانستند ممکن می‌باشد. اصلی‌ترین اولویت حضرت امام^{ره} از شروع حرکت ایشان یعنی سال ۴۲ تا پیروزی انقلاب را می‌توان در جمله تاریخی «اسلام خودش حکومت دارد» ایشان یافت.

به بیان ساده‌تر بواسطه تبیین حکم «اسلام حکومت دارد» توسط امام خمینی^{ره}، پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، علی‌رغم تلاش‌های جهانی

^{۴۳}. اسلام خودش حکومت دارد.

استکبار و غفلت برخی از انقلابیون برای تحمیل نوعی از حکومت‌های مرسوم^{۴۴} دنیا، مانند جمهوری دموکراتیک اسلامی یا جمهوری ایران و...، نوع حکومت در ایران هیچ یک از اینها نشد، بلکه نوع حکومت در ایران نوع ابداعی از حکومت یعنی «جمهوری اسلامی ایران» گردید. لذا شما وقتی می‌بینید که نخست‌وزیر وقت به امام پیشنهاد می‌دهد که امام در انتخابات شرکت کنند، امام راحل در پاریس می‌فرماید اسلام خودش حکومت دارد.^{۴۵}

۴۵

۴۴

۴۵ . حضرت امام خمینی ره در سال ۴۸ درس خارج ولایت فقیه راه می‌اندازند در عراق. موضوع انتقال یعنی همان اولویت اصلی که باعث انتقال ما می‌شد از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله تأسیس جمهوری اسلامی، تبیین تئوری اسلام خودش حکومت دارد یا تئوری ولایت فقیه بود. اگر امام به غیر از این مسئله را می‌ایستادند، یعنی مسئله اصلی‌شان می‌شد یک مسئله دیگر، این انتقال واقع نمی‌شد. در مرحله‌ای که مردم می‌خواستند بیایند رای بدهند و قانون اساسی بنویسید، حتما شما مشروح مذاکرات قانون اساسی را دیده‌اید، از جمله بحث‌های جدی که حتی بعضی از آقایان روحانی داخل مجلس فهمش نکرده بودند، همین مسئله‌ی ولایت فقیه بود. لذا به نفعش هم وارد میدان نمی‌شوند.

من خاطره‌ای اینجا نقل می‌کنم که خوب است برای تبیین موضوع. مرحوم آیت الله سید منیرالدین حسینی‌الهاشمی از شیراز کاندیدا بود در خبرگان قانون اساسی. ایشان می‌گویند که بحث در گرفت در مجلس خبرگان روی موضوع اصل ولایت فقیه. ایشان می‌گویند که من ارزیابی‌ام این بود که اصلاً بحث جایافته است. لذا خیلی فضا به نفع روشنفکرها بود. آیت الله بهشتی تجدید وضو کرده بودند و داشتند بر می‌گشتند. بعد من رفتم خدمت ایشان به ایشان گفتم که ما برای چه این انقلاب و این حرکت را انجام داده‌ایم؟ بعد ایشان می‌گویند برای اسلام بوده. با ایشان صحبت کردیم که ایشان در دستور کار ۴۰ روز بررسی اصل مربوط به ولایت فقیه عقب انداختند. بعد ایشان می‌گویند که من در این ۴۰ روز، از نماز صبح تا شب از آقایان یکی یکی وقت می‌گرفتم و مسئله را تبیین می‌کردم، که اگر مسئله ولایت فقیه را

۱/۴/۲/۱/۱. تبیین اجمالی تئوری ولایت فقیه امام خمینی در جامعه ایران به جای نظام شاهنشاهی، موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی

پس اصلی‌ترین مانع مرحله «انقلاب اسلامی» عدم تبیین الگوی جایگزین رژیم شاه بود. اگر امام خمینی رضی الله عنه تئوری ولایت فقیه را به عنوان تئوری حکومت از سال‌ها پیش مورد بحث و گفتگو و تبیین قرار نمی‌داد، هیچ‌گاه انقلاب به مرحله نظام اسلامی انتقال پیدا نمی‌کرد^{۴۶}.

برنگردانیم به ولایت امر و به ولایت معصومین، برگردانیم به رای مردم چه اتفاقاتی می‌افتد. یعنی یک چنین فعالیت‌هایی در مجلس خبرگان شهید بهشتی و مرحوم آقای سید منیر و دیگران انجام دادند، که توانستند این را به پذیرش برسانند. حتی از امام که شروع کردند تا آن موقع برای بعضی‌ها جا نیافتاده بود. اینکه برای مردم، نخبگان و دانشگاهیان جا می‌افتد، مثل شهید آیت یا مرحوم آقای بهشتی، این اولویت بوده است. موضوع انتقال بوده است؛ تبیین اسلام خودش حکومت دارد. اگر ما این را رعایت نمی‌کردیم اصلاً وارد مرحله نظام اسلامی نمی‌شدیم، انقلاب می‌شد و وارد مرحله جمهوری دموکراتیک می‌شدیم. یک مسیر دیگر تبدیل می‌شد، مثل مشروطه. هر چند در مشروطه باز نظارت فقها را اسماً حفظ کردند، در قانون بود ولی اجرا نمی‌کردند. مرحوم مدرس برای همین قانون مشروطه بود که از نجف به ایران آمدند.

۴۶. بنابراین موضوع انتقال از مرحله «انقلاب اسلامی» به مرحله «نظام اسلامی» تبیین «تئوری ولایت فقیه» بوده است. پس از ورود به مرحله «نظام اسلامی» نوبت به برنامه‌ریزی برای عبور از مرحله می‌باشد. بالاخره ما در مرحله دولت اسلامی هستیم، نظام اسلامی مستقر شده، امام روی چه ایستاد تا این انقلاب منتقل شد؟ وقتی رفتند گفتند با دلی آرام امور را به دست آیت‌الله خامنه‌ای می‌سپارم و می‌روم. این اتفاقی که افتاد و تثبیت شد. ما ظرفیت تشکیل حکومت را داریم، پس بنابراین بعد از مرحله انقلاب اسلامی مرحله نظام اسلامی اولویت اصلی ما است و موضوع انتقال چگونگی برنامه‌ریزی برای تشکیل حکومت باید باشد. در این مسیر، یک کسی بیاید به همین بهانه‌ای که ما مبنایمان هویت اسلامی است ما را فرا بخواند به یک مرحله‌ای که ظرفیت اش را نداریم و مثلاً کارهایی انجام دهد که مربوط به مرحله ۲۰ سال بعد است،

۱/۴/۲/۲. ظرفیت‌سازی مفهومی و انسانی با در رأس امور قرار گرفتن جنگ توسط امام علیه السلام علت انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی

براساس تصریح مقام معظم رهبری در سخنرانی در دانشگاه فردوسی مشهد، امروز کشور در مرحله دولت اسلامی می‌باشد، یعنی از مرحله «نظام اسلامی»

شمی نخواهد داشت. مثلاً فرض بفرمایید در فاصله سال ۴۹ تا ۵۷ یک جمعیت‌هایی بودند که می‌گفتند الان الگوهای پیشرفت اسلامی باید تولید شود، دقت کنید در آن زمان هنوز ما حکومت تشکیل نداده بودیم، ولی آن‌ها این موضوع را مطرح می‌کردند، خوب طبیعتاً این موضوع در درک و ظرفیت مردم نبود و اگر هم درکش می‌کردند نمی‌شد بدون تشکیل حکومت انجام شود و ابزار اجرایش نبود، نیروی انسانی اش را نداشتیم، اصلاً فکرش تبیین نشده بود؛ پس بنابراین مسئله موضوع انتقال که ما عرض کردیم مسئله مهمی است. موضوع انتقال یعنی محاسبه آن مقدار از مبنا که الان ظرفیت تحقق اش وجود دارد.

اگر شما این محاسبه را اشتباه انجام دهید و بیایید اضافه بر ظرفیت تقاضای تحقق مبنا را بکنید معنایش این است که هم فرصت آن مقدار قابل تحقق را از بین بردید، هم جامعه را دچار یک حالت شعارزدگی کردید؛ چون این تحقق قطعاً پیدا نخواهد کرد با شعار شما، نتیجه این اشتباه آن است که جامعه را به این نتیجه می‌رسانید که ما حرکت کردیم ولی نشد یعنی جامعه را دچار حالت ناامیدی می‌کنید؛ به مردم گفتید بیایید در صحنه فلان چیز را محقق کنیم، چون ظرفیت و زمینه اش نیست محقق نمی‌شود و مردم نسبت به اصل مبنا دچار تزلزل می‌شوند. اختیارات فقیه و مسئله حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است یعنی بخشی از مبنا است ولی همان بخش در آن سالها قابلیت تحقق داشت یعنی امام راحل عظیم‌الشان، بعد از مرحله انقلاب اسلامی را که انجام دادند ما به سلامت منتقل شدیم به مرحله نظام اسلامی. یک علتش این است که امام تمرکز داشتند به تبیین پدیده حکومت اسلامی و تئوری ولایت فقیه. البته امام مسئله ولایت فقیه را برای ائتلاف مختلف، علی‌الخصوص برای روحانیت از سال‌های دهه چهل تبیین کردند. لذا وقتی بحث جمهوری اسلامی مطرح شد تئوری مبنایی آن جا افتاده بود. بعد از انقلاب، تلاش‌هایی که روشنفکران و دیگران کردند منجر نشد که مسیر انقلاب منحرف بشود، حتی شما اگر فعالیتهای گروه‌های روشنفکری را در خبرگان قانون اساسی مطالعه کنید آنها حتی نتوانستند در قانون اساسی بندهایی را به نفع خودشان کاملاً محقق کنند؛ البته فشارهایی که آوردند خوب باعث شد در قانون اساسی ما اختیارات فقیه همه آن منعکس نشود اما به صورت کلی اصل ولایت فقیه گنجانده شد

به مرحله «دولت اسلامی» انتقال یافته است. سؤال اساسی اینجاست که امام علیه السلام برای عبور از مرحله «نظام اسلامی» و ورود به مرحله «دولت اسلامی» چه چیزی را مانع می‌دانسته و برای رفع این مانع چه مسأله‌ای را در راس برنامه‌ریزی قرار دادند؟

۱/۴/۲/۲/۱. فقدان نیروی متخصص و متعهد و توانمند برای اداره داخلی کشور و فقدان تعریف روشن از حکومت ولی فقیه در جهان، مانع اصلی انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی

وقتی که نظام اسلامی تشکیل شد به دلیل جدید بودنش کادر کارآمدی نداشت و فهم افراد انقلاب هم به قدری بود که فقط اجمالاً به وسیله ی آن بشود نظام را سر پا نگه داشت. در بیرون از کشور هم اصلاً درکی از نظام اسلامی وجود نداشت؛ مثلاً وقتی می‌خواستند توضیح دهند که یک حکومتی در جلوی آمریکا قرار گرفته از اصطلاح ضدامپریالیسم، برای حکومت ما که با آمریکا درگیر است، استفاده می‌کردند. حتی در درون هم روشن‌فکران می‌گفتند انقلاب را ضدامپریالیسم معرفی می‌کردند.^{۴۷}

^{۴۷} . پس در آن موقع نه نظام مفاهیمی داشتیم و نه کادر کارآمدی که حداقل مسئولیت های اساسی را به عهده بگیرد. لذا مجموعه حوادث امنیتی که در اول انقلاب و در اوج خود جنگ تحمیلی و آن کوره ی ۱۰ ساله ای که به وجود آمد باعث تربیت یک سری نیروی اسلامی مطابق فرهنگ امام و انقلاب تربیت شد . که آنها بوسیله ی مجموعه کارآمدی هایی که در مجموعه ی کار جنگ ایجاد شد ؛ مثل فرهنگ ایثار و شهادت، در جامعه علت تثبیت نظام اسلامی شد. همین که نظام اسلامی تثبیت شد زمینه برای اصلاح ساختارها شروع شده و ما وارد مرحله ی دولت اسلامی شدیم. پس موضوع دفاع مقدس که ما به فرموده ی

هم‌زمان با بروز و ظهور این مشکلات بود که هنوز چند ماه از اعلام رسمی «جمهوری اسلامی» به عنوان نوع حکومت مورد پسند اکثریت مردم ایران نگذشته بود که خبر شروع جنگ در سراسر کشور منتشر شد و از همان ابتدای جنگ تحمیلی تا پایان آن، امام علیه السلام یک کلام ویژه داشتند، ایشان می‌فرمودند؛ «جنگ در راس امور است.»^{۴۸} ظاهر این عبارت ابتدا این مطلب را

امام راحل آنرا در رأس امور قرار دادیم مانع عدم توانمندی داخلی برای استقرار نظام را برداشت. بتوانیم دولت خودمان را اداره بکنیم. یعنی اگر به پدیده‌های جنگ با نگاه بصیرانه نگاه بکنیم، اگر این جنگ را نداشتیم، نیروهای حزب الله توانایی اداره ی کشور را نداشتند. هم مردم و هم دنیا باور کردند.

یعنی اگر پدیده جنگ نبود ما ظرفیت اداره یک حکومت توسط نیروهای حزب اللهی بدست نمی آوردیم یعنی پایه گذاری استقرار کشور به وسیله جنگ اتفاق افتاد. یعنی به نظرم موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلید جمله "جنگ در راس امور است" اتفاق افتاد. بعدها تبیینی که امام علیه السلام فرمودند راجع به مسئله جنگ فرمودند جنگ برای ما یک نعمت بود و خواص آن را دیدیم. به نظر من از آن موقع بود که انقلاب صادر شد و از آن موقع بود که استقرار کشور پایه گذاری شد .

^{۴۸} . پیام برائت به زائرین بیت الله الحرام

از آن جا که جنگ در رأس امور و برنامه های کشور ماست، جهانخوااران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و رو به زوال غفلقیان، تلاش گسترده ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته اند تا بعد از آن همه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند.

به ذهن متبادر می‌سازد که مسأله فقط حفظ جغرافیای ایران است. ولی باطن قضیه همان طور که امام علیه السلام فرمودند: «جنگ برای ما یک نعمت بود.»^{۴۹}

ایشان در مقاطع دیگر از دفاع مقدس فرمودند؛ «این جنگ بود که اسلام را صادر کرد.»^{۵۰} یعنی مسأله جنگ علت ایجاد خودباوری و ظرفیت و توانایی

^{۴۹}. بیانات امام خمینی علیه السلام در جمع گروهی از دانشجویان دانشکده افسری، اعضای دایره مدیریت مهمات لجستیکی، پرسنل پایگاه نیروی هوایی شیراز و هوانیروز تهران و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: این جنگ پیش آمد و یک سال و نیم تقریباً طول کشیده است و ثمرات بزرگی برای ما داشته است که اول غافل بودیم و کم کم متوجه شدیم. یکی از ثمرات بزرگ این، این تحرک بی سابقه است که در جوانهای ما در جبهه ها و پشت جبهه ها این تحرک بزرگ حاصل شده است و کانه از آن رخوت و سستی که برای اشخاصی است نشسته اند و کارهای معمولی را می کنند این رخوت و سستی از بین رفته است و جای خودش را به فعالیت و تحرک داده است که امروز ارتش ما، سپاهیان ما، بسیج ما و عشایر ما و ملت ما، چه در جبهه و چه در خارج جبهه فعالند و متحرک و در مقابل همه ناگواری ها ایستاده اند و جنگ را برای خودشان گوارا می دانند برای اینکه جنگ ما دفاع است هجوم نیست و جنگ دفاعی از تکلفهای شرعی و وجدانی و انسانی همه است و از چیزهایی که ما متوجه قبلاً نبودیم و بعد متوجه شدیم این است که این مثنی که شما جوانان ما و ارتش ما و پاسداران ما و سایر قوای مسلح و امدادی به دهان این مهاجمین زدید این یک عبرتی می شود از برای دیگر حکام جوری که شاید یک وقت در مغز خودشان این تخیل پیش آمده است که ایران به هم ریخته است و خوب است که ما هم یک هجومی بکنیم.

صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۲۴۰ الی ۲۴۱ ۱۱/۰۹/۱۳۶۰

^{۵۰}. بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشکده افسری، اعضای دایره مدیریت مهمات لجستیکی، پرسنل پایگاه نیروی هوایی شیراز و هوانیروز تهران و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این جنگ پیش آمد و یک سال و نیم تقریباً طول کشیده است و ثمرات بزرگی برای ما داشته است که اول غافل بودیم و کم کم متوجه شدیم. یکی از ثمرات بزرگ این، این تحرک بی سابقه است که در جوانهای ما در جبهه ها و پشت جبهه ها این تحرک بزرگ حاصل شده است و کانه از آن رخوت و سستی که برای اشخاصی است نشسته اند و کارهای معمولی را می کنند این رخوت و سستی از بین رفته است و جای

خودش را به فعالیت و تحرک داده است که امروز ارتش ما، سپاهیان ما، بسیج ما و عشایر ما و ملت ما، چه در جبهه و چه در خارج جبهه فعالند و متحرک و در مقابل همه ناگواری‌ها ایستاده‌اند و جنگ را برای خودشان گوارا می‌دانند برای اینکه جنگ ما دفاع است هجوم نیست و جنگ دفاعی از تکلفهای شرعی و وجدانی و انسانی همه است و از چیزهایی که ما متوجه قبلا نبودیم و بعد متوجه شدیم این است که این مشتی که شما جوانان ما و ارتش ما و پاسداران ما و سایر قوای مسلح و امدادی به دهان این مهاجمین زدید این یک عبرتی می‌شود از برای دیگر حکام جور که شاید یک وقت در مغز خودشان این تخیل پیش آمده است که ایران به هم ریخته است و خوب است که ما هم یک هجومی بکنیم.

صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۲۴۰ الی ۲۴۱ ۱۱/۰۹/۱۳۶۰

دیدار مسؤولین و گروه کثیری از امت حزب الله در سالروز ولادت حضرت امام زمان (عج)

چه قدر تبلیغات جهانی این جمله‌ی امام عزیز و فقیدها را کوبیدند که فرموده بودند: ما انقلابمان را به همه‌ی عالم صادر خواهیم کرد. صدور انقلاب به معنای این نبود که ما برمی‌خیزیم و با قوت و قدرت به این طرف و آن طرف می‌رویم و جنگ راه می‌اندازیم و مردم را به شورش و انقلاب وادار می‌کنیم؛ مقصود امام به هیچ‌وجه این نبود. این کار جزو سیاستها و اصول ما نیست؛ بلکه مردود است. آنها این جمله را این‌گونه معنا کردند و آن را کوبیدند.

معنای صدور انقلاب این است که ملت‌های دنیا ببینند یک ملت، با قدرت خود و با اتکاء به اراده و عزم خویش و با توکل به خدا می‌تواند ایستادگی کند و تسلیم نشود. اگر ملتها این پایداری را دیدند، باور خواهند کرد و تشویق خواهند شد که خودشان را از زیر بار ظلم نجات بدهند. امروز شما واضحت‌ترین حرکات مسلمین را در جاهایی می‌بینید که سال‌های متمادی مسلمان‌های آن‌جا زیر فشار بودند؛ مثل کشمیر و سایر کشورهایی که امروز مسلمانها سر بلند کرده‌اند. البته، بر اینها فشار خواهند آورد و فشار آوردند و ظلم کردند؛ اما فشار به معنای از بین بردن نتیجه‌ی کار نیست. فشار قادر نیست که یک حرکت مستمر و متوکل بر خدا را متوقف بکند؛ بلکه گاهی فشار، آن حرکت را وسیعتر هم خواهد کرد.

شما اگر امروز به مردم فلسطین در داخل سرزمین‌های اشغالی نگاه کنید، می‌بینید که حقیقتا مردم با فشار مبارزه کردند. این مبارزه در شرایط سختی در فلسطین انجام می‌گیرد؛ اما مردم این مبارزه را ادامه دادند. همین ملت افغانستان که با سختی‌های بسیار مواجه شدند و در سرتاسر دنیا هیچ‌کس نبود که حتی یک روز به داد آنها برسد و به آنها کمک کند، تنها و مظلومانه جنگیدند و ایستادند و ادامه دادند. بقیه‌ی ملتها هم همین‌گونه‌اند و این از الگوی اسلام و جمهوری اسلامی در ایران ناشی می‌شود. انقلاب، این‌طور صادر می‌شود و درس و تعلیم و سرمشق برای ملتها به وجود می‌آورد.

آنچه که امروز دستگاه استعماری امریکا و اذئاب او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره‌ی مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای ۲۲/۱۲/۱۳۶۸

پیام براثت به زائرین بیت الله الحرام

از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه های اسلامی شماست و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما انشاءالله دفاع خواهد کرد و به آنان بگوید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت های تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می کنیم.

صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۱۰۹ الی ۱۳۳ ۰۶/۰۵/۱۳۶۶

بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده سپاه، نماینده امام در سپاه و اعضای شورای مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مسئله دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته ام ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است، در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته اند. باید با تبلیغات صحیح اسلام را آنگونه که هست به دنیا معرفی نمایید. وقتی ملت ها اسلام را شناختند قهراً به آن روی می آورند و ما چیزی جز پیاده شدن احکام اسلام در جهان نمی خواهیم. من به شما نصیحت می کنم که حیثیت و وجهت خود را در میان مردم حفظ کنید.

صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۲۰۰ ۲۹/۰۷/۱۳۶۰

بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی

معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند نجات بدهد.

صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۱۲۶ الی ۱۲۷ ۲۸/۰۷/۱۳۵۹

اداره امور کشور گردید و اگر این توانایی و ظرفیت برای اداره کشور ایجاد نمی‌شد، انقلاب نمی‌توانست وارد مرحله بعد یعنی «دولت اسلامی» شود. لذا جنگ علاوه بر حفظ استقلال کشور، به واسطه شرایط سخت جنگی و تحریم‌هایی که استکبار جهانی علیه ایران وضع کرده بود، علت تربیت مدیران آینده نظام در رده‌های مختلف و تبیین مفهوم حکومت ولایت فقیه به عنوان یک حکومت اسلامی ضد استکباری در داخل و خارج از کشور گردید.

بنابراین مسأله «جنگ در راس امور است»، موضوع انتقال از مرحله «نظام اسلامی» به مرحله «دولت اسلامی» است. به همین دلیل بود که امام ره برای جلوگیری از لطمه به جنگ، از تغییر میرحسین موسوی به عنوان نخست‌وزیر دولت آیت الله امام خامنه‌ای ره، جلوگیری کرد.

اگر چه انقلاب توانسته است مبنای خویش را-نظام‌سازی اسلامی- در مرحله «نظام اسلامی» به پذیرش برساند، ولی معنای این حرف آن نیست که در حال حاضر توانایی اداره براساس «شاخص‌های هویت اسلامی» را داریم؛ بلکه معنایش این است که ۸ سال جنگ باعث شد که ظرفیتی برای اداره کشور و حرکت به سمت تحقق مرحله سوم «نظام‌سازی اسلامی» در کشور

ایجاد شود. بعد از جنگ همه دنیا ظرفیت ایران را به رسمیت شناخته و یک هویت ملی و باور عمومی نسبت به کارآمدی نظام اسلامی ایجاد گردید.

البته خود جنگ موضوع انتقال نبوده است، بلکه مدیریت جنگ توسط امام علیه السلام علت انتقال از نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی بوده است.

۱/۴/۲/۲/۲. تعریف مرحله فعلی به دولت اسلامی و مرحله آینده به جامعه اسلامی

انقلاب در حال حاضر، در مرحله «دولت اسلامی» می‌باشد و آینده انقلاب نیز که باید به آن مرحله منتقل شویم، مرحله «جامعه اسلامی» است. سوال اساسی در این مرحله این است که موضوع انتقال از مرحله فعلی یعنی «دولت اسلامی» به مرحله آینده یعنی «جامعه اسلامی» چیست؟ پاسخ به این سوال به معنای توانایی مدیریت تحولات کشور می‌باشد.

۱/۴/۲/۳. تعریف موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی به «تولید الگوی پیشرفت اسلامی» برای توانمندی ساختارهای نظام

تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است. معنای این حرف آن است که بدون تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» قادر به ساخت «جامعه اسلامی» مدنظر انقلاب نخواهیم بود. بنابراین پرسش اصلی در این مرحله سؤال از چگونگی تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» است.

تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» یعنی آنچه موجب توانمندی ساختارهای نظام برای برنامه‌ریزی جهت تحقق مبنای انقلاب اسلامی می‌شود. اگر «الگوی پیشرفت اسلامی» در اولویت همه ارکان نظام و مردم قرار گیرد و به همه موضوعات ترجمه شود، خواهیم توانست انقلاب را به مرحله بعدی یعنی تحقق «جامعه اسلامی» وارد کرد.

در واقع دولت اسلامی، دولتی است که برای تحقق مبنا توانمند باشد. در حال حاضر ساختارهای جامعه متأثر از شاخص‌های توسعه جهانی WDI بوده و برای تحقق شاخص‌های WDI توانمند هستند، نه تحقق شاخص‌های هویت اسلامی.

در مرحله نخست تئوری «ولایت فقیه» مانع انتخاب «لیبرال دموکراسی» به عنوان یک نوع مرسوم حکومت در دنیا شد، یعنی اگر تئوری ولایت فقیه نبود یا تبیین نمی‌شد در همان ابتدای کار، انقلاب با مانع لیبرال دموکراسی برخورد می‌کرد که نتیجه وجود چنین مانعی عدم پذیرش اسلام به عنوان مرجع ارزش‌گذاری در جامعه است. با در «رأس امور قرار گرفتن جنگ»، مانع نداشتن کادری مسلط و پخته بر روی مبنای انقلاب برداشته شد و با تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» مانع «برنامه‌ریزی براساس شاخص‌های WDI» برداشته خواهد شد.

بنابراین مانع اصلی مرحله سوم انقلاب، برنامه‌ریزی‌های مدرن که متأثر از مفهوم توسعه غربی است می‌باشد.

۱/۴/۲/۳/۱. تفاوت توانمندسازی ساختارهای نظام در مرحله سوم و مرحله اول در توانمندسازی برای استقرار نظام مثل سپاه پاسداران در مرحله اول و توانمندسازی در مرحله سوم به توانمندسازی همه جانبه ممکن است در ذهن برخی این اشکال ایجاد شود که انقلاب در مرحله اول خویش اقدام به ایجاد ساختارهای مانند جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، کمیته امداد و ... کرده است و دیگر نیازی به ساختارسازی نیست یا سؤال شود که تفاوت این دو نوع توانمندسازی ساختار در ابتدای انقلاب و در مرحله سوم انقلاب چیست؟ در پاسخ باید گفت که در مرحله «دولت اسلامی»، موضوع اصلی توانمندسازی ساختارها، به صورت همه جانبه است، اما در مرحله اول انقلاب، به دلیل نیاز انقلاب به ساختارهای نو در بخشی از بخش‌ها، یک سری توانمندسازی بخشی، که فقط برای استقرار نظام بوده است انجام شده است.^{۵۱}

از سوی دیگر توانمندسازی ساختارها در مرحله اول و دوم انقلاب به دلیل فقدان زمان و فضای لازم برای ترمیم ساختارهای موجود، علیرغم اعتقاد به ضرورت ترمیم ساختارهای اجتماعی بوده است.

^{۵۱} . براساس فرمایشات آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام «نظام‌سازی» و اصلاح ساختار حکومت، امری تدریجی است. اگر به فرض «نظام ریاستی» ۲ درجه ما را به آرمان‌های انقلاب نزدیک می‌کند و «نظام پارلمانی» دو و نیم درجه، نظام پارلمانی را جایگزین خواهیم کرد. کلیددار اصلی نظام می‌گوید ساختارها اولویت ندارند و باید به نفع آرمان‌ها تغییر کنند.

۱۴۰تبيين اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

معنای این حرف این است که به صورت اجمالی همه مسئولین و مردم می- دانستند که ساختارها باید تغییر کند، اما به دلیل عدم تثبیت نظام و ایجاد یک جنگ جهانی از سوی دنیای استکبار و هم پیمانانش به انقلاب نوپای مردم ایران، همه توان کشور صرف حفظ انقلاب گردید. لذا قطعاً آغاز مرحله «دولت اسلامی» بعد از جنگ تحمیلی مصادف با آغاز امامت اجتماعی آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام شروع مرحله توانمندسازی ساختارها یعنی دولت اسلامی می‌باشد.

و همان‌طور که گذشت، در این مرحله، برنامه ریزی ضد مبنای انقلاب اسلامی که در همه دنیا حکمفرماست مانع اصلی «تحقق شاخص‌های هویت اسلامی» است.

۱/۴/۲/۳/۲. نقد مسأله محور مفهوم توسعه از آغاز امامت اجتماعی امام خامنه‌ای علیه السلام با طرح مفاهیمی همچون عزت، حکمت، مصلحت و عدالت تعریف «توسعه غربی» به عنوان مانع اصلی مرحله سوم انقلاب به مجموعه مفاهیمی که منجر به برنامه ریزی مدرن می‌گردد. حذف این مفاهیم از نقد مسأله محور توسعه شروع شده و به تولید «الگوی اسلامی پیشرفت» ختم می‌گردد

از این روست که آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام در آغاز امامت اجتماعی‌شان بر روی مفاهیمی همچون «عزت، حکمت، مصلحت»، «عدالت»، «علوم انسانی اسلامی» و ... تاکید کرده و مشغول به نقد مسأله محور مفهوم توسعه هستند.

۱/۴/۲/۳/۳. عدم ظرفیت نقد مبنایی و ساختاری توسعه دلیل نقد مسأله محور برای حفظ شاخصه های اسلامی موجود و ایجاد ظرفیت لازم برای نقد مفاهیم توسعه توسط امام خامنه‌ای علیه السلام

از جمله دلایل نقد «مسأله محور» به جای نقد مبنایی و ساختاری توسعه و مفاهیم آن و تبیین ضدیت توسعه با عدالت، فقدان فضا و ظرفیت اجتماعی لازم در اوایل انقلاب برای طرح علمی و آکادمیک مباحث بوده است. تأکید آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام شاخص‌هایی مانند عدالت طی سالیان متمادی و زنده نگه داشتن این شاخص‌ها، به صورت تدریجی زمینه را فهم ضدیت توسعه با مبنای اسلامی را توسط جامعه ایجاد کرد.

۱/۴/۲/۳/۴. عدم توجه بسیاری از نخبگان و مسئولین به مسئله الگوی پیشرفت و حرکت به سمت دولت های توسعه گرا در دهه عدالت و پیشرفت علیرغم بستر سازی های امام خامنه‌ای علیه السلام

البته برخی از خواص علیرغم بسترسازی آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام هنوز دنبال دولت توسعه‌گرا بوده و بزرگ‌ترین انحراف را، انحراف از توسعه و سازندگی می‌دانند^{۵۲}.

بنابراین همان‌طور که در مرحله دوم جنگ در راس امور بود، در مرحله «دولت اسلامی»، تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» در راس امور است. به

^{۵۲}. پایگاه اطلاع رسانی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: حجت الاسلام هاشمی

رفسنجانی، بزرگترین انحراف را انحراف از توسعه و سازندگی کشور دانست.

عاقبت شعار "نفت در جیب مردم" می شود امروز / <http://www.hashemirafsanjani.ir/content/>

۱۴۲تبيين اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

عبارت دیگر همان‌طور که قوام «نظام اسلامی» و علت انتقال از این مرحله به مرحله «دولت اسلامی» پدیده دفاع مقدس بود، انتقال از مرحله «دولت اسلامی» به «جامعه اسلامی»، مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» است.

پس تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» عدل «جنگ و ولایت فقیه» اهمیت دارد.

۱/۴/۲/۳/۵. عدم امکان وجود بیش از یک موضوع انتقال در هر مرحله از مراحل پنج‌گانه تحقق مبنا

بر اساس بحث‌های گذشته می‌توان گفت که موضوع انتقال همیشه و در هر مرحله یک موضوع می‌باشد. یعنی همیشه یک اولویت اصلی وجود دارد که با رعایت لوازم تحقق آن موضع انقلاب از یک مرحله به مرحله بعد منتقل می‌گردد.

۱/۴/۲/۳/۶. موضوع انتقال مهمترین بخش تبیین و حفظ جهت به علت اهمیت آن در مدیریت فرآیند انتقال

موضوع انتقال اگر چه رکن سوم جهت است، ولی از حیث اینکه کلیدواژه مدیریت فرآیند انتقال نظام از یک مرحله به مرحله بعد است مهمترین بخش جهت نیز می‌باشد.

به عبارت دیگر اگر موضوع انتقال یک مرحله فهم نشود، بخش‌های جامعه نمی‌توانند در فرآیند انتقال انقلاب از یک مرحله به مرحله بعد نقش ایفا

کنند، ولو اینکه مبنا و مراحل را متوجه شده باشند و به اسم تحقق اسلام مانع تحقق اسلام می شود

۱/۴/۲/۳/۷. تعریف بانک سؤالات ایده ای برای درگیری نخبگان با مسئله الگو و توانمندسازی ساختارها

ایده ای به نام بانک سؤالات در اولین نقشه راه «الگوی پیشرفت اسلامی» وجود دارد که عمده طراحی اش برای پایان نامه هاست، اما برای رسانه به درد رسانه ها هم می خورد، که نخبگان را با این سؤالات به چالش بکشد. مسئله اصلی مان توانمندسازی ساختارها است.

۱/۴/۲/۳/۸. سؤال از تناسب همه امور با توانمندسازی ساختارها و تناسب خانواده با مسئله توانمندسازی ساختارها به عنوان زیر ساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی

همه امور را باید با این بسنجیم، خانواده نسبتش با توانمندسازی ساختارها چیست؟ ما مکرر گفتیم خانواده زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. بعداً این را شرح می دهیم. این نقش هم در واقع گام دوم توانمندسازی ساختارها است. در ۲۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب با مدیریت شان یک مرحله ساختارها را توانمند کرده اند، که نتیجه اش سفرهای استانی دولت نهم و دهم و رفتن به سمت عدالت است.

۱۴۴ تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

۱/۴/۲/۳/۹. تعریف نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان نقشه راه گام دوم توانمند سازی ساختارهای نظام و ضرورت تولید نقشه راه گام سوم

اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهادی شورای راهبردی، در واقع گام دوم توانمندسازی ساختارهای نظام است، که در آینده باید نقشه راه گام سوم توانمندسازی ساختارهای نظام نیز تولید شود. لذا اگر به اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را که ذیل دولت اسلامی آمده است ملاحظه کنید، متوجه خواهید شد که دولت اسلامی در سه مرحله تعریف شده است.

۱/۴/۲/۳/۹/۱. تقسیم مرحله دولت اسلامی یعنی توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا به سه مرحله

در نقشه راه اولین مرحله توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا یعنی تولید الگو در سه مرحله تبیین گردید، یعنی دولت اسلامی دارای سه مرحله است؛ یک مرحله از دولت اسلامی مرحله پیدایش است که در واقع با قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات سال ۶۸ انجام شد.

۱/۴/۲/۳/۹/۲. تعریف دولت اسلامی مرحله تغییرات به تغییرات ساختارهای فعلی یعنی قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی

مرحله دوم دولت اسلامی که تغییرات آن در نقشه راه تبیین گردیده است، تغییراتی که باید در ساختارهای فعلی ایجاد شود تا قادر به تبیین شاخص‌های مدیریت اسلامی شویم. این مرحله تصویب «قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی» نامیده می‌گردد.

۱/۴/۲/۳/۹/۳. تعریف دولت اسلامی مرحله تکامل به قانون اساسی انقلاب فرهنگی

از مرحله سوم دولت اسلامی که مرحله تکاملی آن می‌باشد در نقشه راه به مرحله «قانون اساسی انقلاب فرهنگی» تعبیر شده است. پس سه قانون اساسی که در واقع نقش تبیین روابط ساختارها عهده دار است سه مرحله دولت اسلامی را از پیدایش تا تکامل آن شامل می‌شود.

۱/۴/۲/۳/۱۰. پیشنهاد تعریف مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به جای سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور زیر نظر دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام در واقع نقشه راه، تغییرات ساختاری که انقلاب برای توانمندی ساختارها جهت تحقق مبنای خویش نیاز دارد، پیشنهاد می‌کند. به عنوان مثال مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که تحت اشراف دفتر آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام تاسیس شده، با تغییراتی که پیشنهاد شده است - جایگزین سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور خواهد شد. مرکزی که توانایی تحلیل، تحقیق و انتشار شاخص‌های هویت اسلامی و محاسبه این شاخص‌ها را داشته باشد.

۱/۴/۲/۳/۱۱. حفظ هویت خانواده ضرورت اصلی ساختار آموزش و پرورش به عنوان تحولی بنیادین برای تربیت همسر در این ساختار یا به عنوان مثال یکی از ضرورت‌های تغییر ساختاری، تغییر در ساختار آموزش و پرورش برای حفظ هویت خانواده در برنامه‌ریزی‌های آموزشی کشور است. برای تشکیل خانواده زن و مردی که در نظام آموزش و پرورش رشد و نمو پیدا کرده‌اند هیچ گونه آشنایی با مفاهیم و فنون همسرمداری،

شوهرداری و تربیت فرزند ندارند. لذا این ساختار مهم باید تحول بنیادین بیابد، تا آموزش پرورش بتواند همسرانی برای تشکیل خانواده مستحکم تربیت نماید.

۱/۴/۲/۳/۱۱/۱. عدم ملاحظه ارتباط طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش با حفظ و تقویت هویت خانواده و تربیت همسر به علت عدم تبیین جهت جمهوری اسلامی

تحول بنیادین آموزش پرورش بدون ملاحظه جهت حرکت انقلاب اسلامی هر چند هم که توسط نیروهای دلسوز انقلاب به وقوع بپیوندد منجر به تقویت نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین جزء جامعه نخواهد شد. بنابراین یک بخش از توانمندسازی ساختارها، توانمندسازی آموزش و پرورش برای تربیت آدم‌هایی توانمند برای تشکیل یک خانواده مستحکم اسلامی است.

۱/۴/۲/۳/۱۱/۲. اصلاح ساختار الگوی مصرف یکی دیگر از ضروریات حفظ و تقویت هویت خانواده

بحث دیگر که لازم است در تقویت جایگاه و نقش خانواده به آن دقت شود تغییر ساختارها در اصلاح الگوی مصرف است. امروز جامعه ایران برای تشکیل و حفظ خانواده با معضلی به نام الگوی مصرف روبه‌روست. پدر و مادر به این دلیل که می‌خواهند در نُرْم مصرف امروز زندگی کنند،^{۵۳} مجبور به کار بیرون از خانه هستند تا هزینه‌های تأمین این الگوی مصرف را تأمین نمایند. بنابراین برای رعایت الگوی مصرف خانواده در حد افراطی خود در

^{۵۳}. اگر زندگی نکنند که از پسند اجتماعی خارج می‌شوند

خانواده‌های امروزه شاهد وجود نان‌آور به جای پدر و مادر هستید، همچنین در ازدواج‌ها صیغه دائم خوانده می‌شود، ولی در عمل تحقق متعه است. بنابراین اصلاح الگوی مصرف، به معنایی که امروز کارشناسان از آن به رعایت استانداردها سازمان‌ها و نهادهای مختلف یاد می‌کنند نیست، بلکه معنای اصلاح الگوی مصرف به معنای توقف رفاه مادی در یک نقطه مشخص است. اگر این اتفاق نیفتد و حد توقیفی برای رفاه مادی^{۵۴} در نظر گرفته نشود، قطعاً نهاد خانواده از بین خواهد رفت.

۱/۴/۲/۳/۱۱/۳. تفاوت مبنای رفاه خانواده با مبنای آسایش و آرامش خانواده به تعریف آسایش به احکام خانواده و رفاه به نوع نگاه به پدر و مادر به عنوان نان آور

معنای رفاه خانواده غیر از آسایش در خانواده است. آسایش همان احکام خانواده یعنی چگونگی رفتار پدر و مادر با یکدیگر، پدر و مادر با فرزندان و ... است. اما رفاه مادی پدر بودن را در نان‌آور بودن خلاصه کردن است.

۱/۴/۲/۳/۱۱/۴. ارائه‌ی روش برنامه‌ریزی برای احیای نهاد خانواده زیر ساخت الگوی پیشرفت اسلامی

در حقیقت احیای نهاد خانواده و ارائه‌ی روش برنامه‌ریزی برای احیای این نهاد به عنوان یک شاخص مهم هویت اسلامی زیر ساخت الگوی پیشرفت اسلامی است و تصور الگوی پیشرفت اسلامی و تحقق «جامعه اسلامی» بدون خانواده توانمند هیچ معنا و مفهومی ندارد.

^{۵۴} . مبنای رفاه یعنی مدگرایی افسار گسیخته ضدخانواده است.

۱۴۸ تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم نقشه راه

۱/۴/۲/۳/۱۱/۵. تعریف الگوی پیشرفت اسلامی به نظام معادلات محقق
کننده ی مبنا

بنابراین الگوی پیشرفت اسلامی را می‌توان به نظام معادلات محقق کننده
مبنا^{۵۵} تعریف نمود.

۱/۴/۲/۳/۱۱/۴/۵/۱. تولید نظام معادلات محقق کننده ی مبنای انقلاب
اسلامی بواسطه نقد توسعه غربی به عنوان سومین مانع در مرحله سوم
تولید نظام معادلات محقق کننده مبنای انقلاب اسلامی نیز از نقد «توسعه»^{۵۶}
بدست می آید.

^{۵۵}. یعنی «نظام سازی اسلامی»

^{۵۶}. اگر ما شروع کنیم و مثلاً به ضریب جینی (که از مفاهیم مدرنیته و در تعارض با شاخصه های اسلام
است) حمله کردیم یا به ایده ی اول توسعه ، بعد عدالت حمله کردیم، «که امام خامنه ای (مدظله العالی)
فرمودند: تئوریسین های اقتصادی به ما می گویند اول توسعه بعد عدالت، اینجاست که من می گویم جای
نوآوری است» و در حال حمله کردن به نظام نگرشهای جاده صاف کن برای نقد توسعه غربی هستند.

اقتصاددان‌ها می‌گویند اگر اول توسعه پیدا نکنیم و بخواهیم عدالت را اجراء بکنیم، چیزی برای توزیع
نیست که با آن عدالت را حکمفرما کنیم در نتیجه میشود توزیع فقر. یا می گویند اگر دولت یارانه بدهد
پول از بخش تولید خارج شده و می آید در بخش بازار، وقتی در بخش بازار آمد به معنای افزایش تقاضا
است و به معنای کاهش عرضه است که می شود، تورم . با این نگرش ها به ما حمله می کنند، یا مثلاً می
گویند هر چه کیک توسعه بزرگ تر شود سهم بیشتری به افراد جامعه می رسد. پاسخ ما این است که
کیک توسعه ی آمریکا که از همه بزرگ تر است، چرا سهم بزرگ بدست افرادش نمی رسد؟ پس قیام
والستریت چیست؟

باید از نقد ذهنی شروع کنیم تا برسیم به نظام مفاهیم. زیرا ساختارهای ما براساس مبنای توسعه کار می
کنند. اگر توسعه را نقد نکنیم، زمینه برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی مهیا نمی شود.

گاهی نقد ما از ریشه ها یعنی از مبانی فلسفی و روشی آنهاست، می گوئیم علت اعتقاد آنها به توسعه بدلیل انسان شناسی آنها و تعریف آنها از انسان و جامعه و..است. این یک نوع تعریف و نقد است اما به دلیل طولانی بودن کارآمد نیست.

نقد دیگر این است که برنامه ها و ساختارهای توسعه را اصل قرار دهیم. مثلاً برنامه پنجم توسعه را نقد کنیم. این فرآیند به نسبت به نقد علمی کوتاه تر است اما اشکالش این است که مردم نمی توانند با آن ارتباط برقرار کنند. مضافاً به اینکه توان شما به اندازه ی مقابله با این جریان، نیست.

مجموعه جریانهایی که بر روی مسئله ی الگو فعال هستند و فهمیده اند موضوع الگو تأسیسی است، اکثرشان یا از ساختارهای علمی شروع کرده اند و یا نقد ها را به سمت نقد ساختاری برده اند. اما در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی ، نقد ما از ساختارهای ذهنی شروع می شود. پس ۳ نوع نقد داریم: نقد ساختارهای علمی، نقد ساختارهای عینی و نقد ساختارهای ذهنی. حالا به تعریف ساختارهای ذهنی می پردازیم. ساختارهایی که باعث بسیج جامعه و مردم بر روی موضوع ما می شود. و آن نگرش ها فارق از اینکه مردم روش هایشان را بدانند، قابل تفاهم باشند.

مثلاً روشنفکران با نگرش اول توسعه بعد عدالت ، مردم را جهتدهی می کنند. متفکران توسعه با مردم به وسیله ی تمثیل صحبت می کنند نه از روش هایشان.

پس ساختارهای ذهنی آن نگرش هایی است که جامعه را با خودش همراه کند. البته ساختارهای ذهنی ریشه در ساختارهای عینی و علمی دارند، ولی بریده از آنها مردم را بسیج می کنند.

مثلاً اقتصاد دانی که شروع به صحبت با مردم می کند، به مردم نمی گوید که یک اقتصاد دان نهادگرا یا مکتب دیگری است و گر نه مردم با او همراهی نمی کنند.

بلکه شروع می کند با یک سری نگرش ها و مثالها آنها را با خودش همراه می کند. در حقیقت حمله به توسعه غربی نقد این نظام نگرشها و شکستن آنهاست.

لذا نقشه راه به فضل خداوند تعالی به زودی در دل مردم جا باز می کند، زیرا بالاخره جامعه باید با هر تئوری همراهی کند تا آن تئوری به ثمر بنشیند.

اگر با جامعه به وسیله‌ی مبنای فلسفی و روشی صحبت کنیم، ارتباط با مردم بکلی قطع می‌شود. حتی اگر برنامه ریزی‌هایمان را به صورت علمی انجام دهید و به قانون تبدیل شود؛ (یعنی تغییر ساختارهای عینی) باز هم نمی‌توانیم با مردم ارتباط برقرار کنیم. لذا متفکران توسعه غربی هم وقتی می‌خواهند با مردم ارتباط برقرار کنند و آنها را با خودشان همراه کنند، نگرش سازی می‌کنند.

نگرش یک چهارچوب ذهنی است که اگر جامعه آن چهارچوب ذهنی را پذیرفت، با جهت و تئوری شما همراهی می‌کند. ما اسم این نگرش‌های بسیج‌کننده جامعه را به عنوان ساختارهای ذهنی تعریف کرده ایم. ایجاد چالش در نگرش‌های جامعه به سمت توسعه غربی در واقع به معنای ایجاد فرصت نقد و حمله به ریشه‌های علوم انسانی و توسعه غربی و حفظ جهت جامعه اگر ما بتوانیم، نگرش‌های آنها را به چالش بکشیم، یعنی توانسته ایم بسیج شدن جامعه به سمت توسعه غربی را به چالش بکشیم و فرصت برای زدن ریشه‌هایش که نقد علوم انسانی آن است، ایجاد می‌شود. و هم جهت را حفظ کرده ایم و هم ریشه‌ها را.

لذا در نقشه راه مکرر گفته ایم نگرش، مثلاً نگرش‌های ضد خانواده، نگرش‌های ضد برنامه ریزی، البته نگرش نه به معنای تئوری خانواده. این که شما می‌بینید ۳۰ سال است که امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نگذاشته‌اند جهت انقلاب از دست برود، به این دلیل است که مدام به نگرش‌های ضد جهت حمله کرده‌اند. نتیجه می‌گیریم هر تئوری علمی و ساختار عینی یک نقطه وصل با جامعه دارد، زیرا جامعه باید برنامه‌ی آنرا بپذیرد تا آن برنامه جلو رود. نقطه وصل «ساختارهای ذهنی» هستند، نظام نگرش‌ها هستند. اگر حمله کردیم و این نگرش‌ها را شکستیم در واقع نگذاشته‌ایم این جهت غربی در جامعه حاکم شود. البته روشنفکران دوباره با یک نگرش جدید وارد می‌شوند و ما باید دوباره با آنها مقابله کنیم. نکته قابل توجه این است که هرچه نگرش‌های ذهنی مورد حمله قرار بگیرند، فرصت برای اصلاح ریشه‌ای ساختارهای علمی و عینی پیدا می‌شود. یعنی هم جهت را حفظ کرده ایم و هم فضا برای اصلاح پیدا کرده ایم.

پس اگر بخواهیم به وسیله‌ی جهت، کاری انجام دهیم، باید نگرش‌های جدیدی هم ایجاد کنیم. شاه مهری اصلی ما که به کمک امام زمان (عج) و توسط دو علمدار انقلاب (امام خمینی و امام خمینی) انجام شده است، این است که توانسته‌اند نگرش سازی کنند.

مثلاً در شاخص امنیت به وسیله ی بسیج توانستند حفظ جهت کنند زیرا بسیج دارای ریشه علمی نیست اما در مقابل ساختارهای نظامی که بر مبنای دافوس بود، توانست کارآمدی خود را نشان دهد. یعنی امام (ره) توانست نگرش مردم را نسبت به امنیت بوسیله ی بسیج نشان دهد.

فرض گرفتیم جهت برای ما اصل است با این فرض ۳ چیز در ضد جهت حرکت می کنند، ساختارهای علمی ضد جهت حرکت می کنند و برنامه ریزی مبتنی به این ساختارها هم ضد جهت حرکت می کند.

اگر توانستیم حلقه ی آخر ساختارها، یعنی ساختار ذهنی را به دست بگیریم فرصت برای اصلاح ساختارهای علمی و عینی در عقبه ایجاد می شود.

نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی ۲۷ مأموریت برای شکستن نگرش برای فرآیند مدرنیزاسیون یا بهتر بگوییم ۲۷ راهروی بزرگ برای تئوریزه کردن نگرش های متناسب با جهت انقلاب، ایجاد می کند.

پس فقط با تعریف علمی یا عینی به هیچ وجه انقلاب قابل تعریف نیست. اما اگر به آن در مراکز علمی خوب پرداخته شود و ساختارهای متناسب با آن ترسیم شود و با مردم به وسیله ی ساختارهای ذهنی ارتباط برقرار کردید، می توانید تئوری خود را به قبول همگان برسانید.

به طور مثال در قضیه ی یارانه به دلیل ایجاد نگرش در بین مردم، مردم به راحتی همراهی کردند و کشور به چالش کشیده نشد با اینکه حجمه ی زیادی به آن شد.

۳۰ سال است که انقلاب بوسیله ی ساختارهای ذهنی توانسته جلوی استکبار بایستد. البته هر دو امام ساختارهای ذهنی را نگه داشته و مدام دستور به کار بر روی ساختارهای علمی و عینی کرده اند. و ساختارهای ذهنی را به نفع اسلام می شکنند و زمینه ی مشارکت برای ساختارهای علمی و عینی ایجاد میکنند. امام خامنه ای (مدظله العالی) مکرر فرموده اند: «هرجا ساختارهایمان اشکال داشته باشد، آنها را اصلاح می کنیم»

نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، یک نقشه راه برای ایجاد ساختارهای ذهنی است و فرصت برای ایجاد ساختارهای عینی و علمی مهیا می کند. وان شالله به زودی به نتیجه میرسد.

لذا شما در فتنه ی سال ۸۸ دیدید که به موضوع انتقال مرحله ی اول یعنی ولایت فقیه حمله شد و می خواستند موضوع انتقال مرحله ی اول را از بین ببرند. و حتی قانون اساسی پیشنهاد دادند و می خواستند تعریف حکومت را عوض کنند. و این به این دلیل است که شما جنگ را به یک مرحله جلوتر نبردید.

اگر ما در برنامه ریزیهایمان به توسعه ی غربی حمله کردیم، آنها مجبور می شوند با ما در آن مرحله مقابله کنند و ۲ جبهه ی فتح شده ، همچنان حفظ می شود. لذا کسانی که به موقع متوجه موضوع انتقال در این مرحله می شوند، خیلی تکاملی تر از انقلاب دفاع می کنند. می شود هم بدون توجه به موضوع انتقال ، از انقلاب دفاع کرد ، البته یک دفاع سطحی است.

از نکات جالب جدول ما این است که ما یک خانه ای داریم به اسم شاخص های هویت اسلامی. ما در این گزارش ها روش محاسبه را منتشر می کنیم. شما تا زمانی که نتوانید روش محاسبه تان را منتشر کنید، برای چه به ساختارها می گوید بیایند محققش کنند؟ به جای WDI به دنبال منتشر کردن این شاخص ها هستیم با محاسباتش. متنها حالا این چیزی که ما گرفتیم شاید در حد ۳۰ تا شاخص است که روش محاسبه اش هم ضمیمه می کنیم. بعدها باید گسترش پیدا کند. این نطفه های اولیه آن گزارش های مبنایی شما می شوند. بعداً در سطح جهان هم قابل استفاده می شود.

مسئله را می خواستم بگویم که توانمندسازی ساختارها ما دو تا را اشاره کردیم، یکی حتماً باید ساختارها بروند به سمت اصلاح الگوی مصرف، یکی هم باید ساختارها بروند به سمت تحول در آموزش و پرورش که خروجی این ها بشوند احیای نهاد خانواده. یعنی حداقل بحث اصلاح آموزش و پرورشش واضح است. شما دختران را آموزش نمی دهید که مادر یا همسر باشند. مفاد درسی ارتباطی با این بحث ها ندارد. پسران را هم همین طور. پس حتماً باید این ساختار آموزش و پرورش تغییر کند به این سمت. حالا خانواده پردازش زیادی دارد، بعداً حتماً اشکال می کنند، می گویند یک آموزش و پرورش کشور دارد تامین نیرو می کند برای صنعت کشور، شما اگر به آن دست بزنید این روی زمین می ماند. سوالات جدی بی است. که حالا در این باره ما بحث های جدی ای داریم که بحث خانواده، یک کارگاه یک روزه می خواهد که آن ایده ما تبیین بشود که چطور می شود رفت به سمت اصلاح. به نظرم اگر با یک دقت کارشناسی نگاه کنیم ما اصلاً نیاز به یک کمیته شاخص جدید داریم حتی نمی توانیم از شاخص های آن ها گزینش هم کنیم .

اما یک وقت اضطرار هست آن یک فضای دیگری دارد. فرض بفرمایید مثلاً در شاخص های فرهنگ که مثلاً شاخص فراوانی موبایل را یا استفاده خانگی از اینترنت را مورد اشاره قرار می دهد با مبنای ما خیلی

فاصله دارد. اگر این شاخص ها را بعنوان شاخص های بخش فرهنگ معرفی کرده. واقعا به جایی نمی رسیم ما اینجا نمی توانیم بگوییم به هر میزان استفاده از اینترنت محقق می شود ما توسعه یافته تریم. به هر حال بحث شاخص ها اساسی است چرا که در یک کلمه WDI الان مبنای برنامه ریزی است در کشور یعنی کارشناسان ما در وزارت ارتباطات و سایر وزارتخانه هایمان سعی می کنند برای تحقق آن شاخصه ها برنامه ریزی کنند و آن روابط محاسباتی و جداول اطلاعاتی اش هم موجود است. یعنی برای تحقق توسعه غربی شاخص ها توانمند هستند برای رسیدن به آن سمت.

خوب ما اگر بخواهیم برویم برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی حرکت کنیم، یکی از نیازهایمان این است که باید یک گزارش های سالیانه ای داشته باشیم که شاخص های هویت اسلامی چیست که جایش امروزه در برنامه ریزی خالی است.

آیا شما موفق شده اید پکیج شاخص های پیشرفت اسلامی را تبیین کنید؟

شاید تا سال آینده موفق بشویم اولین نسخه اش را منتشر کنیم و روش محاسباتی اش هم کنارش باشد یعنی فقط شاخص کفایت نمی کند برای برنامه ریزی بلکه شما باید بیابید بگویید مثلا شاخص هویت اسلامی خانواده است ولی خودش یک پکیج و بسته شاخص است و روش محاسبه اش را هم باید درونش ارائه داد. پس حتما شما یکی از نیازهایی که برای توانمندسازی ساختارها دارید همین انتشار شاخص های هویت اسلامی است. مادامی که این شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را منتشر نکنید شما مجبور می شوید آن روش هایی را از اقتصاد غرب و ادبیات توسعه گرینش کنید که کم ضررتر باشند نسبت به شاخص های شما، یعنی شما یک درک اجمالی دارید.

در واقع مثلا فرض کنید در مسئله عدالت، عدالت را یک درک اجمالی از آن داریم حالا قبلا از سیستم یارانه غیر مستقیم استفاده می کردیم می گفتیم این به عدالت نزدیک تر است، حال می گوییم یارانه مستقیم بهتر است. اصلا پایه بحث یارانه های غیر مستقیم غربی بوده و مبنای علمی اش که الان هست را ما تولیدش نکردیم؛ الان که یارانه مستقیم می دهیم هم غربی است. ولی به هر حال جمع بندی مسئولین و کارشناسان کشور این بود که این روش به عدالت نزدیک تر است. البته به هر حال الان حرکت کشور به سمت شاخص های هویت اسلامی قفل نیست ولی خیلی کند است، شما مجبورید از یک سری روابطی که در مفاهیمی غربی تعریف شده کم ضرر تر آن را گزینش کنید.

اینجا منشا اختلاف می شود یک عده ای موافق اند، یک عده ای مخالف اند. راه اصلی این است که بروید سراغ همان مشترک کردن شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را ارائه دهید.

در همین زمینه ما سعی کردیم برای گام توانمندسازی ساختارها، تبیین تفصیلی درباره مفهوم پیشرفت بجای مفهوم توسعه را ارائه بدهیم. لذا اگر درباره نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطالعه دقیقی صورت بگیرد ۲۷ ماموریت پیشنهاد شده که عمل به آنها یک قدم ساختارها را توانمندتر می کند.

ببینید چشم اندازی که شما می فرمایید چشم اندازی هست که افق حرکت است، ما اگر بخواهیم بر اساس برنامه هایی که برای پیشرفت اسلامی می نویسیم و برای توسعه کشور مرسوم هست، برنامه بنویسیم؛ می توانیم در دو برنامه باقیمانده چشم انداز بر اساس الگوی خودمان سیاست های کلان پیشنهاد بدهیم. در حقیقت می توانیم تخصیص ها را در ۵ سال آینده عوض کنیم. بالاخره سند چشم انداز دو عبارت در آن است؛ یکی عبارت " با هویت اسلامی الهام بخش در جهان اسلام است"، این بخشش هیچ وقت مورد برنامه ریزی قرار نگرفت یعنی در اسنادی که بعضی از نهادها تولید کردند همان بخش اولش که عبارت " ایران کشور توسعه یافته است " مورد توجه واقع شده است.

این سند پیشنهادی مجمع تشخیص بوده و ما با مطالعاتی که در اسناد مجمع تشخیص داریم حتی همایش مهمی در مجمع تشخیص برگزار شد تحت عنوان "سیاست خارجی توسعه گرا" خوب حتی در آن همایش هم آمدند پیشنهاد دادند که ما به محوریت ایجاد توسعه روابط خارجی مان را تعریف می کنیم. خوب آن قسمت سند چشم انداز کاملا مخالف این بود. معلوم است که حضرت آیت الله خامنه ای سند پیشنهادی مجمع تشخیص را اصلاح کردند و " ایران کشوری است با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام " را اضافه نمودند.

عبارت " هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام " با تعریف سیاست توسعه گرا هم خوان نیست...بله در واقع معنای "توسعه" را تغییر می دهد. خوب حالا ما می آییم برای تحقق چنین سندی به این معنا که ما عرض کردیم می توانیم دو برنامه بعدی را در جهت برنامه های کلان پیشنهاد بدهیم، ولی به هر حال مسئله اصلی آن نیست که ما حضور پیدا کنیم در فضای برنامه ریزی کشور یا نکنیم بلکه بعد اجتماعی موضوع مهم است یعنی کسانی که برنامه های توسعه را الان در کشور می نویسند باید پاسخ بدهند که نسبتش به مرحله فعلی تکامل انقلاب که توانمندسازی ساختارهاست چیست؟ یعنی چقدر در این دوره ها ساختارهای ما توانمند شده اند.

۱/۴/۲/۴. ایجاد بانک اطلاعات اسلامی موضوع انتقال از مرحله جامعه

ببینید مثلا فرض بفرمایید در دولت آقای احمدی نژاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور منحل شد، خوب این یعنی یک برخوردی در نحوه برنامه ریزی کشور صورت گرفت ولی باید بررسی شود چه چیزی جایگزین شد؛ مثلا می شد با یک مطالعه علمی راجع به سفرهای استانی ما بتوانیم یک نحوه برنامه ریزی غیر متمرکز را تولید کنیم و به آن شانیت بدهیم ولی نشد.

این اتفاق نیتفاد یک حرکتهایی صورت گرفت به سمت اینکه دولت از ساختارهای ما از وضعیت برنامه ریزی مدرن خارج شود ولی چون جایگزینش نیامد و طراحی نشد حرکت متوقف بوده و حتی خطر معکوس بودنش وجود دارد که ما دوباره برگردیم به همان ساختارهای قبلی. یا مثلا یک حرکت هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش صورت گرفت، باید ارزیابی کنیم که تحول فعلی تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت اسلامی تقویت میکند یا تقویت نمی کند .

حتی ما به نظرم کارنامه خوانی هایی که از کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری نیروهای انقلاب انجام می دهند باید در این راستا باشد، یعنی نامزدها جواب این مسئله را بدهند که چه برنامه ای برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی دارند؟ در واقع بخشی از سرفصل های برنامه های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به این اختصاص پیدا کند که تغییرات ساختاری متناسب با مبنای جمهوری اسلامی را ایجاد کند. اینها همه قابل مطالبه است. یعنی مثلا وقتی می خواهند بگویند یک کاندیدا اصلح است کفایت به این نکنند که آن کاندیدا قبول داشته باشد حکم حکومتی ولی فقیه را، این اصلا معیار خوبی نیست یعنی یک چیزی پایین تر از حداقل اصلحیت است؛ حتما باید حکم حکومتی را قبول داشته باشند ولی باید افراد درک خودشان را از چگونگی ایجاد دولت اسلامی ارائه بدهند. خیلی نکته جالبی است، یعنی اگر سطح توقع خودمان از مسئولین ارشد را اینجا قرار دهیم، ما خیلی از مشکلات بعدی را نداریم چه در مسائل سیاسی چه در مسائل مدیریتی. به هر حال قبول دارم اگر ما این مبنا را قبول نکنیم خیلی از مسائل حل میشود... بله حالا یکی از خانه های نقشه راه ما این بحث در انتخابات است، یعنی به نظر ما نیروهای انقلاب باید وارد بشوند بر اساس میزان توان تیم هایی که می خواهند بیابند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و توان آنها را در دولت اسلامی و در توانمندسازی ساختارهای بر آن مبنا ارزیابی کنند .

اسلامی به مرحله تمدن اسلامی

پس از ورود به مرحله «جامعه اسلامی»، نوبت به برنامه‌ریزی برای انتقال به مرحله «تمدن اسلامی» است؛ موضوع انتقال به مرحله «تمدن اسلامی»، تولید و تشکیل «بانک اطلاعات اسلامی» برای ترجمه الگوی اسلامی پیشرفت مردم ایران به عنوان یک الگوی متناسب با فطرت بشری به شرایط بومی و فرهنگی دیگر مردم جهان می‌باشد.

۱/۴/۲/۴/۱. تعریف بانک اطلاعات اسلامی به شبکه‌ی گسترده‌ی پژوهشی برای پاسخگویی به سئوالات مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی متناسب با ظرفیت، شرایط اقلیمی و بومی مردم جهان

بانک اطلاعات اسلامی، یعنی شبکه گسترده پژوهشی که موضوع کارش پاسخ‌دهی به مسائل خارج از ایران، مبتنی بر الگو و معادلات الگوی پیشرفت اسلامی است.

۱/۴/۲/۴/۲. در رأس امور بودن چهار موضوع انتقال تعریف شده در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت

بنابراین در نقشه راه «الگوی پیشرفت اسلامی» ۴ موضوع انتقال شناسایی و تبیین شده است، که موضوعات اصلی انقلاب در هر مرحله می‌باشند و باید در رأس امور قرار بگیرد تا به مرحله بعد خویش منتقل شود.

عدم توجه به این موضوعات چهارگانه خطر بسیار بزرگی را در پی خواهد داشت، اگر چهار موضوع انتقال میان مراحل تحقق مبنای انقلاب مورد

غفلت واقع شود نه تنها به مرحله بعد انتقال پیدا نمی‌کنید، بلکه در حقیقت زمینه را برای برگشت به مرحله قبل مهیا کرده‌اید.

فصل نهم: معرفی شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی و مرکز الگوی
اسلامی ایرانی پیشرفت و جریانات فعال
در این عرصه (نهمین منظر معرفی نقشه
راه)

۱. تشکیل ده‌ها حلقه و گروه مطالعاتی راجع به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی پس از ایجاد تشکیلات رسمی درباره مسأله الگوی پیشرفت در دفتر آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام و سفارش ایشان نسبت به این مسأله

با بررسی به عمل آمده و تحقیقات میدانی که در این عرصه با توجه به یک متد خواص برای شناسایی گروه‌ها و حلقه‌های فکری فعال در زمینه الگوی پیشرفت اسلامی انجام شده است، غیر از تشکیلات رسمی که آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام در دفتر خودشان برای مسأله الگوی پیشرفت ایجاد کرده‌اند^{۵۷}، که بنابر ارزیابی و مطالعات ما و با یک شاخص مشخص حدوداً ده جریان وجود دارد.

^{۵۷} . ممکن است ده‌ها حلقه‌ی علمی لازم باشد که در دانشگاه‌های مختلف تشکیل شود. ممکن است صدها نفر از فرزندان و نخبگان و دانشمندان ما که ترجیح می‌دهند کار شخصی بکنند - اهل کار جمعی نیستند - آماده باشند در خانه‌های خودشان مطالعه کنند؛ از اینها بایستی استفاده شود. حلقه‌های فکری تشکیل شود، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها با این مسئله درگیر شوند، تا اینکه بتوانیم ان‌شاء‌الله این را به نقطه‌ی مطلوب خودش برسانیم.

۲. تبیین صحیح چرائی (ضرورت های) الگوی پیشرفت، تبیین چستی مسئله الگوی پیشرفت و تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ملاک طبقه بندی گروه های و حلقه های فعال به ده جریان بواسطه بررسی اسناد علمی ارائه شده در مقالات، کتابها، سایتها و همایشها توسط شخصیتها شاخص تقسیم بندی حاضر، تبیین «صحیح ضرورت های الگوی پیشرفت اسلامی» بعلاوه تبیین خود «مسأله الگوی پیشرفت اسلامی» و همچنین تبیین «چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی» در اسناد علمی ارائه شده در مقالات، کتابها و سایتها و همایشهاست که از سوی شخصیتهای مختلف برگزار شده و می گردد.

۲/۱. تبیین ضرورت تولید الگوی پیشرفت اسلامی موضوع بحث عمده مقالات نوشته شده در این موضوع، ترسیم تصویری هر چند اجمالی از چستی مسئله الگوی پیشرفت اسلامی و ورود چند جریان انگشت شمار به مسئله چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی عمده مقالات نوشته شده خارج از این ده جریان می باشند، زیرا تنها به بحث ضرورت های تولید الگوی پیشرفت پرداخته اند، اما نتوانسته اند تصویری هر چند اجمالی از «چستی مسأله الگوی پیشرفت» ارائه دهند. اما غالب ایشان راجع به «چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی» سکوت کرده و جریانات انگشت شماری به این مسأله ورود کرده اند.

۲/۲. ترسیم افق نزدیک در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به گفتگوی درونی میان ده جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی برای تجمیع ظرفیت و ایجاد عزم ملی و توان جمعی برای تولید الگو

اگر شاخص ارزیابی و مطالعه جریانات فعال در این مسأله سه محور یاد شده باشد، ده جریان فعال در این عرصه قابل شناسایی می‌باشد. افق نزدیک روبروی «الگوی پیشرفت اسلامی» گفتگوی درونی میان این ده جریان راجع به این مسأله برای تجمیع ظرفیت می‌باشد. زیرا همه معتقد هستند، تحقق این الگو نیازمند عزم ملی و توان جمعی است.

۲/۲/۱. ضرورت ایجاد همگرایی بین جریانات فعال به محوریت مرکز الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان آینده نزدیک پیش رو برای مسئله الگوی پیشرفت اسلامی

جریان اصلی برای ایجاد این همگرایی و برهم‌افزایی مرکز الگوی پیشرفت اسلامی ست که زیر نظر دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام تشکیل شده است و بقیه جریانات باید به تبع به این مسأله کمک نمایند.

۲/۲/۱/۱. میسر شدن گام‌های بعدی در مسیر تولید الگوی پیشرفت اسلامی مستلزم تحقق همگرایی و فضای گفتگو میان این جریانات

ایجاد فضای گفتگوی راجع به این مسأله برای ایجاد همگرایی ترسیم‌گر افق صحیح برای آینده نزدیک این مسأله است. که زمینه و بستر لازم برای انجام کارهای بعدی درباره مسئله الگوی پیشرفت اسلامی میسر خواهد کرد.

۲/۳. معرفی ۱۰ جریان فعال در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی»

براساس بررسی‌های به عمل آمده، ۱۰ جریان فعال در این مسأله شناسایی شده است.

۲/۳/۱. مرکز الگوی پیشرفت اسلامی، ایرانی پیشرفت با مسئولیت آقای صادق واعظ زاده نخستین جریان فعال در مسئله نقشه راه تولید الگوی پیشرفت

یک جریان که می‌توان آن را اصلی‌ترین جریان مسؤل در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی دانست، مرکز الگوی پیشرفت اسلامی با مسئولیت مستقیم جناب آقای صادق واعظ زاده است.

۲/۳/۱/۱. اعتقاد به استفاده از تمام ظرفیت فکری و نخبگانی جامعه در مرکز الگوی پیشرفت اسلامی بنا به تأکید آیت الله امام خامنه‌ای برای تحقق الگو

از همان ابتدا که ایده طراحی و تدوین الگوی مطرح شد، رهبر معظم انقلاب^۸ روی این مسأله تأکید فرمودند که برای تدوین این الگو از تمام ظرفیت فکری و نخبگانی جامعه باید استفاده شود.

^۸. این کار، کار یک مجموعه‌ی خاص و محدود نیست؛ کاری است که باید همه‌ی ظرفیت نخبگانی کشور به میدان بیاید. همان طور که عرض کردیم، کار کوتاه‌مدت و از آن پروژه‌های زودبازده هم نیست؛ این کار بلندمدتی است، باید انجام بگیرد، عجله‌ای هم نداریم. ما پیش خواهیم رفت. این چیزی هم نیست که دولتها یا مجالس بتوانند آن را تصویب کنند؛ این - همان‌جور که گفتیم - نسبت به همه‌ی اسناد مهم سازنده‌ی فعال در کشور، جایگاه بالادستی دارد؛ باید خیلی مراحل را طی کند و به یک قوام لازم برسد. این فکرها باید کاملاً ورز بخورد تا اینکه بتواند به یک نقطه‌ی اساسی برسد.

۲/۳/۱/۲. تعریف مرکز الگوی پیشرفت اسلامی به ستاد هدایت و راهبری تمام موسسات، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای فعال در طراحی الگو براساس فرمایشات مقام معظم رهبری در اولین نشست راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تدوین و طراحی الگوی پیشرفت اسلامی فقط منحصر به این مرکز نیست، بلکه این مرکز در حکم ستادی هدایت و راهبری همه موسسات، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای فعال در طراحی الگوی پیشرفت اسلامی است.

تشکیل اندیشکده‌ها و حلقه‌ها و شبکه‌های نخبگانی چهار کار اصلی مرکز الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی است.^{۵۹}

۲/۳/۲. پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی با مسئولین حجت‌الاسلام مهدی رجایی دومین جریان شناسایی شده در مسئله الگوی پیشرفت اسلامی جریان دومی که در مسأله الگوی پیشرفت مشغول به کار است، جریان پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی است که جناب حجة الاسلام مهدی رجایی مسئولیت آن را عهده دار هستند و هم اکنون به عنوان مسئول، دبیرخانه حوزوی مرکز الگوی پیشرفت اسلامی در قم نیز فعال می‌باشند.

^{۵۹}. متن گفتگوی مهندس چیت چیان مسئول اندیشکده های مرکز الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه دو نیم ساعت شبکه خبر.

۲/۳/۲/۱. موسسه پژوهشی، آموزشی، کاربردی قدر به عنوان زیر مجموعه پژوهشگاه بین المللی المصطفی درگیر با مسئله الگوی پیشرفت اسلامی با موضوع تعریف پروژه های پژوهشی در زمینه شاخصه های الگوی پیشرفت از جمله شاخص خانواده

«موسسه پژوهشی آموزشی کاربردی» قدر که زیر مجموعه پژوهشگاه المصطفی به شمار می رود نیز حول همین مسأله مشغول به کار می باشد. این مجموعه یک سری از پروژه های پژوهشی در زمینه شاخص های الگوی پیشرفت را در دستور کار خویش داشته است. از جمله آثار ارائه شده از سوی این موسسه کتابی راجع به شاخص های خانواده است.

۲/۳/۳. دفتر مطالعات توسعه اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران سومین جریان فعال در زمینه الگوی پیشرفت اسلامی سومین جریان فعال در زمینه «الگوی پیشرفت اسلامی»، دفتر مطالعات توسعه اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران می باشد.

۲/۳/۳/۱. برگزاری دو دوره سلسله نشست به صورت هفتگی یا هر دو هفته یک بار و دعوت از شخصیت های مختلف در این نشست ها خروجی کار دفتر مطالعات توسعه اسلامی دانشکده اقتصاد این دفتر تا کنون طی دو دوره، سلسله نشست هایی را برگزار کرده و در جلسات خود که هر هفته و یا هر دو هفته یک بار برگزار می شود، از شخصیت های مختلف دعوت به عمل می آورد.

۲/۳/۴. مرکز الگوی سیاسی ایرانی پیشرفت سازمان مدیریت چهارمین جریان فعال در مسئله تولید الگوی پیشرفت اسلامی براساس احکام برنامه پنجم توسعه در تکلیف به دولت برای تولید این الگو تا پایان برنامه پنجم جریان چهارم فعال در این زمینه، «مرکز الگوی سیاسی ایرانی پیشرفت» سازمان مدیریت است. از آنجا که طبق احکام برنامه پنجم توسعه^{۶۰}، دولت موظف شده، الگوی پیشرفت را تا پایان برنامه پنجم پیشنهاد بدهد، لذا این جریان هم مشغول به فعالیت هستند و اخیراً از سوی مسئول این جریان اعلام شده است که تا پایان سال ۱۳۹۲ مصوبه دولت درباره الگوی پیشرفت اسلامی تقدیم مجلس خواهد شد.

۲/۳/۴/۱. تغییر مسئولیت مرکز الگوی سیاسی ایرانی پیشرفت سازمان مدیریت از آقای سیف الدین به حجت الاسلام رجایی و از حجت الاسلام رجایی به آقای زری باف و برگزاری جلسات هفتگی سلسله نشست‌ها شبیه به کار مرکز مطالعات توسعه اسلامی

تا کنون افراد مختلفی مسئولیت این جریان را برعهده داشته‌اند. قبلاً آقای سیف الدین عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند و پس از ایشان حجت الاسلام رجائی و سپس جناب آقای زری باف را می‌توان سکانشان این مجموعه در دولت دهم دانست و اکنون در دولت یازدهم مسئولیت این مرکز به عهده معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، جناب آقای معصومی راد^{۶۱} می‌باشد. این جریان هم ظاهراً بصورت هفتگی یک سری نشست‌هایی

۶۰. بند اول برنامه ریزی بودجه

را برگزار می‌کردند. نوع کاری که در این مجموعه انجام می‌دهد، شبیه به کاری است که مرکز مطالعات توسعه اسلامی انجام می‌گیرد.

۲/۳/۵. دانشگاه امام صادق علیه السلام به محوریت آقای عادل پیغامی و آقای زاهدی فرما، پنجمین جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی جریان پنجم، جریانی است که در دانشگاه امام صادق علیه السلام مشغول به کار می‌باشد. محوریت این جریان با جناب آقای عادل پیغامی و آقای زاهدی فرماست. این جریان هم نشست‌هایی را در این زمینه برگزار می‌کند.

۲/۳/۶. تیم سه نفره پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی قم به محوریت سیدعباس موسوی، ششمین جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی

ششمین جریان که در رابطه با مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» فعال است به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی قم مربوط می‌شود. یک تیم دو سه نفره که از جمله اعضای آن جناب آقای سید عباس موسوی هستند، در این مسأله فعالیت می‌کنند.

۲/۳/۷. جریانی به محوریت آقای رفیعی آتانی با برگزاری کنفرانس‌های ملی الگوی پیشرفت و تحول در علوم انسانی هفتمین جریان فعال در زمینه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

جریان هفتم که در زمینه الگو مشغول به کار هستند، به جناب آقای آتانی تعلق دارد. از جمله فعالیت‌های آنها، برگزاری کنفرانس‌های الگو و بعد از آن کنفرانس علوم انسانی بوده است.

۲/۳/۷/۱. انتشار یادداشت و مقاله توسط آقای رفیعی آتانی در بسط مفهوم پیشرفت از جمله کارهای این جریان
انتشار یادداشت‌هایی آقای رفیعی آتانی راجع به مفهوم پیشرفت از دیگر فعالیت‌های این جریان است.

۲/۳/۸. فرهنگستان علوم اسلامی به محوریت حجت الاسلام سیدمهدی میرباقری، هشتمین جریان فعال در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» هشتمین جریان که راجع به مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» فعالیت می‌کند، جریان فرهنگستان علوم اسلامی است که مدیریت آن با جناب آقای میرباقری می‌باشد.

۲/۳/۸/۱. حضور کمرنگ فرهنگستان علوم اسلامی در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی علی‌رغم وجود پشتوانه علمی مرحوم آقای حسینی هاشمی

البته این جریان نسبت به مفاهیمی که در آثار مرحوم آقای حسینی وجود دارد، حضوری بسیار کمرنگ در این مسأله داشته‌اند. مرحوم آقای سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی رحمته‌الله درباره مدل اداره جامعه بحث‌های سنگینی تولید کرده‌اند ولی به دلایلی که قابل طرح نیست، سهم حضور این جریان در زمینه «الگوی پیشرفت اسلامی» بسیار کمرنگ می‌باشد.

۲/۳/۹. حسینیه اندیشه به عنوان جریان منشعب شده از فرهنگستان به مسؤلیت حجة الاسلام مسعود صدوق، نهمین جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی

جریان نهم، جریانی منشعب شده از جریان فرهنگستان، موسوم به جریان حسینیه اندیشه هستند. مسؤل این جریان حاج آقای صدوق است.

۲/۳/۹/۱. حضور حسینیه اندیشه در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی پررنگتر از جریان فرهنگستان علی رغم رکود نسبی حسینیه اندیشه در مسأله الگوی

این جریان قوی‌تر از جریان فرهنگستان به مسأله پیشرفت پرداخته‌اند و مباحثی را مطرح کرده‌اند. این جریان کماکان مشغول به کار هستند، اما اخیراً یک مقدار فعالیت‌های آنان در این موضوع با رکود روبرو شده است.

۲/۳/۱۰. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، دهمین جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی با موضوع کار جداول سه گانه نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

دهمین جریان فعال در این مسأله نیز مجموعه «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» ست. موضوع کار این شورا فعالیت حول اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشد.

۲/۳/۱۰/۱. تبیین فعالیت های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در سه محور؛ تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، توانمندسازی بخشی بواسطه مأموریت های ۲۷ گانه طراحی شده در نقشه راه و تنظیم سیاست های کلان برنامه ششم توسعه

شورای راهبردی الگوی پیشرفت در حال حاضر مشغول به سه فعالیت جدی می باشد؛ اولین کار تبیین همین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بواسطه تبیین جهت جمهوری اسلامی است. شورای راهبردی در نشست، کارگاه ها، همایش ها و گفتگوهای مختلف خویش مسأله الگوی پیشرفت را با توجه تبیین مفهوم جهت تبیین می نماید.^{۶۲}

دومین فعالیت شورای راهبردی، ارتباط گیری با نهادهای نظام به محوریت های ماموریت های ۲۷ گانه مطرح در اولین نقشه راه پیشنهادی خویش، برای توانمندسازی ساختارهای فعلی نظام است.^{۶۳}

۶۲. برای تبیین و معرفی اولین نقشه راه، سه دستور کار وجود دارد. اولین دستور کار معرفی نقشه راه خودمان است. همانطور که مستحضرید حدود ۱۵ سال کار برده است. چهار سالش مربوط به چگونگی تغییر در ساختار های فعلی نظام جمهوری اسلامی به سمت آرمان هایمان بوده است. حدود ده سال هم مطالعاتی مربوط به اصل انقلاب اسلامی بوده است. -شاید آن ده سال بیشتر مبانی مد نظر بوده است- در چهار سال اخیر بیشتر به کاربرد نزدیک شدیم. علی ای حال، معرفی نقشه ی راه در قالب ساختاری که خدمت تان عرض می کنم، کار اصلی ما و در واقع کار تبعی ماست.

۶۳. کار دیگری هم داریم درباره ی محورهای نقشه ی راه، که با نهادهای نظام ارتباط دارد. چون به هر حال نقشه ی راه الگوی راه پیشرفت اسلامی که دوستان ما تهیه کردند، ۲۷ محور دارد که این ۲۷ محور یا نهادهای در نظام متکفلش است (که ما با آن نهاد ارتباط می گیریم و مباحث مربوط به نقشه را با آن ها در میان

سومین کار شورای راهبردی نیز تدوین برنامه ششم اداره کشور بر اساس نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی است.^{۶۴}

۲/۳/۱۰/۱/۱. تبیین و معرفی نقشه راه دست‌یابی به الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان اولویت شورای راهبردی

اولویت کاری «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» در حال حاضر تبیین و معرفی نقشه‌ی راه دست‌یابی به الگوی پیشرفت اسلامی است.

می‌گذاریم) یا نهادی متکفل‌شان نیست که باید به تدریج ضرورت تأسیس چنین نهادهایی را در جامعه مطرح کنیم. پس ارتباط محورهای نقشه با نهادهای نظام شد کار دوم.

در گزارش بخش تشکیل کارگروه‌ها هم باید بگویم در حال تشکیل یک کارگروه با ۷-۸ نفر از نمایندگان مجلس هستیم تا بحث اصلاح نحوه قانون‌گذاری را پیش ببریم. امیدواریم در روزهای آتی اولین کارگروه مشترک‌مان با مجلس تشکیل شود. بحث‌های دیگری هم درباره پیش‌گیری از جرم و بقیه موارد مطرح است که گزارش آن‌ها را برای وقت دیگری می‌گذاریم. این گزارش مختصری راجع به بحث شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و محور فعالیت‌هایش بود، که بر اساس نقشه راه گاه معرفی‌اش می‌کنیم و گاهی با مدیران بر اساسش تصمیم‌سازی می‌کنیم.

^{۶۴} . کار سومی که در دستور کار داریم، خدای متعال توفیق عنایت کردند و در برنامه‌ی آتی اداره‌ی کشور سیاست‌های کلانی را بنا داریم مبتنی بر نقشه راه تنظیم کرده و به دفتر مقام معظم رهبری پیشنهاد کنیم که مبتنی بر این نقشه راه ما، باید چه تغییراتی در برنامه آتی اداره کشور ایجاد شود. برنامه‌ای که به غلط موسوم است به توسعه. برنامه‌ای که باید ثروت ایجاد شود. در واقع باید إن‌شاءالله آن برنامه را برنامه‌ی پیشرفت کشور نام‌گذاری کنیم.

۲/۳/۱۰/۱/۱/۱. برگزاری نشست های معرفی به صورت نشست خانگی، به عنوان یک تجربه جدید از برگزاری نشست؛ یکی از سه مدل برگزاری نشست معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی معرفی نقشه راه در قالب سه نوع نشست معرفی برگزار می گردد. یکی نشست های خانگی می باشد و در این نشست خانگی به معرفی اجمالی نقشه راه می پردازیم.

۲/۳/۱۰/۱/۱/۲. تولید خبر در نشست های رسانه ای به محوریت معرفی اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی؛ مدلی دیگر از برگزاری نشست های معرفی نقشه راه مدل دوم نشست های معرفی نقشه راه، نشست در رسانه هاست. در این گونه نشست ها با کسانی که سیاست های خبری سایت ها و خبرگزاری ها را تعیین می کنند، مباحثه کرده و سعی می کنیم تا در مورد محورهای نقشه راه تولید خبر صورت پذیرد.

۲/۳/۱۰/۱/۱/۳. نشست های علمی با نخبگان حوزوی و دانشگاهی، سومین مدل برگزاری نشست معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی سومین مدل نشست ها، نشست هایی با حوزویان و دانشگاهیان است. در این نشست ها مبانی نظری و موانع فهم چرایی، چیستی و چگونگی تولید الگو و همچنین بحث از جهت حرکت انقلاب اسلامی مورد گفتگو قرار می گیرد.

۲/۳/۱۰/۱/۱/۳/۱. وجود نقشه راه و آیین نامه برگزاری این نشست ها در پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه برای علاقه مندان در سراسر نقاط کشور البته شایان ذکر است که برگزاری نشست ها تابع آیین نامه است که در "پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه" در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.^{۶۵}

البته از نظرات شما استفاده میکنیم. بنده مجدداً بر این اصطلاح تاکید میکنم، ما به دنبال شناسایی موضوعات موثر بر الگوی پیشرفت اسلامی هستیم. روی جلد گزارش هم این عنوان ذکر شده است. یعنی چه کنیم نخبگان با این مسئله درگیر بشوند؟ بعد الگوی پیشرفت تعریف و سپس اجرا شود.

و از موضوعات موثر بر تولید الگوی پیشرفت اسلامی به موضوعات انتقال نظام تعبیر شد. این اصطلاح رسانه ای ما می باشد. ما میخواهیم دوستان روی موضوعات نظام سوال طرح کنند. آقایان دیر باز و سهرابی که مدعوین این جلسه هستند. و ما انشاءالله از ایشان استفاده میکنیم. اگر موضوعاتی دیگری به ذهنشان میرسد که توجه به آن موضوعات انتقال راحتری به مسئله الگو پیدا کنیم و نخبگان راحتتر متوجه شوند. اگر نقدی به موضوعات انتقال دارند. استفاده میکنیم.

علی رغم وجود یک نقطه بسیار مثبت در مرکز الگوی پیشرفت اسلامی، در فرآیند طراحی شده برای تولید الگوی در این مرکز دور وجود دارد.

با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری به موضوع مهم سبک زندگی و تأثیراتش بر روی جامعه اسلامی ایران، یکی از راه های پیشبرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحول بسیار مهمی می باشد که باید در عرصه و موضوع سبک زندگی حاصل شود.

راجع به مسئله سبک زندگی، قبل از اینکه جایگاه آن در الگوی پیشرفت اسلامی مورد بحث قراردهیم، بهتر می دانم که یک نکته مقدماتی را عرض کنم. اینکه آدم ها در جامعه چگونه زندگی می کنند، حتماً ارتباط وسیع به نحوه اداره جامعه شان دارد. در واقع می خواهم روی این نکته تأکید کنم که ما نمی توانیم، از یک طرف بگوییم مردم ما با سبک زندگی اسلامی، زندگی کنند ولی از سوی دیگر ساختارهای اداره جامعه فرصت زندگی به سبک اسلامی را به افراد ندهند.

به عنوان مثال تا مادامی که دیدگاه های نظام سرمایه داری در کشور ما وجود دارد که عدالت را از جامعه ما دور می کند یا حداقل اینکه دیدگاه هایی که کارشناسان توسعه ارائه می دهند و الان بعضی از این دیدگاه ها مبنای عمل هم می باشد یا اصلاً به سمت عدالت نیست و یا دور از عدالت می باشد، فرض بگیرید که خانواده ای در مسئلهی تأمین معاش خانواده دچار مشکل باشد، این خانواده اگر بتواند پدر و مادر این خانواده مشغول به کار بیرون از منزل می شوند، خوب وقتی که آقا و خانم هر دو سر کار رفتند مجبور خواهند شد که فرزند خود را مهد کودک بسپارند، اینجاست که اولین اشکال به سبک زندگی اسلامی وارد خواهد شد، در سبک زندگی اسلامی فرزند باید با محبت مادر تربیت شد و رشد پیدا کند و از طرف دیگر ساختارهای اداره جامعه زمینه فراهم شدن این تربیت صحیح را فراهم نکرده است.

پس یکی دیگر از مشکلاتی که ما در کشورمان با الگوهای توسعه غربی داریم و اگر این الگوها توانایی پاسخگویی به این مسئله را دارند باید پاسخ بدهند این است که مفروض ما این است که زندگی به سبک اسلامی، زندگی راحتی خواهد بود، زندگی می باشد که هم به درد دنیا و هم آخرت انسان می خورد، زندگی که انسان فرصت در کنار خانواده بودن را ندارد، احتمالاً برای همه مردم دنیا، زندگی ناگواری خواهد بود.

اگر الگوی توسعه غربی قدرت پاسخگویی و ارائه پیشنهاد برای حرکت بیشتر به سمت عدالت را دارد، خوب این الگو می تواند برای تحقق سبک زندگی اسلامی کمک کار باشد،

اما اگر چنین توانایی را ندارد، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هدف ما اینست که شرایطی را برای اداره جامعه و یک نحوه اداره جامعه ای را پیشنهاد کنیم که نتیجه چنین شیوهی اداره ای جامعه ای، ایجاد و تحقق سبک زندگی اسلامی شود.

اما اگر شما سبک زندگی اسلامی را برای مردم تشریح کنید ولی مردم نتوانند به دلیل شیوه مدیریت جامعه براساس الگوهای توسعه غربی به این سبک زندگی روی بیاورند، قطعاً این سبک زندگی محقق نخواهد شد.

اینجا لازم می دانم که تذکر دهم این سئوالات ما فقط از کارشناسان داخلی نیست، بلکه منظور ما از کارشناسان توسعه در سراسر جهان است، هر کجا هر کسی براساس کارشناسی توسعه غربی قدرت پاسخگویی دارند پاسخ دهند.

یک کارشناس محترم در یکی از برنامه های صدا و سیما شرکت کرده بودند، از کارشناس پرسیده شد که شما راجع به الگوی توسعه غربی چه می گوئید؟ ایشان وارد بحث شده و الگوی توسعه غربی را برای اداره کشور پیشنهاد دادند، در این زمان یکی دیگر از میهمانان این برنامه از این کارشناس پرسید که اسلامیت در این الگوی پیشنهادی شما کجاست؟ بلافاصله این کارشناس گفتند که ما قصدمان حل مسئله اشتغال می باشد، اگر بتوانیم مسئله اشتغال را حل کنیم، خانواده های بیکار بچه هایشان را سر کار خواهند فرستاد و زندگی شان بهتر خواهد شد و اسلام که با خوب شدن زندگی انسان ها مخالف نیست.

به نظر من باید از آن کارشناس محترم پرسیده می شد که در کشورهای غربی مسئله اشتغال را حل کرده اید؟ اگر در پاسخ بگوئید که حل کرده است، که با این آمار بی کاری در کشورهای غربی چه می کنند که علت اصلی قیام ها در این کشورها همین بی کاری می باشد، اگر تسامحاً از ایشان بپذیریم که مسئله اشتغال را حل کرده اند به آنها خواهیم گفت اگرچه فرض بگیریم اشتغال را حل کرده اید ولی در عوض خانواده را دچار فروپاشی کرده اید.

بنابراین باید گفت نگاه توسعه غربی به انسان، یک نگاه تک بُعدی می باشد و نمی شود به چنین نگاهی، سبک زندگی اسلامی را محقق کرد،

حداکثر چیزی که این نگاه به آن پایبند است این است که می گوئید قصد ایجاد اشتغال داریم که افراد درآمد مکفی داشته باشند که البته این حرف در حد یک نظریه می باشد که آمارهای جهانی ناقص این نظریه هستند که خواهیم گفت ولو اینکه این نظریه بر روی کاغذ هم درست باشد، مسئله اشتغال یک بخش از زندگی انسان است، یعنی اگر کسی شغل داشته باشد ولی خانواده او به سبک اروپایی دچار فروپاشی بود باز هم آسایش نخواهد داشت.

پس الگوی توسعه غربی قطعاً منجر به سبک زندگی اسلامی نخواهد شد، در مورد سبک زندگی اسلامی هم می توان به طور قطع و یقین گفت بدون توجه به تغییر ساز و کارهای اداره جامعه، که ما معتقد هستیم که اداره جامعه باید مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی باشد، امکان زندگی با سبک اسلامی به صورت فراگیر وجود ندارد.

البته ممکن است افرادی در جامعه پیدا شوند که خلاف موج عمومی جامعه حرکت کنند و زندگی خودشان را با آیات و روایات تطبیق دهند ولی عامه ی مردم گرفتار این ساختارها خواهند بود،

به طور مثال زمانی که آموزش و پرورش به دانش آموزان ما آموزش ندهد که در زندگی مشترکشان چه مسائل و مشکلاتی پیش خواهد آمد، پس از تحصیلات وقتی به زندگی مشترک وارد می شوند وقتی که دچار اختلاف می شوند، نخواهند توانست با سبک زندگی این مشکلات را حل کنند، لذا حتماً باید تحول بنیادین اتفاق بیفتد تا سبک زندگی اسلامی شود. تحول بنیادین فقط هم در آموزش و پرورش نیست، بلکه در مسئله اقتصاد، جهت گیری های سیاسی که از دیدگاه ما هشتاد و یک مسئله آن نقداً موجود می باشد که اگر فرصتی پیش بیاید باید به آن پرداخته شود.

فهرست تفصیلی مطالب:

پیشگفتار: ۹

فصل اول: تبیین چرایی یا ضرورت مسئله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (اولین منظر معرفی

نقشه راه) ۱۱

۱. طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به صورت رسمی برای اولین بار در دانشگاه سمنان توسط امام خامنه‌ای علیه السلام در سال ۸۵ و تداوم و تکمیل آن در سالهای بعد و

سفرهای استانی ۱۲

۲. تعریف مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به فکر و روش جمع بندی و تئوریزه شده انقلاب برای تحقق اهداف خویش ۱۲

۲/۱. درک ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، نتیجه بازخوانی چرایی

انقلاب اسلامی ۱۳

۲/۱/۱. پاسخ تفصیلی به چگونگی ایجاد عدالت، تقویت و احیاء نهاد خانواده و

مبارزه با ظلم و ..، کارکرد اصلی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» ۱۳

۲/۱/۲. بحث از شاخصهای هویت اسلامی در انقلاب اسلامی و تبیین

تشریحی چگونگی تحقق آنها در همه بخشها در «الگوی پیشرفت اسلامی» ۱۴

۲/۱/۳. استخراج و طرح شعارهای اصلی و اساسی در انقلاب و بحث از شیوه

تحقق این شعارها در «الگوی پیشرفت اسلامی» ۱۴

۲/۲/۳/۱. بحث از ضرورت تحقق اهداف اسلامی بواسطه الگوی پیشرفت

اسلامی، نتیجه عدم امکان تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی با روش های غربی

..... ۱۵

۳. توجه به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی ضمن نقد توسعه غربی به عنوان زاویه دید

مطلوب ۱۵

۳/۱. تبیین ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بواسطه تبیین جهت حرکت

جمهوری اسلامی ۱۶

۳/۱/۱. عدم استفاده از الگوهای غربی نتیجه ایجاد درک از جهت جمهوری

اسلامی ۱۶

۳/۱/۲. تبیین ضرورت مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» از زاویه دید

بازخوانی تاریخی اثرات نامطلوب استفاده از الگوهای غربی از دارالفنون تا به

امروز در اداره امور کشور ۱۶

۳/۱/۲/۱. ضرورت طرح مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در ادبیات انقلاب

بدلیل تجربه دوپست ساله عملکرد تزه های غربی و کارنامه تاریک این تجربه

..... ۱۷

- ۳/۱/۳. تبیین ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» براساس فهم آفات اداره کشور براساس شاخصه های جهانی توسعه به صورت بازخوانی تجربه عملی «سیساله» انقلاب و نه مباحث نظری دانشگاهی، به عنوان پایه نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱۷
- ۳/۱/۳/۱. عدم حوصله مخاطب و فقدان زمان کافی، برای استدلال نظری بر رد الگوی های توسعه غربی استفاده شده در سی سال گذشته؛ دلیل اصلی نرفتن به سمت مباحث نظری در رد توسعه..... ۱۸
- ۳/۱/۳/۱/۱. ارزیابی دوران سازندگی براساس میزان تحقق یکی از شاخص های اسلامی به نام «عدالت»..... ۱۸
- ۳/۱/۳/۱/۱/۱. تشدید فاصله طبقاتی و تضعیف بیشتر مستضعفین در دوران سازندگی و رواج اصطلاح ساختگی «اقشار آسیبپذیر» یعنی عدم امکان حرکت به سمت عدالت براساس شاخصهای توسعه غربی و تئوریزه کردن عدم تحقق شاخصه های انقلاب..... ۱۹
- ۳/۱/۳/۱/۲. تلاش برای تعمیم استفاده از الگوی اقتصادی توسعه غربی به الگوی سیاسی توسعه غربی در دولت اصلاحات تحت عنوان «توسعه سیاسی» توسط نظریه پردازان این دولت..... ۲۰
- ۳/۱/۳/۱/۲/۱. بازخوانی تجربههای دوران اصلاحات و سازندگی عاملی موثر در فهم مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان یک نیاز ضروری توسط رهبران و نیروهای انقلاب..... ۲۱
- ۳/۱/۳/۱/۳. اداره کشور براساس الگوهای اسلامی آینده مورد نظر نظام به دلیل آسیبهای شدید در اثر استفاده از الگوهای غربی در اداره کشور مانند آموزش و پرورش و اقتصاد..... ۲۱
- ۳/۱/۳/۱/۳/۱. طراحی دستگاه اطلاعات کشور و اداره جنگ براساس الگویی غیر از الگوهای غربی به عنوان نمونه های موفق الگوهای اسلامی..... ۲۱
- ۳/۱/۳/۱/۳/۲. اراده نظام برای تعمیم روش اداره اصل پیروزی انقلاب و اداره جنگ به سایر بخشها به عنوان آینده مطلوب پیش روی نظام..... ۲۲

فصل دوم: تبیین موانع فهم عمومی ضرورت مسأله الگوی پیشرفت اسلامی

براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلام(منظر دوم

- معرفی نقشه راه)..... ۲۳
۱. بررسی رویکرد نقد الگوهای توسعه غربی در تبیین ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان رویکرد غالب..... ۲۴
- ۱/۱. امکان نقد الگوهای توسعه غربی با دو رویکرد متفاوت..... ۲۴

- ۱/۱/۱. رویکرد نخست؛ مطالعات کتابخانه‌های مستلزم طبقه‌بندی و نقد تاریخی و مفهومی توسعه در قالب چند ترم دانشگاهی ۲۴
- ۱/۱/۱/۱. نقد نظری الگوهای توسعه غربی اصلیت‌ترین مانع فهم عمومی ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۲۴
- ۱/۱/۲. بررسی تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی مستلزم تحقیقات و بررسی‌های کتابخانه‌ای صحیح و دقیق ۲۵
- ۱/۱/۳. طولانی بودن زمان مطالعات کتابخانه‌ای و عدم حوصله مخاطب برای شنیدن گزارش این مطالعات اولین اشکال استفاده از این رویکرد در نقد توسعه غربی ۲۵
- ۱/۱/۳/۱. عدم ورود به نقد نظری و کتابخانه‌های الگوهای توسعه غربی در نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به معنای عدم انحصار نقد الگوهای توسعه غربی به نقد نظری و کتابخانه‌ای ۲۵
- ۲/۲. بازخوانی عملکرد دولتهای دویست ساله‌ی اخیر در استفاده و برنامه‌ریزی براساس توسعه غربی در کشور و مقایسه نتیجه آن با آرمانها و شرایط تاریخی خویش، دومین رویکرد در نقد الگوهای توسعه غربی ۲۶
- ۲/۲/۱. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی به عنوان نقطه شروع نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی و قضاوت در مورد استفاده یا عدم استفاده از الگوهای توسعه غربی برای تحقق جهت انقلاب اسلامی ۲۶
- ۲/۲/۱/۱. طراحی جدول گفتمان پیشرفت اسلامی از آغازین لحظات بحث در تبیین مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» و تکامل تدریجی آن در ادامه ۲۷

فصل سوم: تبیین چیستی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (سومین منظر معرفی نقشه

- راه) ۲۸
۱. ضرورت بررسی و تبیین و پاسخ به تفاوت میان پیشرفت اسلامی و پیشرفت‌های متداول در دنیا به عنوان سؤال و پیش فرض ذهنی مخاطب ۲۹
- ۱/۱. توجه به چیستی مولفها و شاخصهای پیشرفت اسلامی اولین نکته در معرفی اولین نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۳۰
- ۱/۱/۱. شاخصه‌ی عدالت نمونه‌ای از تفاوت شاخصه‌های هویت اسلامی با شاخصه‌های توسعه غربی ۳۰
- ۱/۱/۲. مسائل خانواده یکی دیگر از تفاوت شاخصهای اسلامی پیشرفت با شاخصهای توسعه غربی ۳۱
- ۱/۱/۲/۱. غیرقابل انکار بودن ضعف اخلاق، معنویت و خانواده در هشت کشور صنعتی ۳۱

- ۱/۱/۲/۲. تناقض ادعای حرکت به سمت پیشرفت اسلامی با مسئله رشد طلاق و فروپاشی خانواده ۳۲
- ۱/۱/۳. مفروض بودن رشد جایگاه خانواده، اخلاق و معنویت در پیشرفت اسلامی برخلاف توسعه غربی ۳۲
۲. تعریف نقشه راه پیشنهادی فعلی به نقشه راه مرحله پیدایش و شروع تثوریزه کردن فعالیت‌های کشور به سمت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۳۲
- ۲/۱. ضرورت طراحی دو نقشه راه در تغییرات و تکامل تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۳۳
۳۳. «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» ۳۳
- ۲/۱/۱. تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» دوران گذار نتیجه نقشه راه مرحله پیدایش و «الگوی پیشرفت اسلامی» مطلوب محصول نقشه راه مرحله تغییرات و تکامل ۳۳
- ۲/۱/۱/۱. نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» دوران گذار یعنی؛ مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی در شرایط فعلی ۳۳
- ۲/۱/۱/۲. نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» مطلوب یعنی مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی پس از افزایش ظرفیتهای، مقدرات و ارتقاء ضریب اسلامیت ۳۴
۳. تفاوت در غایت «الگوهای توسعه غربی» با «الگوی پیشرفت اسلامی» علاوه بر تفاوت در شاخصهای آنها؛ به عنوان دومین تفاوت ۳۴
- ۳/۱. ساخت تمدن غایت اصلی الگوهای توسعه غربی برخلاف تصور برخی در تعریف توسعه به افزایش GDP و ارزش افزوده ۳۵
- ۳/۱/۱. تعریف الگوی توسعه غربی به ابزار تحقق مدرنیزاسیون و عبور از عدم توسعه یافتگی به سمت توسعه یافتگی و تحقق تمدن مدرن در کشور ۳۵
- ۳/۲. تعریف «الگوی پیشرفت اسلامی» به ابزار ساخت تمدن اسلامی نتیجه اعتقاد به تقابل انقلاب اسلامی با مدرنیته ۳۵
- ۳/۲/۱. تعریف الگوی مالزی و ترکیه با پسوند اسلامی به عنوان «الگوی پیشرفت اسلامی» منظور اصلی غیرمعتقدین به تقابل انقلاب اسلامی و مدرنیته ۳۶
- ۳/۲/۲. ساخت تمدن نوین اسلامی ایده محوری انقلاب برای قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ۳۶
- ۳/۲/۲/۱. تشبیه عدم درک معنای تمدن نوین اسلامی از سوی عدهای به عدم درک معنای روشنایی بدون فیتیله، اکسیژن و روغن در عصر ادیسون از سوی عدهای ۳۶

۳/۲/۲. اشتراک مسأله ساخت تمدن با مسأله ساخت لامپ در عدم درک مسائل جدید توسط بخشی از جامعه و افتراق آن دو به درازمدت بودن زمان ساخت تمدن و ضرورت مشارکت عمومی در ساخت آن ۳۷

۳/۳/۱. تنویریه کردن «الگوی پیشرفت اسلامی» راه حل ایجاد درک اجمالی برای جامعه علمی از مفهوم تمدنسازی و تفاهم با معتقدین به الگوهای توسعه در نگاه به این مسأله ۳۸

۳۹

فصل چهارم: بررسی موانع فهم چیستی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (چهارمین

۳۹

منظر معرفی نقشه راه) ۳۹

۱. عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان همایش‌ها، نشست‌ها و مصاحبه‌های نخبگان حوزوی و دانشگاهی اصلیت‌بین مانع در فهم چیستی مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» ۴۰

۱/۱. در نظر گرفتن شرایط بومی و فرهنگی ایران و رفتن به مسیر موجود در دنیا به عنوان تنها راه پیش روی بشریت نتیجه علاج نکردن این آفت به عنوان یک آسیب جدی در سی سال آینده ۴۱

۱/۲. عدم پاسخگویی دپارتمانهای علمی دنیا به سفارشات علمی ادبیات انقلاب به علت تأسیسی بودن این سفارشات اولین مقدمه در بررسی آسیبشناسی کارهای فکری انقلاب ۴۱

۱/۲/۱. انحلال سفارشات علمی ادبیات انقلاب در سؤالات قبلی مطرح در دو نهاد علمی حوزوی و دانشگاهی به جای پاسخگویی به این سفارشات در قالب همایش، نشست، مقاله و کتاب به عنوان دومین مقدمه در بررسی آسیبشناسی کارهای فکری انقلاب ۴۲

۱/۲/۲. انحلال چیستی مسئله پیشرفت و الگوی آن در مسئله چیستی الگوهای توسعه و پاسخ به مسئله چیستی الگوهای توسعه مثال عینی انحلال سفارشات انقلاب در سؤالات مشابه موجود ۴۳

۱/۲/۳. انحلال سؤال از چیستی زمان و مکان در اجتهاد، در زمان و مکان در اجرای حکم (تزامم) به عنوان مثال انحلال سفارشات علمی ادبیات انقلاب در ادبیات کارشناسی موجود و عدم فهم سؤال جدید انقلاب ۴۴

۱/۲/۳/۱. تکرار روند انحلال سفارشات ادبیات انقلاب در سؤالات مشابه موجود در دستگاه کارشناسی حوزه و دانشگاه طی ۳۰ سال گذشته در همایشهای متداول ۴۴

- ۱/۲/۳/۲. القاء عدم تأسیسی بودن و جدید بودن سفارشات رهبران انقلاب نتیجه
تحلیل سؤالات متداول بر سؤالات و سفارشات نو ادبیات انقلاب ۴۵
۲. تبیین مسأله جمهوری اسلامی مستلزم تبیین تطبیقی مفهوم توسعه و پیشرفت
و تفاوتها و نقاط اشتراک آنها ۴۵
- ۲/۱. یکی از ضرورت‌های تبیین تفاوتها و اشتراکات توسعه غربی با الگوی
پیشرفت اسلامی، یکسانانگاری مسأله الگوی پیشرفت اسلامی با توسعه غربی
بومی شده ۴۶
- ۲/۱/۱. یکسانانگاری اصلاح الگوی مصرف با رعایت استانداردهای توسعه
غربی توسط دستگاه کارشناسی یکی از شاهد مثالهای یکسانانگاری «توسعه
غربی» با «پیشرفت اسلامی» ۴۶
- ۲/۱/۲. تعریف پیشرفت اسلامی به تغییرات روبنایی در مفهوم توسعه متناسب
با شرایط تاریخی، جغرافیایی و ...؛ یا عدم یکسانانگاری پیشرفت اسلامی با
توسعه غربی؛ دو جریان موجود در «تولید الگوی پیشرفت اسلامی» ۴۶
- ۲/۲. وجود سه نوع نگاه؛ تبیین کلی توسعه و پیشرفت، اشتراکات فراوان
توسعه و پیشرفت و یکی بودن توسعه و پیشرفت نتیجه تعریف اجمالی این
مسأله به عنوان آفتی بعدی ۴۷
- ۲/۲/۲. ضرورت تعیین وابستگی همایشها به یکی از سه جریان موجود در
کشور برای حل مشکلات کشور و پاسخ صحیح به سؤالات انقلاب ۴۷
- ۲/۲/۲/۱. شروع از تبیین تفصیلی سؤالات و سفارشات انقلاب در جلسه با
نخبگان حوزوی و دانشگاهی، یکی از راهلهای پیشنهادی شورای راهبردی
برای مقابله با انحلال سفارشات ادبیات انقلاب در سؤالات رایج دنیا ۴۸
- ۲/۲/۲/۱/۱. تعارض شعار «اداره جامعه بر مبنای دین» و پاسخگویی مجریان
همایشهای سی ساله به سؤالات متداول به جای پاسخ به سؤالات ادبیات انقلاب
و ضرورت پاسخگو بودن آنها به این مسأله ۴۹
- ۲/۲/۲/۱/۲. درست بودن روند گذشته و فعلی مجریان همایشها و نشستها و
مصاحبهها در صورت پذیرفتن مبنای اداره جامعه توسط دینداران ۴۹
- ۲/۲/۲/۱/۳. ضرورت پاسخگویی به عملکرد سی ساله مجریان برگزاری
همایشها در کشور در صورت پذیرفتن اداره جامعه اسلامی توسط دین ۵۰
- ۲/۲/۲/۱/۳/۱. تعریف عمیقترین «جنگ نرم» به «انحلال نرم ارزشها و
آرمانهای انقلاب» در سطح برنامه ۵۰
- ۲/۲/۲/۱/۳/۲. تسهیل سیر انحلال انقلاب در مدرنیته و جمع‌بندی نخبگان به
عدم کارآمدی اسلام برای اداره جامعه و رفتن به سمت مدرنیسمون نتیجه عدم
فهم سؤالات جدید انقلاب و انحلال آنها در سؤالات متداول دنیا ۵۰

- ۲/۲/۲/۱/۳/۲/۱ . القای ناکارآمدی اسلام در اداره جامعه به نخبگان نتیجه پاسخ به سؤالات غلط (متداول) به جای پاسخ به سؤالات انقلاب ۵۱
- ۲/۲/۲/۱/۳/۲/۲ . تشبیه القای شبهه از طریق سؤال غلط در جنگ نرم، به آتش تهیه دشمن در جنگ سخت برای از بین بردن زیرساخت ها ۵۱
- ۲/۲/۲/۱/۳/۲/۳ . مقابله با آتش تهیه دشمن در جنگ نرم، بوسیله تبیین سؤال صحیح از غلط و عدم کفایت پاسخ به شبهه ۵۲
- ۲/۳ . ایجاد قدرت طرح سؤالات جدید از طریق شناسایی موضوعات ذهنی نخبگان جامعه بوسیله جدول موضوعات «الگوی پیشرفت اسلامی» ۵۲

فصل پنجم: تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی براساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (پنجمین منظر معرفی نقشه

- ۵۳ (راه) ۱. «مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی» و «ورود به عرصه های نظری برای تئوریزه کردن پیشرفت و نقد توسعه های غربی» دو رویکرد در مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۵۴
- ۱/۱ . شروع از نقد مبانی توسعه غربی به عنوان اولین روش در تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۵۴
- ۱/۱/۱ . مخالفت شورای راهبردی با رویکرد اول به دلیل طولانی مدت بودن زمان تفاهم بر نقد ادبیات توسعه ۵۵
- ۱/۱/۱/۱ . تناسب غالب جلسات و همایشهای برگزار شده یا در حال برگزاری با رویکرد اول ۵۵
- ۱/۱/۱/۲ . رهاسازی مدیریت فعلی و هدایت تحولات کشور به سمت انحلال در توسعه، محصول انحصار تعریف تقابل انقلاب اسلامی با تمدن غرب به تقابل مبنایی ۵۶
- ۱/۱/۱/۳ . ایجاد فضای درک نقشه راه پیشنهادی محصول توجه به سؤال؛ انحصار حرکت به سمت پیشرفت اسلامی به فعالیت های مبنایی یا مدیریت تحولات فعلی جامعه در کنار فعالیت های مبنایی؟ ۵۶
- ۱/۲ . مدیریت تحولات اجتماعی روش دوم برای ایجاد عزم ملی و حرکت به سمت تولید الگوی پیشرفت اسلامی، به عنوان پیشنهاد اصلی شورای راهبردی برای تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۵۷
- ۱/۲/۱ . تشبیه دو رویکرد در مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به لاین های سرعت اتوبان و عدم نفی و تعطیلی رویکرد نخست ۵۸
- ۲ . تبیین مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت بوسیله معادله «پردازش اجتماعی موضوعات جهت‌ساز» پیشنهاد شورای راهبردی ۵۹

- ۲/۱. تعریف «موضوعات جهتساز» به موضوعات مورد دقت و حساسیت همه
یا بخشی از جامعه ۵۹
- ۲/۱/۱. تبیین مصداقی «موضوعات جهتساز» مورد حساسیت همه یا بخشی از
جامعه به مسأله اقتصاد و پیشگیری از جرم ۵۹
- ۲/۲. تعریف فنی «موضوعات جهتساز» به موضوعات غیر قابل انکار و
مورد توجه و بحث عموم یا بخشی از جامعه ۶۰
- ۲/۳. تمرکز بر «موضوعات جهتساز» تنها راه تولید «الگوی پیشرفت
اسلامی» ۶۰
- ۲/۳/۱. شروع از مسائل مورد نیاز جامعه به دلیل عدم فهم ابتدایی مسأله
«الگوی پیشرفت اسلامی» توسط مردم به عنوان استدلالی ساده بر ضرورت
تمرکز بر «موضوعات جهتساز» ۶۰
- ۲/۳/۱/۱. عدم نیاز به «فرهنگسازی» برای توجه به مسأله «الگوی پیشرفت
اسلامی» در صورت تمرکز بر «موضوعات جهتساز» ۶۱
- ۲/۳/۲. اصلیت‌ترین شاخص انتخاب یک موضوع غیرقابل انکار به عنوان
«موضوعات جهتساز»، «قابلیت ترجمه» آن موضوع به بحث «الگوی
پیشرفت اسلامی» ۶۲
- ۲/۳/۲/۱. شناسایی هشتاد و یک «موضوع جهت ساز» در اولین نقشه راه
پیشنهادی برای تولید الگو در مرحله پیدایش توسط شورای راهبردی «الگوی
پیشرفت اسلامی» ۶۳
- ۲/۳/۳. ایجاد موج احساس نیاز به مسأله تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»
بوسیله طرح و پردازش هشتاد و یک «موضوع جهتساز» به عنوان روش
مختار در نقشه راه پیشنهادی ۶۳
- ۲/۳/۳/۱. تشخیص هشتاد و یک مسأله به عنوان مسائل و مشکلات بخشهای
مختلف جامعه ۶۳
- ۲/۳/۳/۲. تعریف الگوی پیشرفت مناسب و منتخب مردم ایران به الگوی پاسخ
دهنده به مسائل و مشکلات مشخص در نزد خویش ۶۳
- ۲/۳/۳/۳. ایجاد قیام ضد وال استریت و نابودی نهاد خانواده در کشورهای مهد
تولید الگوی توسعه غربی، یعنی عدم توانایی پاسخگویی این الگو به مسائل و
مشکلات مشخص نظام اسلامی ۶۴
- ۲/۳/۳/۴. شناسایی مسائل و مشکلات بخشهای مختلف کشور و جستجوی
الگویی برای پاسخگویی به مسائل و مشکلات، به عنوان حرف اصلی ۶۵
- ۲/۳/۳/۵. سؤال از توانایی الگوی توسعه غربی در کاهش فاصله طبقاتی و
تحکیم نهاد خانواده، به عنوان اصلیت‌ترین سؤال ۶۵

- ۲/۳/۳/۵/۱. ایجاد تردید درباره الگوی توسعه غربی در صورت عدم توانایی در حل مسائل و مشکلات مشخص ما ۶۵
- ۲/۳/۳/۵/۲. افزایش ضریب حضور افشار و گروه های مختلف جامعه در مسأله تولید «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با پردازش هشتاد و یک مسئله مرتبط با این افشار ۶۶
- ۲/۳/۳/۶. اثر گذاری بلندمدت در روش نظری بر بخشی از نخبگان در مقابل اثرگذاری کوتاه مدت بر همه افشار جامعه در روش پردازش «موضوعات جهتساز» ۶۶
- ۲/۳/۳/۷. امکان تفاهم درباره نقشه راه پیشنهادی در صورت پذیرش ضرورت مدیریت تحولات به سمت پیشرفت اسلامی در کنار نقد مبنایی توسعه غربی ۶۶
- ۲/۳/۳/۸. تئوریزه کردن «الگوی پیشرفت اسلامی» و نقشه راه تولید آن مستلزم گفتگو با نخبگان جامعه و تفاهم با آنها ۶۷
- ۲/۳/۳/۹. «مدیریت تحولات اجتماعی» مدخل و ورودی تفاهم یک ایده و نظریه با جامعه ۶۷
- ۲/۳/۳/۱۰. تفاهم مباحث نظری با جامعه مستلزم کارآمدی عملی دیدگاههای نظری در «مدیریت تحولات اجتماعی» ۶۷

فصل ششم: بررسی موانع چگونگی تولیدالگوی پیشرفت اسلامی براساس

- مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۶۸
۱. مواجهه انقلاب اسلامی با موانع متعدد در مسیر دستیابی به مهمترین مسأله خویش یعنی تئوریزه کردن تفصیلی اداره جامعه بر مبنای دین ۶۹
- ۱/۱. «یکسانانگاری» توسعه غربی با پیشرفت اسلامی با تغییرات جزئی در توسعه غربی به جای پیشرفت، بزرگترین مانع تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۶۹
- ۱/۱/۱. امکان انحراف الگوی پیشرفت اسلامی به سمت توسعه، در پژوهشی ملی برای تولید الگو ثمره یکسانانگاری ۶۹
- ۱/۱/۲. تفاوت ماهیتی الگوی پیشرفت اسلامی با الگوی توسعه غربی علیرغم تصور غلط جامعه علمی ایران از یکی بودن این دو با فرض تغییرات جزئی ۷۰
- ۱/۱/۳. جا زدن توسعه غربی به جای پیشرفت اسلامی نتیجه اقدام به تولید این الگو قبل از شکستن طلسم یکسان انگاری ۷۰
- ۱/۱/۴. «ضرورت به کارگیری همه بضاعت علمی کشور» در تولید الگو با توجه به ماهیت تمدنسازی و فراگیری «یکسان انگاری» توسعه غربی با

- پیشرفت اسلامی در میان اکثر نخبگان علمی کشور، دو مقوله مورد توجه در اولین نقشه راه تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» ۷۱
- ۱/۱/۵. مبتلا شدن به سرنوشت کشورهای G۸ دومین اثر یکسانانگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی ۷۱
- ۱/۱/۵/۱. وجود بحران خانواده و فروپاشی آن و حرکت به سمت جایگزین های دیگر برای خانواده در کشورهای توسعه یافته علی الخصوص کشورهای G۸ یکی از معایب اصلی توسعه یافتگی ۷۲
- ۱/۱/۵/۲. دریافت پنجاه میلیون کوبین غذا برای امرار معاش در توسعه یافته‌ترین کشور دنیا یعنی ایالات متحده آمریکا و فقدان عدالت یکی دیگر از معایب توسعه یافتگی ۷۲
- ۱/۱/۵/۲/۱. لزوم تقویت نهاد خانواده و گسترش عدالت اجتماعی، به عنوان اجزاء قطعی «الگوی پیشرفت اسلامی» ۷۲
- ۱/۱/۵/۳. توجه به خطر یکسان انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی در صورت مطالعه اسناد بین المللی توسعه ۷۳
- ۱/۱/۵/۳/۱. بررسی یکی از اسناد بین المللی توسعه به نام گزارش های سالانه بانک جهانی تحت عنوان wdi برای تبیین خطر توسعه غربی ۷۳
- ۱/۱/۵/۳/۱/۱. تبیین و طبقه‌بندی شاخصه های جهانی توسعه (wdi) در شش بخش جهان نما، جمعیت، محیط زیست، اقتصاد، ملت ها و بازارها ۷۳
- ۱/۱/۵/۳/۱/۲. معرفی هشتصد شاخص در بخشهای ششگانه مختلف در گزارشهای سالانه بانک جهانی تحت عنوان wdi ۷۴
- ۱/۱/۵/۳/۱/۳. رایمان زیر نظر پزشک، میزان ابتلای به ایدز، میزان استفاده از تلفن همراه، تعداد کاربران خانگی از اینترنت و صدها شاخص دیگر نمونه‌های از شاخصهای توسعه معرفی شده در wdi ۷۴
- ۱/۱/۶. جدول شماره یک گفتمان عدالت و پیشرفت پاسخ متناسب برای مقابله با یکسان انگاری توسعه با پیشرفت اسلامی ۷۴
- ۱/۲. حرکت به سمت ابزارهای آموزشی و تبلیغی توسط بخش قابل توجهی از معتقدین به «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان ابزار ساخت تمدن اسلامی دومین مانع تولید این الگو ۷۵
- ۱/۲/۱. استفاده از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی به جامعه، به عنوان روش گروه اول ۷۵
- ۱/۲/۱/۱. فقدان منابع پژوهشی و آموزشی مکفی، اولین دلیل مخالفت ما با این روش گروه اول برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی به جامعه ۷۵

- ۱/۲/۱/۲. فقدان منابع انسانی متبحر و مسلط به این موضوع، دومین دلیل و مانع عدم استفاده فراگیر از این روش ۷۶
- ۱/۲/۱/۳. عدم احساس نیاز به الگوی پیشرفت اسلامی در اثر استفاده از این روش و عدم ایجاد عزم ملی از این روش، سومین علت مخالفت با این روش ۷۶
- ۱/۲/۲. رجوع به روش های ترویجی و تبلیغی در انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه غربی با پیشرفت اسلامی، به عنوان روش دومین گروه از معتقدین به انقلاب برای انتقال این ایده به جامعه ۷۷
- ۱/۲/۲/۱. عدم امکان تفاهم و تبیین مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در جامعه به روش تبلیغی و ترویجی به طریق اولی به دلیل ضرورت تولید منابع آموزشی قبل از ترویج آنها ۷۷
- ۱/۲/۲/۲. برگزاری همایشها و مصاحبههای ترویجی در کشور برای موضوعات تحولی به عنوان تنها اقدام به معنای عدم انتقال آن موضوع به جامعه ۷۸
- ۱/۲/۲/۳. جمعبندی جمعینهای معتقد به انقلاب در عدم امکان تحقق آرمانهای انقلاب بوسیله توسعه، یک موفقیت بزرگ ۷۹
- ۱/۲/۲/۴. عدم تعمیق مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به دلیل استفاده از روشها و ساختارهای نامناسب توسط جمعیت های دغدغه مند برای تولید الگو، یکی دیگر از خطرات پیش روی الگو ۷۹

فصل هفتم: تبیین مفهومی و مصداقی روش مختار در نقشه راه تولید الگوی

- پیشرفت اسلامی** ۸۰
۱. تبیین مفهومی تمثیلی پردازش موضوعات جهت ساز (هشتاد و یک موضوع جهت ساز) به عنوان معادله مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت ۸۱
- ۱/۱. ضرورت رعایت سه اصل برای ایجاد تحول در جامعه در موضوعات تحولی برای مدیر تحولات آشنا با جامعه شناسی اسلامی ۸۱
- ۱/۱/۱. شروع از موضوعات غیر قابل انکار گروه هدف، به عنوان اولین اصل ۸۱
- ۱/۱/۱/۱. رعایت اصل اول در انتخاب «پیشگیری از جرم» به عنوان یک «موضوع جهتساز» مطرح در نقشه برای تفاهم با قوه قضائیه ۸۲
- ۱/۱/۱/۲. غیر قابل انکار بودن موضوع «پیشگیری از جرم» برای قوه قضائیه به معنای قبول ضرورت و اولویت این موضوع برای این نهاد ۸۲
- ۱/۱/۲. «قابلیت ترجمه هر موضوع» به مسأله الگو دومین اصل ضروری در استفاده از روش مختار ۸۲

- ۱/۱/۲/۱. تحلیل مسأله پیشگیری از جرم براساس تحلیلهای انقلاب و اسلام با عنوان پیشگیری بنیادین به عنوان تطبیق مصداقی اصل دوم با یکی از موضوعات جهتساز..... ۸۳
- ۱/۱/۲/۲. تعریف منشأ پیدایش جرم به خدشه های بنیادین به شخصیت و جایگاه شکلگیری صحیح شخصیت در خانواده غیراسلامی..... ۸۳
- ۱/۱/۲/۳. تعریف الگوی آموزش جامعه به عنوان یک الگوی ضد خانواده و یکی از عوامل تضعیف نهاد خانواده از طریق اشغال سن تربیت و ازدواج..... ۸۴
- ۱/۱/۲/۴. ضدیت توسعه با نهاد خانواده در نتیجه تعریف نظام آموزشی فعلی به عنوان بخشی از الگوی توسعه غربی..... ۸۴
- ۱/۱/۲/۵. عدم آموزش های لازم برای پذیرش زندگی مشترک و تشکیل خانواده در دوران تحصیل یکی دیگر از جنبه های ضد خانواده نظام آموزشی فعلی..... ۸۵
- ۱/۱/۲/۶. تعریف الگوی مصرف جامعه به عنوان یکی دیگر از عوامل تأخیر در شروع زندگی مشترک و تضعیف کننده خانواده..... ۸۵
- ۱/۱/۲/۶/۱. تنزل نقش پدر و مادر به نان آور مذکر و نان آور مونث برای تأمین الگوی مصرف خانواده و واگذاری تربیت کودکان به مهد کودک ها یکی دیگر از اثرات منفی الگوی مصرف بر تضعیف نهاد خانواده..... ۸۶
- ۱/۱/۲/۷. تعریف الگوی تولید مدرن با نگاه حقیرانه به زن به عنوان نیروی کار سومین عامل تضعیف نهاد خانواده..... ۸۶
- ۱/۱/۲/۷/۱. ایجاد امنیت برای مرد و شوهرداری وظیفه اختصاصی زن و نقش مادر در تربیت فرزندان به عنوان متغیر اصلی در تربیت اسلامی علیرغم نگاه ابزاری الگوی تولید به زن..... ۸۷
- ۱/۱/۲/۷/۲. تعریف خانه به عنوان محل سکینه و پناه بردن مرد از سختی های کار روزانه به آن به عنوان ریشه سعادت انسان و جامعه در صورت نگاه درست به جایگاه پدر و مادر..... ۸۷
- ۱/۱/۲/۷/۳. فرعی شدن نقش شوهرداری و مادری به دلیل تعریف زن به عنوان نیروی کار ارزان در الگوی تولید و تضعیف جایگاه خانواده..... ۸۷
- ۱/۱/۲/۷/۳/۱. افزایش استعداد اجتماعی برای ارتکاب جرم به دلیل تضعیف نهاد خانواده توسط سه عامل ذکر شده..... ۸۸
- ۱/۱/۲/۷/۴. شروع بحث و تفاهم با قوه قضائیه از پیشگیری از جرم و تحلیل مبنایی آن به ضرورت تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان لازمه پیشگیری مبنایی از وقوع جرم علیرغم ضرورت اقدام به کار کوتاه مدت در این مسأله..... ۸۸

- ۲/۲/۳/۳/۳/۵. تغییر تعریف و مفهوم جرم و تحدید آن به جرائم راهنمایی و رانندگی و جرائم فضای مجازی در کشورهای توسعه یافته دلیل کاهش ورودی پرونده های برخی کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشور ما ۸۹
- ۲/۲/۳/۳/۳/۶. تفاوت ماهیت جرم در کشورهای اسلامی با ماهیت جرم در کشورهای غیر اسلامی به معنای لفظ مشترک بودن جرم در این دو دسته کشور و تفاوت در معنای جرم در این کشورها ۹۰
- ۱/۱/۳. «قابلیت ایجاد مشارکت اجتماعی» نخبگان و مسئولان و مردم سومین وصف برای انتخاب یک موضوع به عنوان «موضوع جهتساز» ۹۰
- ۴/۲. ایجاد عزم ملی نسبت به موضوع الگوی پیشرفت اسلامی بدون استفاده از شیوه های ترویجی و آموزشی در صورت پردازش اجتماعی موضوعات انتقال(جهت ساز) ۹۱
- ۲/۳/۱. تعریف نقشه راه به هشتاد و یک مدخل و مکان برای مدیریت و هماهنگی ساختارها با مبنا و مراحل تحقق مبنای حرکت انقلاب اسلامی ۹۱
- ۲/۳/۲. عملیات حول «هشتاد و یک» محور نقشه راه یعنی برهم زدن تعادل برنامه های توسعه به محوریت اقتصاد و تعریف تعادل پیشرفت جامعه به محوریت فرهنگ ۹۱
- ۲/۳/۲/۱. پیشگیری از جرم، مدل تقنین اسلامی، نمونه ای از هشتاد و یک مدخل مدیریت ساختارها به سمت مبنا و مراحل انقلاب اسلامی و تغییر تعریف تعادل حول اقتصاد به تعادل حول فرهنگ ۹۲
- ۲/۳/۲/۱/۲/۲/۳. تعریف «جهت حرکت انقلاب اسلامی» به عنوان نقطه ثقل استدلال بر مدخل های ۲۷ گانه ی پیشنهادی در نقشه راه ۹۳
- ۴/۲/۲. تعریف «بانک سوالات عدالت و پیشرفت» به عنوان موضوع جهتساز جریانهای دانشگاهی و مقدمه اساسی راهاندازی کرسیهای آزاداندیشی ۹۳
- ۴/۲/۲/۲. تشابه «بانک سوالات عدالت و پیشرفت» در راه اندازی کرسیهای آزاداندیشی به موضوع «پیشگیری از جرم» در قوه قضائیه ۹۴
- ۴/۲/۲/۳. غیرقابل انکار بودن ضرورت و اولویت فضای آزاداندیشی در دانشگاه علیرغم فقدان اقدام جدی برای ایجاد این فضا ۹۴
- ۴/۲/۲/۳/۲. عدم تسلط نیروهای انقلابی به ادبیات و ایده های انقلاب علت اصلی عدم تحقق کرسیهای آزاداندیشی ۹۴
- ۴/۲/۲/۳/۳. بانک «سوالات عدالت و پیشرفت»، پیشنهادی برای ایجاد تسلط نیروهای انقلاب به ادبیات و ایده های انقلاب در کمترین زمان ممکن ۹۵
- ۴/۲/۲/۳/۴. دستور شجاعانه امام خامنه ای علیه السلام برای راهاندازی کرسیهای آزاداندیشی به دلیل تسلط ایشان به ایده و ادبیات انقلاب و اعتقاد به غلبه فکر اسلامی بر فکر مدرنیته ۹۵

- ۴/۲/۳/۴/۱ . پاسخ شجاعانه امام خمینی رض در دستور به شلیک به ناوهای
آمریکایی در جنگ تحمیلی در خلیج فارس به دلیل اتکال علی الله و شجاعت
ایشان ۹۵
- ۴/۲/۳/۴/۳ . تشبیه تمثیلی «بانک سؤالات عدالت و پیشرفت» به «پادگان
دوکوهه» برای توانمندسازی سریع نفرات و حفظ خط مقدم نبرد ۹۶
- ۴/۲/۳/۴/۴ . آمادگی راهاندازی فاز صفر بانک سؤالات انقلاب از مدرنیته
و توسعه ۹۷
- ۴/۲/۳/۴/۴/۲ . تبدیل جنگ چریکی در عرصه جنگ نرم به جنگ منظم با
قابلیت طراحی عملیات، بوسیله بانک «سؤالات عدالت و پیشرفت» ۹۷
- ۴/۲/۳/۴/۵ . آمادگی راهاندازی قرارگاه موضوعات انتقال نظام در صورت
وجود امکانات و مقدرات و اختیارات لازم ۹۷
- ۷/۲/۱ . تعریف موضوعات جهت ساز در شورای راهبردی الگوی پیشرفت
اسلامی به هشتاد و یک مسئله مذکور در مباحث ۹۸
- ۷/۲/۲ . ایجاد عزم ملی از هشتاد و یک بخش جامعه برای تولید الگوی
پیشرفت اسلامی به دلیل تبیین نسبت الگو با نیاز فعلی جامعه اولین اثر به
کارگیری روش دوم ۹۸
- ۷/۲/۲/۱ . عدم نفی توسعه غربی به عنوان نقطه شروع و سؤال از کارشناسان
جهانی توسعه غربی برای پاسخ به نیازها و مسائل مشخص جامعه ایران ... ۹۸
- ۷/۲/۲/۲ . ایجاد قضاوت به صورت منطقی درباره کارآمدی توسعه غربی و
درگیری نیاز جامعه با مسئله تولید الگو دو اثر به کارگیری گفتمانسازی به
شیوه پردازش موضوعات جهتساز برای حرکت به سمت الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت ۹۹

فصل هشتم: تبیین اجمالی جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان شاه مهره اصلی فهم اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی (به عنوان منظر هشتم)

- ۱۰۱
۱ . آشنایی با نقشه راه مستلزم تسلط بر نه محور بحثی با عنوان الگوی ساخت نظامات
اسلامی ۱۰۲
- ۱/۱ . تعریف مهمترین محور از الگوی ساخت نظامات اسلامی به تسلط
بر «جهت حرکت انقلاب اسلامی» به عنوان شاه مهره این الگو ۱۰۲
- ۱/۱/۱ . کفایت تئوریزه کردن جهت حرکت جریان اجتماعی انقلاب اسلامی
برای مدیریت تحولات اجتماعی، به عنوان پایه ی اصلی نقشه راه پیشنهادی
..... ۱۰۲

- ۱/۱/۲. ارائه تبیین روشنی از جهت حرکت انقلاب اسلامی، مسأله اصلی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۱۰۳
- ۱/۲. تبیین جهت حرکت انقلاب مستلزم تبیین مبنای حرکت انقلاب، شناسایی مراحل و اولویت های اصلی هر مرحله ۱۰۳
- ۱/۲/۱. تبیین تفاوت میان دو اصطلاح اهداف انقلاب اسلامی و مبنای انقلاب قبل از تعریف مبنا ۱۰۴
- ۱/۲/۲. تعریف مبنای حرکت به «ایدئیمحوری» محرک و انگیزه بخش غیر قابل تغییر، تقیه و تحریف در شرایط زمانی و مکانی متغیر ۱۰۴
- ۱/۲/۳. «نظامسازی اسلامی» برای «تحقق شاخصهای اسلام» در جامعه مبنای حرکت جمهوری اسلامی ۱۰۵
- ۱/۲/۳/۱. تبیین بیشتر مبنای حرکت جمهوری اسلامی مستلزم تبیین دو مبنای رقیب و موثر در حرکت های اجتماعی ایران ۱۰۷
- ۱/۲/۳/۱/۱. تعریف دقیق مبنای حرکت جمهوری اسلامی نیازمند دو بستر جلسه بحث مفصل برای مقایسه دو مبنای رقیب و هم عرض مبنای حرکت جمهوری اسلامی ۱۰۷
- ۱/۲/۳/۱/۱/۱. مبنای «جریان روشنفکری» اولین مبنای تأثیرگذار بر حرکت انقلاب اسلامی برای ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون در ایران ۱۰۷
- ۱/۲/۳/۱/۱/۱/۱. ایجاد مدرنیته و بومیسازی آن در ایران، هدف محوری جریان روشنفکری ۱۰۸
- ۱/۲/۳/۱/۱/۱/۲. سعی در تغییر مبنای فرمانبری پتانسیلهای اجتماعی از ارزشهای اسلام به محور ارزشهای مدرن، ویژگی مبنای روشنفکری در عرض مبنای انقلاب ۱۰۸
- ۱/۲/۳/۱/۱/۲. انتخاب روش «تبلیغ شاخصهای هویت اسلامی» برای تحقق «شاخصهای هویت اسلامی»، روش جریان فهم سنتی از اسلام ۱۰۹
- ۱/۲/۳/۱/۱/۲/۱. ابلاغ شاخصهای هویت اسلامی تنها فعالیت جریان اسلام سنتی برای تحقق شاخصهای هویت اسلامی؛ اصلیت این جریان ۱۱۰
- ۱/۲/۳/۱/۱/۳. «نظامسازی اسلامی» مبنای جریان انقلاب اسلامی برای تحقق «شاخصهای هویت اسلامی» ۱۱۰
- ۱/۲/۳/۱/۱/۳/۱. استفاده از کلمه شاخصه های هویت اسلامی برای مرزبندی با جریان روشنفکری ۱۱۰
- ۱/۲/۳/۱/۱/۳/۲. استنباط شاخصه های هویت اسلامی و برنامه ریزی برای تحقق آن علت تمایز و تفاوت مبنای انقلاب با دو مبنای رقیب خود یعنی جریان روشنفکری و جریان اسلام سنتی ۱۱۱

- ۱/۲/۳/۱/۱/۳/۳ وجود جریان‌های مختلف در چگونگی برنامه ریزی تحقق مبتنی بر اسلام در درون جریان معتقد به مبنای انقلاب اسلامی ۱۱۳
- ۱/۲/۳/۱/۱/۳/۴ تعریف حرکت امام خمینی علیه السلام به نوآوری به معنای نوآوری در روش تحقق اهداف اسلامی و نه تغییر در اهداف انقلاب ۱۱۳
- ۱/۲/۳/۱/۱/۳/۴/۱ عدم امکان حفظ عزت و دفاع از مظلوم بوسیله تبلیغ به عنوان نمونه‌های از اهداف اسلامی ۱۱۳
- ۱/۲/۳/۱/۱/۳/۵ تبیین بیشتر مبنای جریان انقلاب اسلامی به نظام‌سازی اسلامی در عرصه نظامات آموزشی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و ۱۱۴
- ۱/۳ ضرورت بحث از مراحل «ساخت نظامات اسلامی» اداره جامعه؛ به علت تدریجی بودن تحقق هر مبنایی ۱۱۴
- ۱/۳/۱ تقسیم بندی مراحل تحقق مبنای جمهوری اسلامی به پنج مرحله و تبیین آن توسط حضرت آیت الله الامام خامنه‌ای علیه السلام ۱۱۵
- ۱/۳/۱/۱ انقلاب اسلامی یعنی اخذ اختیارات اجتماعی از غیر معتقدین به مرجعیت ارزشهای اسلامی در اداره جامعه ۱۱۷
- ۱/۳/۱/۲ نظام اسلامی یعنی تعریف هویت اجتماعی و اصول حرکت انقلاب در قانون اساسی برای ورود به ساختارها و برنامه‌ریزی اجتماعی ۱۱۷
- ۱/۳/۱/۳ دولت اسلامی، یعنی تغییر محوریت برنامه‌ریزی در ساختارها از محوریت شاخصهای توسعه به محوریت شاخصهای اسلام ۱۱۹
- ۱/۳/۱/۳/۱ تبیین تمثیلی دولت اسلامی به لزوم تغییر برنامه‌ریزی از محوریت شاخصهای توسعه به محوریت شاخصهای اسلام ۱۱۹
- ۱/۳/۱/۳/۱/۲ توانمند سازی ساختارهای به معنای پشت سر گذاشتن مرحله دولت اسلامی ۱۲۱
- ۱/۳/۱/۳/۱/۳ یکی دانستن پیشرفت اسلامی و توسعه غربی توسط نخبگان کشور دغدغه اصلی امام خامنه‌ای علیه السلام ۱۲۲
- ۱/۳/۱/۴ جامعه اسلامی، یعنی تحقق شاخصهای اجتماعی اسلام در جامعه ۱۲۳
- ۱/۳/۱/۴/۱ تعریف جامعه اسلامی به برنامه ریزی در ساختارهای جامعه و تحقق آنها علاوه بر فهم تفاوت میان پیشرفت و توسعه ۱۲۳
- ۱/۳/۱/۵ تمدن اسلامی یعنی فراگیری و انتشار الگوی پیشرفت اسلامی محقق شده در ایران و گسترش آن به دیگر نقاط جهان ۱۲۴
- ۱/۴ تبیین موضوعات انتقال میان مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی به عنوان سومین مهره تبیین مفهوم جهت حرکت انقلاب اسلامی ۱۲۵
- ۱/۴/۱ موضوع انتقال یعنی برنامه‌ریزی برای تحقق بخش قابل تحقق از مبنا با توجه به ظرفیتهای، اقتضانات و موانع تحقق مبنا در هر مرحله ۱۲۵

- ۱/۴/۲ . شناسایی موضوع انتقال هر مرحله به واسطه شناسایی موانع موجود در آن مرحله و موضوع مرتفع کننده‌ی آن مانع ۱۲۶
- در بسیاری از انقلابها مانند انقلاب اخیر مردم مصر، اختیار به دست انقلابیها افتاد، اما به دلیل نداشتن الگوی جایگزین یا تمایل به الگوهای مرسوم دنیا انقلاب آنها به سمت و سویی دیگر رفت و نهایتاً توسط استکبار جهانی، انقلاب آنها مصادره شد. ۱۲۷
- ۱/۴/۲/۱ . تبیین تئوری ولایت فقیه توسط امام خمینی علیه السلام، موضوع انتقال ما از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی ۱۲۷
- ۱/۴/۲/۱/۱ . تبیین اجمالی تئوری ولایت فقیه امام خمینی در جامعه ایران به جای نظام شاهنشاهی، موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی ۱۲۹
- ۱/۴/۲/۲ . ظرفیتسازی مفهومی و انسانی با در رأس امور قرار گرفتن جنگ توسط امام علیه السلام علت انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی ۱۳۰
- ۱/۴/۲/۲/۱ . فقدان نیروی متخصص و متعهد و توانمند برای اداره داخلی کشور و فقدان تعریف روشن از حکومت ولی فقیه در جهان، مانع اصلی انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی ۱۳۱
- ۱/۴/۲/۲/۲ . تعریف مرحله فعلی به دولت اسلامی و مرحله آینده به جامعه اسلامی ۱۳۷
- ۱/۴/۲/۳ . تعریف موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی به «تولید الگوی پیشرفت اسلامی» برای توانمندی ساختارهای نظام ۱۳۷
- ۱/۴/۲/۳/۱ . تفاوت توانمند سازی ساختارهای نظام در مرحله سوم و مرحله اول در توانمندسازی برای استقرار نظام مثل سپاه پاسداران در مرحله اول و توانمندسازی در مرحله سوم به توانمندسازی همه جانبه ۱۳۹
- ۱/۴/۲/۳/۲ . نقد مسأله محور مفهوم توسعه از آغاز امامت اجتماعی امام خامنهای علیه السلام با طرح مفاهیمی همچون عزت، حکمت، مصلحت و عدالت . ۱۴۰
- ۱/۴/۲/۳/۳ . عدم ظرفیت نقد مبنایی و ساختاری توسعه دلیل نقد مسأله محور برای حفظ شاخصه های اسلامی موجود و ایجاد ظرفیت لازم برای نقد مفاهیم توسعه توسط امام خامنهای علیه السلام ۱۴۱
- ۱/۴/۲/۳/۴ . عدم توجه بسیاری از نخبگان و مسئولین به مسئله الگوی پیشرفت و حرکت به سمت دولت های توسعه گرا در دهه عدالت و پیشرفت علیرغم بستر سازی های امام خامنهای علیه السلام ۱۴۱

- ۱/۴/۲/۳/۵. عدم امکان وجود بیش از یک موضوع انتقال در هر مرحله از مراحل پنج گانه تحقق مبنا ۱۴۲
- ۱/۴/۲/۳/۶. موضوع انتقال مهمترین بخش تبیین و حفظ جهت به علت اهمیت آن در مدیریت فرآیند انتقال ۱۴۲
- ۱/۴/۲/۳/۷. تعریف بانک سئوالات ایده ای برای درگیری نخبگان با مسئله الگو و توانمندسازی ساختارها ۱۴۳
- ۱/۴/۲/۳/۸. سؤال از تناسب همه امور با توانمندسازی ساختارها و تناسب خانواده با مسأله توانمندسازی ساختارها به عنوان زیر ساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۱۴۳
- ۱/۴/۲/۳/۹. تعریف نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان نقشه راه گام دوم توانمند سازی ساختارهای نظام و ضرورت تولید نقشه راه گام سوم ۱۴۴
- ۱/۴/۲/۳/۹/۱. تقسیم مرحله دولت اسلامی یعنی توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا به سه مرحله ۱۴۴
- ۱/۴/۲/۳/۹/۲. تعریف دولت اسلامی مرحله تغییرات به تغییرات ساختارهای فعلی یعنی قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی ۱۴۴
- ۱/۴/۲/۳/۹/۳. تعریف دولت اسلامی مرحله تکامل به قانون اساسی انقلاب فرهنگی ۱۴۵
- ۱/۴/۲/۳/۱۰. پیشنهاد تعریف مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به جای سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور زیر نظر دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام ۱۴۵
- ۱/۴/۲/۳/۱۱. حفظ هویت خانواده ضرورت اصلی ساختار آموزش و پرورش به عنوان تحولی بنیادین برای تربیت همسر در این ساختار ۱۴۵
- ۱/۴/۲/۳/۱۱/۱. عدم ملاحظه ارتباط طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش با حفظ و تقویت هویت خانواده و تربیت همسر به علت عدم تبیین جهت جمهوری اسلامی ۱۴۶
- ۱/۴/۲/۳/۱۱/۲. اصلاح ساختار الگوی مصرف یکی دیگر از ضروریات حفظ و تقویت هویت خانواده ۱۴۶
- ۱/۴/۲/۳/۱۱/۳. تفاوت مبنای رفاه خانواده با مبنای آسایش و آرامش خانواده به تعریف آسایش به احکام خانواده و رفاه به نوع نگاه به پدر و مادر به عنوان نان آور ۱۴۷
- ۱/۴/۲/۳/۱۱/۴. ارائه روش برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده زیر ساخت الگوی پیشرفت اسلامی ۱۴۷
- ۱/۴/۲/۳/۱۱/۵. تعریف الگوی پیشرفت اسلامی به نظام معادلات محقق کننده ی مبنا ۱۴۸

- ۱/۴/۵/۱/۱/۴/۲/۳/۱. تولید نظام معادلات محقق کننده ی مبنای انقلاب اسلامی
 بواسطه نقد توسعه غربی به عنوان سومین مانع در مرحله سوم ۱۴۸
- ۱/۴/۲/۴. ایجاد بانک اطلاعات اسلامی موضوع انتقال از مرحله جامعه
 اسلامی به مرحله تمدن اسلامی ۱۵۵
- ۱/۴/۲/۴/۱. تعریف بانک اطلاعات اسلامی به شبکه ی گسترده ی پژوهشی
 برای پاسخگویی به سئوالات مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی متناسب با
 ظرفیت، شرایط اقلیمی و بومی مردم جهان ۱۵۶
- ۱/۴/۲/۴/۲. در رأس امور بودن چهار موضوع انتقال تعریف شده در اولین
 نقشه راه تولید الگوی پیشرفت ۱۵۶

فصل نهم: معرفی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و جریانات فعال در این عرصه (نهمین منظر معرفی

- نقشه راه) ۱۵۸
۱. تشکیل دهها حلقه و گروه مطالعاتی راجع به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی پس از
 ایجاد تشکیلات رسمی درباره مسأله الگوی پیشرفت در دفتر آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام و
 سفارش ایشان نسبت به این مسأله ۱۵۹
۲. تبیین صحیح چرایی (ضرورت های) الگوی پیشرفت، تبیین چستی مسأله الگوی
 پیشرفت و تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ملاک طبقه بندی گرو های و
 حلقه های فعال به ده جریان بواسطه بررسی اسناد علمی ارائه شده در مقالات، کتابها،
 سایتها و همایشها توسط شخصیتها ۱۶۰
- ۲/۱. تبیین ضرورت تولید الگوی پیشرفت اسلامی موضوع بحث عمده مقالات
 نوشته شده در این موضوع، ترسیم تصویری هر چند اجمالی از چستی مسأله
 الگوی پیشرفت اسلامی و ورود چند جریان انگشت شمار به مسأله چگونگی
 تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۱۶۰
- ۲/۲. ترسیم افق نزدیک در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» به گفتگوی
 درونی میان ده جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی برای تجمیع
 ظرفیت و ایجاد عزم ملی و توان جمعی برای تولید الگو ۱۶۱
- ۲/۲/۱. ضرورت ایجاد همگرایی بین جریانات فعال به محوریت مرکز الگوی
 پیشرفت اسلامی به عنوان آینده نزدیک پیش رو برای مسأله الگوی پیشرفت
 اسلامی ۱۶۱
- ۲/۲/۱/۱. میسر شدن گام های بعدی در مسیر تولید الگوی پیشرفت اسلامی
 مستلزم تحقق همگرایی و فضای گفتگو میان این جریانات ۱۶۱
- ۲/۳. معرفی ۱۰ جریان فعال در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» ۱۶۲

- ۲/۳/۱. مرکز الگوي پيشرفت اسلامي، ايراني پيشرفت با مسئوليت آقاي صادق واعظ زاده نخستين جريان فعال در مسئله نقشه راه توليد الگوي پيشرفت .. ۱۶۲
- ۲/۳/۱/۱. اعتقاد به استفاده از تمام ظرفيت فکري و نخبگانی جامعه در مرکز الگوي پيشرفت اسلامي بنا به تاکيد آيت الله امام خامنه‌اي براي تحقق الگو ۱۶۲
- ۲/۳/۱/۲. تعريف مرکز الگوي پيشرفت اسلامي به ستاد هدايت و راهبري تمام موسسات، دانشگاهها و سازمانها و نهادهای فعال در طراحی الگو ۱۶۳
- ۲/۳/۲. پژوهشگاه بين المللي المصطفي با مسئولين حجت الاسلام مهدي رجايي دومين جريان شناسايي شده در مسئله الگوي پيشرفت اسلامي ۱۶۳
- ۲/۳/۲/۱. موسسه پژوهشي، آموزشي، کاربردي قدر به عنوان زير مجموعه پژوهشگاه بين المللي المصطفي درگير با مسئله الگوي پيشرفت اسلامي با موضوع تعريف پروژه هاي پژوهشي در زمينه شاخصه هاي الگوي پيشرفت از جمله شاخص خانواده ۱۶۴
- ۲/۳/۳. دفتر مطالعات توسعه اسلامي دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران سومين جريان فعال در زمينه الگوي پيشرفت اسلامي ۱۶۴
- ۲/۳/۳/۱. برگزاري دو دوره سلسله نشست به صورت هفتگي يا هر دو هفته یک بار و دعوت از شخصيت هاي مختلف در اين نشست ها خروجي کار دفتر مطالعات توسعه اسلامي دانشکده اقتصاد ۱۶۴
- ۲/۳/۴. مرکز الگوي سياسي ايراني پيشرفت سازمان مديريت چهارمين جريان فعال در مسئله توليد الگوي پيشرفت اسلامي براساس احکام برنامه پنجم توسعه در تکليف به دولت براي توليد اين الگو تا پايان برنامه پنجم ۱۶۵
- ۲/۳/۴/۱. تغيير مسئوليت مرکز الگوي سياسي ايراني پيشرفت سازمان مديريت از آقاي سيف الدين به حجت الاسلام رجايي و از حجت الاسلام رجايي به آقاي زري باف و برگزاري جلسات هفتگي سلسله نشست ها شبیه به کار مرکز مطالعات توسعه اسلامي ۱۶۵
- ۲/۳/۵. دانشگاه امام صادق عليه السلام به محوريت آقاي عادل پيغمي و آقاي زاهدي فرما، پنجمين جريان فعال در مسأله الگوي پيشرفت اسلامي ۱۶۶
- ۲/۳/۶. تيم سه نفره پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ي قم به محوريت سيدعباس موسوي، ششمين جريان فعال در مسأله الگوي پيشرفت اسلامي ۱۶۶
- ۲/۳/۷. جرياني به محوريت آقاي رفيعي آتاني با برگزاري کنفرانس هاي ملي الگوي پيشرفت و تحول در علوم انساني هفتمين جريان فعال در زمينه توليد الگوي پيشرفت اسلامي ۱۶۶
- ۲/۳/۷/۱. انتشار يادداشت و مقاله توسط آقاي رفيعي آتاني در بسط مفهوم پيشرفت از جمله کارهاي اين جريان ۱۶۷

- ۲/۳/۸. فرهنگستان علوم اسلامی به محوریت حجت الاسلام سیدمهدی میرباقری، هشتمین جریان فعال در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» ۱۶۷
- ۲/۳/۸/۱. حضور کمرنگ فرهنگستان علوم اسلامی در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی علی رغم وجود پشتوانه علمی مرحوم آقای حسینی هاشمی ۱۶۷
- ۲/۳/۹. حسینی اندیشه به عنوان جریان منشعب شده از فرهنگستان به مسؤلیت حجة الاسلام مسعود صدوق، نهمین جریان فعال در مسأله الگوی پیشرفت اسلامی ۱۶۸
- ۲/۳/۹/۱. حضور حسینی اندیشه در مسئله الگوی پیشرفت اسلامی بررنگتر از جریان فرهنگستان علی رغم رکود نسبی حسینی اندیشه در مسئله الگوی ۱۶۸
- ۲/۳/۱۰. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، دهمین جریان فعال در مسئله الگوی پیشرفت اسلامی با موضوع کار جداول سه گانه نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۱۶۸
- ۲/۳/۱۰/۱. تبیین فعالیت های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در سه محور؛ تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، توانمندسازی بخشی بواسطه مأموریت های ۲۷ گانه طراحی شده در نقشه راه و تنظیم سیاست های کلان برنامه ششم توسعه ۱۶۹
- ۲/۳/۱۰/۱/۱. تبیین و معرفی نقشه راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان اولویت شورای راهبردی ۱۷۰
- ۲/۳/۱۰/۱/۱/۱. برگزاری نشست های معرفی به صورت نشست خانگی، به عنوان یک تجربه جدید از برگزاری نشست؛ یکی از سه مدل برگزاری نشست معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۱۷۱
- ۲/۳/۱۰/۱/۱/۲. تولید خبر در نشست های رسانه ای به محوریت معرفی اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی؛ مدلی دیگر از برگزاری نشست های معرفی نقشه راه ۱۷۱
- ۲/۳/۱۰/۱/۱/۳. نشست های علمی با نخبگان حوزوی و دانشگاهی، سومین مدل برگزاری نشست معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۷۱
- ۲/۳/۱۰/۱/۱/۳/۱. وجود نقشه راه و آیین نامه برگزاری این نشست ها در پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه برای علاقه مندان در سراسر نقاط کشور ... ۱۷۲